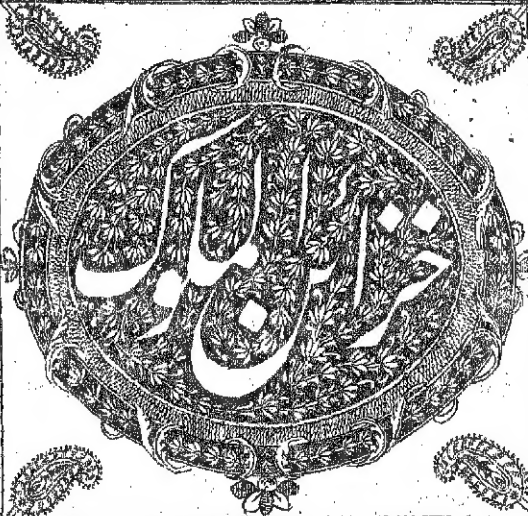


مكتبة الله لا يقو إلا بالله

درین کتاب فیضان انس و جان شریف و نامی مجموعہ شرح و اسطرری و یونانی
تجدید خواہر سہ ہای قانون علاج آئینہ صورتیں نہیں مزاج و اخلاقیات و حکمک بینی



از استاد عالم و محقق کلیا و معالجات فہرست و فائق مقدمات و کتابات نبض شناس
معروف و شہسوار حضرت فرست بناب حکیم شمس الدین احمد صاحب ام بالا فاضلت

مطبع دارالعلوم قسطنطنیہ
در انطاکیہ کتب خانہ مطبوعہ

M.A. LIBRARY, A.M.U.



PE1333

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سرنامه نام جهان را پاک و بپراکنده رستنیا ز خاک هفتازنده آسمان کبود و پنهان گزیده کوه و صحرا و رود
خدا و مربی یار و یار همه بخود زنده و زنده و از همه جدا و حکمت حکم و شنید جان و حکم آشکارا حکمت نهان
ستایش و نیایش حکیم جان بخش جهان آفرین که مقتضای حکمت بالغه وجود انسان کبریا که عبارت از
عالم جسم است از اخلاط اربعه تنقعات و عضای ریمه موالید و حوام کائنات ترکیب نموده
و بسبب علم کامل اعتدال مزاج عالمگیر را در ایجاد و تکوین انسان که بعالم صغیر شهرت دارد و در فیت
این نوع گرامی را از سایر انواع موجودات و اصناف مکوننات بیاج و قار و امتیاز سر فرازی بخشوده
قدیری که از نیرنگی آمیزه اجرام علوی و اجسام سفلی گوناگون معدنیات و اقسام نباتات را بر
فراز شود گذاشته و جمیری که بشکر و کاری آفرینش هر برگی را صدف گوهر خاصیتی و هر گل و ثمری را
کان جوهر قیمتی ساخته انسان العین از قدرت و شرمیه پیشینه موزن خوان صحافت را از و طائر و نور نظر از شتر
در بنیه ضعیفه نموندی بال افشانی یافته سپهر پرواز **فصل پنجم** بیک امر هر دو جهان منسجم
بشش و زهنت آسمان آفریده ستایش که داند نزار او را و بکبر خست گشته در کار او و جزو ذات صفاتش کنی گاه
خرد را بر گاه او را است چه در اجزا و کس نیار و تنه که او در دنیا گرفت و دشمن و جوهر صلوات الکیات
که در حوصله سپهر در گنجد و کالی تحیات مقدسات که در درجک روزگار در نیاید تبار بارگاه حبیب خانی
طیب نفوس خلائی که در مان ظلمان مرض جمل بسیط را بخان مسهل درایت کامله بخشوده که از معدنه

مردک پذیرفته او شان اخلاط فاسده شرک و نفاق پناک ساخته و معاوجیان بیماری کجی
 یت را چنان نوشداروی معظمت حسنه عطا فرموده که قوای نفسی و انانی روی بوی درستی
 حکم طبیب بیدست یاب زنگ پذیر حکم خدا نوشدار و جنگ به همان چشم روشن کن خاکیان
 نوازنده حسان افلاکیان چه محمد ازل تا ابد هر چه هست چه بار ایش نام او نقش بست
 و بر آل اطهار و اصحاب کبار و صلوة الله علیه و علیهم اجمعین اما بعد بر ضامن اقدان بصیرت و
 خیر و صلاح باد که گفته بهیچمان مترقب آمرزش الله الصلواتم بالطیب شمس الدین احمد
 ابن معلم بخشش ولد محمد عظم الهامی متوطن میر علی و الله الم الامین آبادی از مدت همدای بهیچ آن دست
 که کتابی با مجاز حاوی فنون و قوانین کامله طبییه و جامع قواعد و نکات نادره حکمیه که بجا فطرت آن جناب
 بدگر کتب طب نیست و در تشخیص امراض و قواعد علاج کلتبی باشد از سایر پاستانی نامهای عربی فارسی
 و هندی و انگریزی استنباط نموده تحریر و ترتیب لائق و ربط فائق که احاطه با تمام ارکان علمی
 نماید بصحح اخلاط مظان که در امتداد زمان از مسامحات کاتبان بوقوع آمده کرده آید لا بکسر می بریان
 جان بسته کتب قدیمه متداوله چون قبول الطب تشریح کبیر و حلیه البرجالیة و کناش فخر و فائق
 و آرزو شیع رئیس و شرح قانون قطاس الحکمة و مساجات بقرطی و مساجات طبری و فستاح
 و ایلاتی و شرح آن و منصوری و حاوی کبیر و حاوی صغیر و کربا زری و کمال الصلوات مجوسی و تذکر
 و برهنه و غایت المرام الطاکلی و منهاج الادویه و شرح اسباب و علامات مولانا نفیس کرمانی و شفا الکلام
 حکیم مصری و ترویج الارواح و غنا ما مضی و زهدة المهج و توفیق الابدان و مختار ابن جبل و دانه مسیحی و
 شفا العاجل و ایضاح و خلاصی و موجز و قانونچه و شرح آن و دوائش نامه جهان و میزان الطب
 و مرکبات شاهای و ذخیره خوارزم شاهای و دریا ص عالمگیری و دریا ص الفوائد و خلاصه الخوارزمی و عجاز
 سیمی و طب الکبیر و شرح حدود و الامراض و اغراض و لوازم و دستور العلاج و دریا ص الاطباء و مجموعه
 بقای و علاج الامراض و منتخب ذکاکی و شفا العلیل و قرا بادین سمرقندی و قرا بادین جلالی و قرا بادین
 امامی و قرا بادین کبیر و قرا بادین فارسی و قرا بادین مصمومی و حقائق الاشیاء و تحفه و فزین و خواص و
 و محرک و سرست و باطله بچث و ما یهون صان و معدن الشفا سکندری و دارا شکوهی و معدن جبریا
 و غده و مطالع و آورده قوانین و قواعد طه و نکات و خواص حکمیه غایت الاقصی ملقط ساخته این

جوامع اعظم علم طب فراهم آورد و مشیخ ساخت بنام گرامی قیصری که سعود سماوی بنیم است تقیه
اقبال او در درجات نیرودان و نیز اعظم هبت آرایش افسر جاه و جلال او از باختر مغرب روان
و بهیم جان داری دولت مغفرت از فرقی مبارکش حصول ساخته و بهتر سعادت سایه عظمت از
شکوه وجود گر همیشه برداشته شوکت کیخسرو و فر فریدون بجنب جاه و جلال خاقانیش ابر نامعلوم
و آوازه عدل هوشنگ و کسری پیش گلگونک جانانیش صدای موهوم قهرمانی که بیک ناله غصه
قیصرانه شهری را به قهری بسوزاند و سلطان که بیک اشاره خسروانه بجزایر مومن و صحارا چون می سازد
از بهیم عقاب عزمش تدر و آفتاب در خار بن خطوط شعاعی گر خیمه قاز و دشت قلاب جروش ماهی
متهاب بر برای اخضر و آو خیمه آرد و پای جرخ برین از سهم تفنگ تهنک پیکش زبان زینهار
کشاده و شیر گردون از تاب آتش انوار پند خرو گشتش در گرداب التهاب افتاده آمرنا خدش
قرین قضا و قدر حکم کش همتین فتح و ظفر قواعد سلطنت مشید و قوانین ملکوت موکد انشانی و نظام
و ستوران و کار پردازش چنان احکام و انضباط یافته که خس و خاشاک معارض و منازع از چارها
پند و ستان پاک ساخته حادثه جانگوا می در حمد خسر و پیش چون وفای خوبان روی بهر نیست نهاده
و ظلم و جوار زمانه جانداریش چون عقار در دام حقا افتاده سائران اجرام سپهر با نهران مصانع گردد
جهان گردیده به جان داری باین شوکت و ابست و جلال و عظمت به چشم خود ندیده و ظلم نموده هیچ آب زبانه
تجایی گل گشته پاره از باد که بوزن عقاب که موخته پند به بجان پیش خورده گل گسسته ز پیش شکست با نند گل
طغان بخور و بهرام و طغرل نهاده دل بجدل او خفاشته نهاده در بروی و سعادت پد اراده عظیمه در جانشانی
هر سپهر و در گستره و ملک آرای بکوان نعمت بهرام صولت خداوند انگلند و قیصر پند جناب **ملکه معظمه**
کونین و کتوریه ادام اند ملکها و اقبالیها و شیدا شست از فرنگیان از فرنگ و خرد و زبان انگلستان
کونین در علوم تیر خجاست و بهسات و هندسه و طب و نگاه شگرت میدار ز چنانچه **مرزا اسد الله**
خالد الهی می سراید **مهم صاحبان** انگلستان را اگر چه بشنوده و انداز زبان را اگر
آتش کز رنگ برین آورده این هنرمندان خرد چنان که در نه که دُخان گرون بهامون میفریخته که دُخان کشی بی چون میبرد
نفسه بی آهنگان ساز کوه و حرف چون طائر بیچاره از آواز سالار میزدان گردیده این خزان ملاحظه و آرزو
گوهر را از شیشه سره را از ناسره شناسند و این خزان در نهایت القاب گرامی جناب **ملکه معظمه**

اسن الملوك نام نهاده فنون طب نظری و عملی را بچهار خزانة مقسم است **خزانة اول**
 طبیات و قوانین و قواعد طبیة **خزانة دوم** در اجناس و انواع امراض بدنیة **خزانة سوم**
 در علاج امراض **خزانة چهارم** در ادویه مرکبة نخستین **خزانة اول** و در آن سه گنجان است
گنجان اول در تعریف طب و تشریح ابدان و امور طبیعیة امور ضروریة **گنجان دوم**
 در امور غیر طبیعی مثل علم الامراض و اسباب و علامات و اعراض و دلائل و شناخت نبض و قار و رده
 و غیر آن **گنجان سوم** در قوانین حفظ صحت و قواعد استراحت و اجتناب بر مریضان و تبصیر او در مفردة
 و انذیه مرضی و غیر آن نخستین **گنجان اول** و در آن یک در جبک و سه صندوق است نخستین در جبک در
 لآلی همین تعریف علم طب قال ارکا غایس الطب حفظ الاجساد علی صحتها و فی الاعراض منها و قال
 الایلاتی ان الطب علم تعریف منه احوال بدن الانسان من جهة التبصیر و نزول عن الصحة لیحفظ الصحة صلیته
 و یستروا لئلا یقال جالینوس الطب الحدیث یعنی للطیب الماهر ان یعلم عشرة اشیا و اولها معرفة طبیعیة
 الانسان و عادته و سنة و ثانی معرفة اختلاف الایهوت و ثالثه ان یکون متصرفا فی فنون الاداب
 و الرابع ان یکون عالما بطبائع الاغذیة و الاشریة و الادویه و الخامس ان یعرف الاعراض المفردة
 من المركبة و السادس ان لا یجترأ علی اخراج الدم الا عند سببها و لا یسقی الادویه الا ان تمین له زیادة
 الفضول الفاسدة فی بدنه و ان یکون عارفا بالضعف و القوة و السابغ ان یکون بصیرا بالوان علامات
 الحسنة و الثامن ان یعرف حال البلمان و الیاه و السابغ ان لا یمل بالتحریة کما قال بقراط ان العرف قصیر و
 الصنعة طویل و التحریة خطر و القضاء عسر و الزمان سحر و عجول و العاشر لا یمل فی سقی الادویه للصبیان و البزوان
 الحمالی و لمن لم ین فی معدته ابتلاء من الفضول فان فداک یضرهم و لا ینفعهم و مضاره اکثر من منفعت
صندوق اول در تقو و فن تشریح و ان توزع یا بدنیة قسم کما تشریح عضای مفردة و قسم کما
 اعضای مرکبة سوم تشریح آفریش چنین نخستین تشریح عضای مفردة و اول آن عظام است و عظام بدن
 انسان مز و اتبع اطبا یونان بقول اصح مطابق اعداد و رحم جلد و صد و چهل و هشت پاره بدین
 تفصیل است آتخوان سمع و روزه آنها یازده پاره و آتخوان هر دو فک شانزده پاره و دندان بالاین
 دیرین سی و دو عدد و فقرات عنق و صلب و مطن و عجز و عوص شصت و دو آتخوان خیر گردن و دو پاره و عظام
 کتف مع قاع الکف چهار پاره و آتخوانهای بدین شصت پاره و عظام الاضلاع شصت و چهار

پاره و آتخوان سینه یعنی علم القصر هشت پاره و آتخوان خاصه یعنی بیگاه دوازده و آتخوان هر دو پاره
 هشت پاره اما پنجاه و ششین انگستان بمبایه تصحیح نگاشته اند بدین تفصیل است آتخوان عمود الفقرات
 است و شش عدد و آتخوان صدر هشت پنج عدد و آتخوان زبان یک عدد و آتخوان جمجمه هشت عدد و
 آتخوان چهار چهار عدد و آتخوان درونی هر دو گوش شش عدد و آتخوان دندان سی عدد و آتخوان
 زرقه و هر دو شان چهار عدد و آتخوان هر دو بازو و دود و آتخوان هر دو ساعد چار عدد و آتخوان هر دو
 رُغ شش عدد و آتخوان هر دو کف دست ده عدد و آتخوان انگستان هر دو دست است هشت
 و آتخوان سمانه بدین چار عدد و آتخوان هر دو سرین دود عدد و آتخوان هر دو ران دود عدد و آتخوان
 هر دو ساق شش عدد و آتخوان قدیم هر دو پای چاره عدد و آتخوان مشط القمین دود عدد و آتخوان
 گمشان هر دو پای است و هشت عدد و آتخوان سمانه بر طین چار عدد و دود و دود و دود و دود
 عدد دست نخستین آتخوانهای عمود الفقرات باید دانست که بر زبان اطباء یونان گفته که فقرات باعث
 انتصاب قامت و محافظه اعضا از اصابات است و قایم علیهم السلام که از کتب معتبره است و کافیه فی
 فقار گردان اما درست بینا و سیانا و صیانت قصبه ریه و مری و سایر فقرات عنق و دوازده فقره و دوازدهم
 صلب که با قطن متصل است در هر دو پهلویست به فرو و نهایی اصل بال زواید دارند و این زواید را اجتمع گویند
 و نفع این جناح و نافه جرم فقرات است و دفع لواحقات خارجیه از اعضای باطنه شریفه مینماید و بر پ
 همه این فقرات زواید است خار مانند که آنها را اشوک و سانس گویند و زواید مفصلیه که در هر مفصل نظام
 فقرات بایکدیگر است شش حصص نام دارد و مفرد آن شاخص است و شش حصص انگستان عمود الفقرات را هر کو
 آتخوانهای جسم قرار داده اند و میگویند که در حالت خم شدن فقرات قبل از جلد عظام متکون میشود و بعد از آن
 باقی آتخوانهای جسم نامی آن پنجه شانه های شجره کوبین میبندد و جلد فقار نزد اطباء یونانی عدد دست و
 نزد مشرین انگستان سی و سه عدد که پنجاه و عمود الفقرات است و چهار فقره را زواید فقره عنق تا آخرین فقره
 قطن فقار حقیصیه و باقی فقره را که از آنها عظم العجز عظم حصص که بدانستند فقره کا که پنجاه و عمود الفقرات
 با اتفاق یونانیان و انگستانیان پنج مراتب دارد و اول هفت عدد و هر پای عنق با اتفاق یونانیان و انگستانیان
 نانیاد و زده عدد و هر پای صلب با اتفاق الضانها پنج عدد و هر پای قطن با اتفاق الضانها زده یونانیان
 سه عدد و نزد انگستانیان پنج عدد که از هر پای عظم العجز شش عدد و یونانیان سه عدد و نزد انگستانیان چهار عدد که از

اصح پس اولاً از عمو الفقرات هفت عدد فقرات یعنی مهرای گردنت که جسم این مهرایان
 در خرد تر سطح فوقانی محو و سطح تحتانی قدری محدب و از مقدم بنیست و مؤخره نیز میباشد و کل مهره این اینها
 غده با حلقه بود و این مهره بازو اندمین این وسیع فقرات الاس ارتباط میدارد و فقره ثانی با فقره اولین بازو اندمه فقره
 از ان مرتبه که دیده با رابط قوی اتصال بالاس یافته و ثانی دوازده عدد فقرات الصلب یعنی مهرای پشت است که جسم
 این مهرای بنیست فقرات الغش که از نوز فقرات القطن خرد تر سطح فوقانی و تحتانی اینها منقطع و از مؤخره بنیست مقدم و مؤخر
 میباشد و هر دو یکو جسم اینها برای پیوستگی قوامی ضائع و دو نصف فقره آشکار بود و ثالث پنج عدد فقرات القطن یعنی مهرای کمر
 و این مهرای فقرات الصلب که از نوز سطح و جسم اینها برضای و از مقدم بنیست مؤخره و نیز میباشد و جسم مهره اختیار اینها از مقدم بنیست
 مؤخره زیاده تر و نیز بود و راجع یک عدد عظم العجز است و پیروان اطبای یونان این را سه فقره گفته اند و ششمین انگلستان
 مرکب از پنج فقره خرد که از به دانسته و بالاتفاق میانین دو استخوان عظم لاسم له واقع است و کل شلث میدارد که درین
 مقدم و مؤخره سطح و هر دو پیلو و در کاره و فوقانی و تحتانی دور اس میباشد و سطح مقدم محو بود و بران نشان چهار
 خطوط عراض یافته میشود که از ان معلوم میگردد که این استخوان مرکب از پنج استخوان خرد است و سطح مؤخره محدب و
 تا هله باشد و این استخوان با چهار عظم یعنی دو استخوان عظم لاسم له و یک عظم المعصص و یک فقره آخر قطن اتصال میدارد
 و خاص یک عظم المعصص است و پیروان اطبای یونان این را هم سه فقره غضروفیه گفته اند و ششمین انگلستان مرکب از چهار
 فقره خرد که از به دانسته و کل سه زو به بیات فقره دارد و سطح مقدم این اس سطح مؤخره شش میباشد و محض یک استخوان
 عجز اتصال میدارد اما عظام الصدور یعنی استخوانهای سینه عظم القص ضائع است اولاً عظم القص این استخوان را پیروان اطبای
 یونان هفت پاره دانسته و نوشته اند که این عظام نرم خلوق شده و یکدیگر را با نخی غضاريف ترتیب و متصل یافته و در سطح
 و نهایت این عظام فی الوسط غضروفی عریض است الشکل شکون شده تا وسطه بود میان اعضای سخت نرم و قوی است
 مرغ معدده را که شدیدا تا لم است از آفات خارجی و غضروف مذکوره را عظم الغضری فی اندلقتا به بالخی و نوز و ششمین
 انگلستان استخوان عظم القص که بعد در میان سینه باستقامت واقع است بصورت طویل و مخروطی و اس فوقانی آن سطح و
 پس اس تحتانی آن برین دو قین است و برایشی شل شرح آخر اصبه شش ساخته اند که حصه فوقانی دوی در میان شش
 تحتانی اول حصه فوقانی که شکل قدری بیض است از فوق در هر دو زاویه یک یک که دگ دارد که اینها استخوان ترقوه
 عظمین است زیرین آن کا و الی یک کا که از هر دو یکو اینها غضاريف استخوانهای ضلع اول النطاق دارد و زیرین آن آفتاب
 یک یک نشیب گیر است که در اندامه فوقانی غضاريف استخوانهای ضلع دوم متصل میباشد دوی حصه در میان که بنیست

حصه فوقانی درازتر و متطیل الشكل است در هر پهلوی شش شش نشیب دارد که در آن اعضا ریه است
 اما دو نشیب بالا این دو زیرین این حصه نصف نصف واقع اند که در دو نشیب قانی نیمه تختانی غضار
 در می و در دو نشیب تختانی نیمه فوقانی غضار ریه است الاضلاع هفتی الصفاق میاید و در باقی چهار نشیب در میان
 غضار ریه الاضلاع هفتی و چهارمی و پنجمی و ششمی متصن میگرد و هفتمی حصه تختانی که نسبت دیگر دو حصه محدودتر
 است بمضروف و انحراف ششمار دارد و در این بیات خلعت می باشد گاهی نو که در و رقیق و گاهی بسین و در شش
 یافته میشود و فرازین آن بر سه پهلوی یک یک نشیب واقع است که در آن نیمه تختانی غضار ریه الاضلاع هفتی و ششمی میاید
 و این استخوان با ششماره عظام یعنی چهارده ضلع و دو استخوان ترقوه اتصال میدارد و قانی ضلع استخوانهای ضلع بر هر
 پهلوی دوازده می باشد که نسبت و چهار عدد است و هر یک ضلع استخوان قوسی می باشد و بر یکی قبر غره مانند استخوان ضلع
 اکثر بطریق قانی واقع بود و از این ضلع هفت هفت یعنی چهارده عدد که از جانب مقدم بواسطه غضار ریه خود با عظم القص
 پیوستگی میابد آنها را پیردان اطبایی یونان ضلع الصدور و مشرقین گلستان ضلع الحقیقه میخوانند پنج هفت و دیگر استخوان
 ده عدد که زیرین ضلع الصدور واقع اند آنها را اتباع یونانیان ضلع الزود و عظام خلف و گلستانیان ضلع الکاف و بین
 و پنجم پنج هفت الاضلاع الکاف از جانب مقدم غضار ریه است هفت فوقانی آنها با غضار ریه الاضلاع فرازین میاید
 یعنی ششماره عظم و هفتم و هشتم و نهم و دهم پیوستگی میدارند و در هفت تختانی آنها را یک نام استخوان علاقه می باشد و غضار ریه
 آنها نو که دارد و از دو این ضلع الزود هر یک کوتاه تر از مافوق خود می باشد و ضلع آخرین اینها که کوتاه تر است و پیردان
 اطبایی یونان ضلع قصری نام دارد و غیره الاضلاع دوازده هفت حقیقه که از جانب مؤخر ضلع است هفت اول و دهم و
 یازدهم و دوازدهم با یک یک فقره و باقی هر ضلع بلور و فقره نشیب الصفاق می یابند اما استخوان بان عظم الاوی
 نام دارد و در پنج لسان پیش گذارد می باشد و این استخوان را جسم قدری میگویند و در خرد و زواید مانند فردن
 میدارد و با یک نام استخوان پیوسته نیست اما عظام لمبجیه یعنی استخوانهای کاجک سر نیزه و اکثری از پیردان اطبایی یونان
 هفت عدد است چهار قطعه همچو چهار جردان هر چهار طرف و دو قطعه استخوان سقف و یک قطعه استخوان سطح فنی جمله را
 قبائل الراس خوانند و مشرقین گلستان بدانند و تصحیح ششست عدد و گاشته و بالاتفاق یک استخوان مؤخر کاجک عظم
 القفوه و دو استخوان سقف کاجک عظم الاضلاع یک استخوان مقدم کاجک عظم الحبه و دو استخوان جدارین است
 چپ را پیردان اطبایی یونان مجرین و مشرقین گلستان عظمان عظم یک استخوان سطح فنی را بالاتفاق عظم
 و استخوانی را که بین چشم خانها واقع می باشد عظم الحفاة می نامند و در پانچ عظم القفوه و سورانی کلان می باشد که نخل از ان

در غده و الفترت داخل میشود و انگلستانیان آنرا خارج الخلع می نامند و حصه فرازین عظم الجبهه حین
 رصه زیرین آن چشم خانها واقع شده و عظام الصدغ هر یک را از اتباع یونانیان جالینوس و مجوسی بعضی
 ششصدین انگلستانیان سه حصه مقرر ساخته اند نخستین فرازین و پیشین حصه را که پهن و رفیق است جزو قشره می نامند
 و دومی زیرین و پسین حصه را که بصورت سرستان مدور و وسطه ریافته میشود جزو عظم خوانند و سومی حصه را که
 باین زائده عظم القصد و ده و خراج کلان عظم الوتد واقع است جزو عجزه می نامند و هر دو گوش با اتفاق رای یونانیان
 و انگلستانیان و جزو عجزه مخلوق شده و پیروان اطباء یونان و هل هر دو استخوان قحف را شیون خوانند
 و آن هر یک استخوان مذکور را دارند آنها دو کاوا که است که در یکدیگر پیوست شده و دروز هم گویند و درهای کوچک
 نزد یونانیان یکی پنج است که سه از آن حقیقی است و یکی را اکیلی نامند و این عظم الجبهه و هر دو استخوان قحف واقع است
 و چون بقطرش انتهای اکیلی است که بر سر می نهند با اکیلی موسوم شده و شکل آن مانند قوس است و دومی
 را سبی گویند و وی بیش از تیر است و راست است مابین عظام القحف مستقیم واقع شده و آنرا سفودی نیز خوانند
 سومی را لای می نامند که شکل لام یونانی است همچو دال عربی و وی واقع است مابین مؤخر هر دو استخوان
 قحف و استخوان قحف و ده و هر دو جانب آن عظم وندی منتهی شده و دوازده غیر حقیقی است که آنها را دروز
 قشری می نامند و آن هر دو طولانی راس است و است بر سبی کی از پهن و دیگری از بسیار ریافته میشود و عظم
 نزد پیروان اطباء یونان کثیر الاضلاع اسطوائی شکل مفراط الصلابت است و نزد قشر حین انگلستان
 یک جسم و دو جناح صغیر و دو جناح کبیر و دوازده می دارد و شکل آن شبیه شیره است و عظم المصفاة و نشیب
 عظم الجبهه مابین چشم خانها واقع است و بجایه یک گویه مربع و در ساخت مسام دار و نازک و سبکی باشد
 اما عظام الوجه یعنی استخوانها چهارده عدد است و نخله آنها و استخوان عظام الفک الاعلی است که هر یک استخوان
 یک جسم و چهار زائده دارد و جسم اینها بجایه قدری مثلث و از اندرون محوف می باشد و چهار سطح در آن
 معین میشود و دو استخوانها عظام الذی است که این استخوانها قدری مشابهت بناخن میندازند و پیش
 استخوان مصفاة بر دوفی زاویه های چشم خانها واقع اند و دو استخوان عظام الوجه است که استخوان خیاره
 می نامند و حصه بیرونی و زیرین چشم خانها واقع اند و در هر یک دو سطح و چهار زائده ریافته میشود و دو
 عظام الحنک است که بیرونی و دیوار حصه مؤخر قفایان الفک ازینها مرکب میشود و حصه زیرین اینها

باز و انوک بالا علی شمول شده و ساخت خاک سخت و حصه فوازین در ساخت صحن چشم خانه نادار
 و دو عظام المشاشی الاسفل است که این استخوان بصفت بسیار مشابست میدارند و بجایه نازک و
 و مسام دار می باشند و بر پهلوی های حصه زیرین ثقبان الانف واقع اند و کی عظم الوتریه است که همچون
 باریک اندرون بینی بصورت جدار واقع است و کی عظم الفك الاسفل است که بصورت ثقل سبب واقع
 شده و یک قسم دو شاخ دارد و در جسم آن بیرونی و درونی و سطح و بالین و زیرین و کنار و یافته میشود
 و بر کنار بالی آن سوراخهای اشکان است که در وسط کناره زیرین آن که مدور می باشد فرق نامند
 و باید دانست که مخبر یعنی چشم خانه ها حصه فوازین چهار واقع اند و ثقبان الانف یعنی مناک
 بینی مابین و تحت چشمها واقع یافته و دو سوراخ پیشین آنها را مخبر مقدم و دو سوراخ پسین مخبر
 می نامند و عظام الحجر و عظام الوجه بدینچه دروز با یکدیگر پیوستگی یافته اند که تفصیل بعضی دروز که چاکت تشنج
 یونانیان نگاشته اند بیان پیوستگی این استخوانها و بیان جمله دروز را در شرح انگلستانیا فی فصل مرقوم است اما چونکه
 طوالت داشت و این مختصر گنجایش پذیر نیست فرو گذاشت شد اما عظام الاذن یعنی استخوانهای هر دو گوش
 شش عدد است در هر گوش سه عدد که اول آنها را عظم الفطیسه و دومی را عظم السندان و سومی را عظم الکبابی می نامند
 و این استخوانها مابین طبقه کلبل الاذن و مقام پوشیده درونی اذن ارتباط میدارند که عظم الفطیسه جانب
 بیرون و عظم الکبابی جانب اندرون عظم السندان مابین هر دو واقع می باشد و با سه رابطات اندرون جزو
 حجر عظام الصدغ مربوط بود اما انسان یعنی دندان سی و دو عدد می باشد و فخله آنها هشت دندان پیشین را که
 در هر یک فک چهار کوز اند انسان لثایا خوانند و چهار دندان بعد از آن را که در هر یک فک دو دو بر هر دو پهلوی
 شایا م کوز اند انسان الانیاب گویند و هشت دندان پس از آن که در هر فک چهار چهار و دو عدد بطرف راست و دو
 عدد بطرف چپ م کوز اند انسان الطواحن مقدم نامند و دوازده دندان بعد از آن را که در هر یک فک
 شش شش سه عدد بطرف راست و سه عدد بطرف چپ م کوز اند انسان الطواحن المؤخر گویند و از اینها پس
 اخیر را که دو خرقانی یک یک بطرف راست و یک یک بطرف چپ واقع است فواجد و
 دندان خرد نامند و باید دانست که دندان شیر هر یک طفل را در مختلف الا زمانه بروز میکنند و
 نخست شایای زیرین ظهور می آیند اما بعضی اطفال پس از عمر شش ماه تخنیا بآمدن آقا نشد
 تا عمر دو سال تمامی بر آیند و دندان پدیدار پس از عمر شش تا هفت سال بآمدن آغازید و تا هشت سال

و دو سال تخمینا یکی می برآید اما عظم الرقوه یعنی استخوان خیمه گردن که بندی منسلی نامند و عدد دست
 پاره جانب راست و یک پاره جانب چپ این استخوانها حصه فوقانی استخوان صدر و در واقع است چنانچه
 درونی آنها که با نوا و بهای حصه فوقانی عظم القص پیوستگی دارند تحت و اعلی بمقدم و راس برونی آنها که
 بازو و عظم الکف ملصق اند فوق و اعلی بخوخرمی باشد اما عظم الکف یعنی استخوان شانزده و عدد دست یک جانب
 راست و یک جانب چپ و این استخوانها مفصل و مثلث بر پشت و پهلوی صدر را از ابتدای ضلع دو بین تمام
 ضلع حقیقین واقع است و درین استخوانهای مقدم و مؤخر و وسط و فرارین و زیرین و پسین سه کناره و پیشین
 و فرارین و زیرین سه زاویه یافته میشود و زائد این استخوانها را که با نوا و بهای بیرونی عظم الرقوه پیوستگی یافته
 پروان اطبای یونان اخرم و نفا را العراب نامند و آنچه بر پشت این استخوانها همچو جدار بندی واقع است آنرا
 قله الکف گویند و این استخوانها با دو استخوان یعنی عظم الرقوه و عظم العنق پیوستگی دارد اما عظم العنق یعنی استخوان
 بازو و عدد دست که هر دو جانب یکی است و این استخوانها در راست از جانب انسی مقعر و از جانب حشی محدب جسم
 اینها در حصه فوقانی مثلث و در حصه تحتانی مغرطی می باشد و از راسهای فرارین با استخوانهای عظم الکف و از راسها
 زیرین با استخوانهای زند اسفل و زند علی ارتباط دارند اما زند الاسفل نیز و عدد دست و این استخوانها مثلث جسم
 و راست که هر واحد در هر یک ساعد که آنرا ذراع نیز گویند جانب درونی واقع باشد و از راسهای فوقانی با حصه
 درونی مقعر استخوانهای عظم العنق پیوستگی یافته مفصل مرفق مرتب می سازد و باقی سطر در طول بازند اعلی
 پیوستگی دارند اما زند اعلی نیز و عدد دست و این استخوانها هر واحد سمت بیرونی هر یک ساعد واقع بود و جسم مثلث
 و زاویه که سطح و سه کناره دران یافته میشود و از راسهای فرارین با استخوانهای عظم العنق و از راسهای زیرین
 بذریعه یک خط در دو حصه بیرونی و درونی منقسم شده با استخوانهای عظم الزورقی و عظم الملالی رسخ ارتباط دارد
 و جانب درونی راسهای زیرین یک یک نشیب آشکار بود و که دران راسهای زیرین استخوانهای زند الاسفل
 التصاقی یابد اما عظام الرسخ که بندی کلانی گویند در هر دو جانب هشت استخوان اند که جمله شانزده بود
 و در هر جانب هشت عدد آنها در دو صف با ترتیب سلسله وار با یک دیگر مرتبط می باشد که از استخوانها
 قطار اول نخستین عظم الزورقی است که گونه کاشتی شابهت دارد و این جانب بیرونی رسخ واقع است و با
 استخوانهای زند الاعلی و عظم الملالی و عظم الکبیر و عظم المجدبی و عظم شنبه مجین پیوستگی دارد و عظم الملالی است که بر
 پهلوی درونی عظم الزورقی واقع است و این با استخوانهای زند الاعلی و عظم الزورقی و عظم السفینی و عظم الکبیر

و عظم شخصی پیوستگی دارد و سومی عظم سفینه است که قیام این عظم الهامی و عظم الکریسی و عظم شخصی سه استخوان میجویر چپ
واقع است و با استخوانهای مذکور پیوستگی دارد و چهارمی عظم الکریسی است که بدنه که سه شباهت دارد و صرف با استخوان
از باطای باید و از استخوانهای قطار دومی اول عظم المعینه است که جانب بیرونی بسط واقع است با چهار استخوان استخوان
اول دوم عظام المشط الی یک عظم الزرقی یک عظم شیعین پیوستگی دارد و دومی عظم شیعین است که نسبت عظم المعینه خرد تر است
با چهار استخوان یعنی یکی عظم الحینی و دوم عظم الزرقی و سوم عظم الکبیر و چهارم استخوان و دوم عظام المشط مرتبط میشود
سومی عظم الکبیر است که از جمله استخوانهاست که آن تر است و با محقق استخوانها یعنی عظم الزرقی و عظم الهامی و عظم شیعین
و عظم شخصی دوم و سوم و چهارم استخوانهای مشط الی مرتبط میشود چهار عظم شخصی است و این با پنج استخوان یعنی
عظم الکبیر و عظم الهامی و عظم سفینه و چهارم و پنجم استخوانهای مشط الی پیوستگی دارد و اعظام المشط الی یعنی کف دست
در هر دو جانب پنج عدد است که جمله ده عدد باشد و استخوان اول اینها که نسبت دیگران خرد تر و سطحی است با
دو استخوان یعنی عظم المعینه و یک استخوان سلامیه و استخوان دوم اینها که راس بالای آن از راسهای فوقانی دیگران
کلان تری باشد با پنج استخوان یعنی عظم المعینه و عظم شیعین و عظم الکبیر و سوم استخوان جماعت خود و یک سلامیه
و استخوان سوم اینها که جانب بیرونی راس فوقانی آن یک زائده نوک دارد و سومی لطیف بر راس مذکور واقع
می باشد با چهار استخوان یعنی عظم الکبیر و دوم و چهارم استخوان جماعت خود و یک سلامیه و استخوان چهارم اینها که بر راس
فوقانی آن صرف سومی لطیف باشد با پنج استخوان یعنی عظم الکبیر و عظم شخصی و سوم و پنجم استخوان جماعت خود
و یک سلامیه و استخوان پنجم اینها که بر راس فوارین آن دو پستی اندکی یافته شود با سه استخوان یعنی عظم شخصی چهارم
استخوان جماعت خود و یک سلامیه و باطامیدارند اعظام سلامیات الی یعنی انگشتان دست در هر دو جانب چهارده
عدد که عبارتست و شصت عدد باشد و در انگشت خرد و پاره و در باقی چهار انگشتان سه سه پاره می باشد و این استخوان
پار با قطار اول کلان و راسهای فوقانی آنها مقعر و راسهای تحتانی در هر دو پهلو محب و پایین مجوف و قطار
دوم از آن خرد تر و راسهای تحتانی آنها بشا ب راسهای زیرین قطار اول و قطار سوم از همه خرد تر و راسهای زیرین
آنها پس باریک می باشد که ناختمان آنها پیوستگی دارند و استخوان پاره ای قطار اول از جانب فوقانی با استخوانها
عظام المشط الی و از طرف تحتانی با استخوانهای قطار و دوم خود و با استخوان پاره ای قطار و دوم با استخوان پاره ای
قطار اول و سوم خود و با استخوان پاره ای قطار سوم صرف با استخوان پاره ای قطار و دوم خود و با اتصال
میدارند اعظام همسانند یعنی دو جفت اند و در هر دو دست یعنی هر دو دست یک یک جفت که جمله چهار عدد

باشد اما عظم الورک در هر یک سرین یکی است که دو عدد باشد و هر یک استخوان مذکور لعظم لا اسم له شهرت
 دروز و ششترین انگلستان باتفاق پیروان اطباء یونان بسجده تقسیم شده اسامی جدا گانه دارد چنانچه
 حصه طرف چپ یعنی فرازین را که مفطح است و از آن بلند می ورک مرتب میشود و عظم الحرقفه نامند و حصه طرف
 انسی یعنی زیرین را که بهنگام نشستن بر جای نشست ملحق میشود و عظم العجب و حصه قدیم را که بر پیش درک واقع
 عظم المعانیه خوانند و این استخوانها با عظم الحرقفه و عظم الفخذ پیوستگی میدارند و پیروان اطباء یونان عظم الحرقفه
 را عظم الخاصه و عظم العجب را عظم الورک نیز می نامند و باید دانست که درک از چهار استخوان دو استخوان حرقفه
 و عجب و یک استخوان عجز و یک استخوان عضص مرکب است اما عظم الفخذ یعنی استخوان ران در هر دو جانب
 یکی است که دو عدد باشد و این استخوانهای دراز است که جسم اینها از جانب قدیم یعنی چپ و از جانب
 خلفیه یعنی انسی مقعری باشد و هر یک از راس فوقانی در حق الورک از راس تحتانی با استخوانهای قصبه الکبری عظم الفخذ
 اتصال میدارند اما عظم الفخذ که برین یکن گشته بقاری آئینه ترا نومی نامند و در هر دو جانب یکی است که دو عدد باشد و در هر یک
 از این استخوانها دو سطح و دو راس می باشد چنانچه سطح برونی محذب و سطح درونی المس و راس فوقانی پهن
 و مدور و راس تحتانی مخروطی یافته میشود و عظم الفخذ پیوستگی دارد با عظام الساق که بهر استخوان پندلی گویند و
 هر دو جانب دو عدد استخوان است که چهار عدد باشند و یکی راقصبه الکبری و دومی راقصبه الصغری می نامند اما
 قصبه الکبری که جانب انسی یعنی درونی ساق واقع است استخوانی است و دراز و جسم مثلث دارد و از راس فوقانی
 که سطح و خزه داری باشد با استخوان عظم الفخذ و از راس تحتانی که نسبت فوقانی آن خرد و مربع باشد با استخوانها
 قصبه الصغری و عظم الکعب پیوستگی می یابد و قصبه الصغری که جانب چپ یعنی برونی ساق واقع است به درازی
 با قصبه الکبری مساوی و در سطحی از وی کمتر باشد و جسم مثلث دارد که در آن سطح و سه کناره یافته میشود
 و از راس فرازین که سطح و دکان می باشد بزرگه نشیب یافته استخوان قصبه الکبری پیوستگی دارد و از راس فروین
 که پهن و دراز و قدری بیضادی و سطح درونی آن و سم و مثلث می باشد با عظم الکعب پیوستگی دارد و با عظام القدم
 در هر دو جانب هفت هفت است که جمله چهارده عدد باشد و بخلاف هفت استخوان مذکور اول عظم الکعب است که
 در آن فرازین و زیرین دو سطح و درونی و درونی دو کناره و مقدم و مؤخر و راس یافته میشود و با چهار استخوانهای
 مفصله و بل یعنی قصبه الکبری و قصبه الصغری و عظم الکعب و عظم الزرقی ارتباط دارد و دومی عظم الکعب است که در آن
 فوقانی و تحتانی و درونی و درونی چهار سطح و مقدم و مؤخر و راس یافته میشود و با دو استخوان مندرجه تحت

یعنی عظم الکعب و عظم الزرقی اتصال دارد و سومی عظم الزرقی است که در آن مقدم و مؤخر و وسط و فوقانی و تحتانی
کناره و برونی و دورنی و ورأس یافته میشود و با پنج استخوانهای مفصله ذیل یعنی عظم الکعب و عظم الزرقی و
عظم السفینی ارتباط دارد و چهارم عظم السفینی الانسی است که در آن درونی و بیرونی و مقدم و مؤخر چهار سطح و فوقانی
و تحتانی و ورأس یافته میشود و با چهار استخوانهای مفصله ذیل یعنی عظم الزرقی و عظم السفینی الوسطی و اول دوم
عظام مشط القدم ارتباط دارد و پنجم عظم السفینی الوسطی است که در آن مقدم و مؤخر و دورنی و برونی چهار سطح
و فزاین و زیرین و ورأس یافته میشود و به نسبت عظم السفینی الانسی و وحشی خرد تر است و با چهار استخوان مانند
تحت بنی عظم الزرقی و عظم السفینی الانسی و عظم السفینی الوحشی و دوم استخوان مشط القدم ارتباط دارد و ششم
عظم السفینی الوحشی است که از عظم السفینی الوسطی کلان تر و از عظم السفینی الانسی خرد تر میباشد و در آن مطابق عظم السفینی
الوسطی هم چهار سطح و ورأس یافته میشود و با شش استخوان مفصله ذیل یعنی عظم الزرقی و عظم السفینی الوسطی و
عظم الزرقی و دوم و سوم و چهارم استخوانهای مشط القدم ارتباط دارد و پنجم عظم الزرقی است که بیرون عظم الزرقی
و پیش عظم الکعب واقع است و در آن شش سطح فوقانی و تحتانی و برونی و دورنی و مقدم و مؤخر یافته میشود
و با پنج استخوانهای مفصله ذیل یعنی عظم الزرقی و عظم الکعب و عظم السفینی الوحشی و چهارم و پنجم استخوان مشط القدم
ارتباط دارد و اما عظام مشط القدم یعنی استخوانهای کف پا در هر یک جانب پنج است که جمله ده عدد باشند و در هر یک
استخوان مذکور یک جسم مثلث از جانب فزاین محاذ و از طرف زیرین محاذ و ورأس می باشد اول استخوان
اینها از همه خرد و مسطح می باشد و بدو استخوان یعنی عظم السفینی الانسی و یک استخوان سلامیه و گاهی با استخوان
دوم مشط القدم است و دوم استخوان اینها که نسبت همه دراز تر بود و با پنج استخوان مفصله ذیل یعنی بر سه استخوان
سفینه و سوم استخوان مشط و یک استخوان سلامیه و گاهی با استخوان اول مشط و اتصال می یابد و سوم
استخوان اینها که نسبت دوم خرد تر باشد با چهار استخوان مفصله ذیل یعنی عظم السفینی الوسطی و دوم و چهارم
استخوان مشط و یک استخوان سلامیه می پیوند و چهارم استخوان اینها که از همه خرد تر باشد با پنج استخوان
مفصله ذیل یعنی عظم السفینی الوحشی و عظم الزرقی و سوم و پنجم استخوان مشط و یک استخوان سلامیه پیوستگی
یابد و پنجم استخوان اینها با شش استخوان مفصله ذیل یعنی عظم الزرقی و چهارم استخوان مشط و یک استخوان سلامیه
مربوط می باشد اما عظام سلامیات القدم یعنی استخوانهای انگشتان پای در هر دو جانب چهارده چهارده
است که جمله است و هشت عدد باشند و جمله چهارده عدد استخوان پاره های مذکور در اینها هم دو عدد دور

و فقره اول عنق و مفصل عظام الصدغ و عظام الفكين و مفصل ما بين قصبه الكبرى و قصبه الصغر
 آن ثانی عضایست که واحد آن غضروف است نزد اتباع اطباء یونان غضروف جسمی است بعضی را
 نرم تر از استخوان و صلب تر از سایر عضای دیگر و کمون یافته بعضی آن بنا بر احسن اتصال عضله و پی نرم با استخوان
 چنانچه بر سرای ضلاع و بر سر کتفین پیدا است و در اجفان و بینی و گوش و قصبه ریه و نهایت عظم القصر و عین اکره
 واقع است و هر یک در عضای مذکوره بهر غرضی که حاجت بدان بود مودع گشته و اطباء انگلستان غضروف را
 سه قسم مقرر ساخته اند یکی غضروف حقیقه که سفید قدری کبودی مایل می باشد و آن پیچ و خواریف را سهای ضلاع
 و غضروف انحری و عضایست که ترسیه و خاتمیه و طرجه الیه و شاخهای قصبه ریه و خواریف الف است دومی
 غضروف شبکیه که قدری زرد و سبب داری باشد و آن مانند خواریف اذنین و اجفان و غضروف بکمه خنجره است
 سومی غضروف ریشیه دارد که اکثر در مفصل جبهت مضبوطی و خم و چم آنها واقع اند ثالثا اوتار که واحد آن و ریت
 نزد اتباع اطباء یونان اوتار انبساط یافته اند از اطراف لحم عضل اتصال یافته اند با عضای متحرکه و عصب
 است و در لون و طبع و مطاوعت و در قبول حرکات مختلفه و متوسط است و ریت عصب صلابت باطوفی در تن
 حرکات است و طرف آخر آنها که قابل ثبوت آنهاست با عضای متحرکه ملاقی متصل میگردد و در انقباض و استرخای عضای
 بواسطه آنهاست چرا که مبدأ ظهور حرکت عضای عضلات اند و عضلات با استخوانها در ریه اوتار اتصال میدارد
 هرگاه عضله تشنج و جمع میگردد و در جمع عصبه اخذ می نماید و از ریت جمع می کشیده میشوند و عضله میکشند و هرگاه عصب
 مضبوط میگردد و در انقباض پیدا می شود و اوتار مسترخ میشوند و از اوتار بعضی مستقیم و بعضی عرضی و بعضی زائد
 فی العرض می باشد و از اینها انبساط در اعضا و میسر دهد و القابض و الباسط هوانند رابع رباطات که
 واحد آن رباط است نزدیک و آن اطباء یونان رباطات شبیه با عصاب اند و در لون و قوام لیکن بیاض صلابت
 رباط بیشتر از بیاض و صلابت عصب است و مراد از صلابت آن عسر الانفصال است نه عدم الانعطاف رباطات
 بعضی می آید از عظام بوی عضلات و مراد از سازه و عضلات را بظام و بعضی ربطی می دهند میان طرفین عظام
 مفصل و یا میان عضوهای دیگر آنچه عضوهای را بعضی می بندد و آن را عرضی عصب و بفارسی پی می نامند
 و جرم رباطات فی حص است و مشرقین انگلستان رباط را چهار قسم مقرر ساخته اند اول رباطات محیطه مفصل
 پیچور رباطات محیطه انحر و شواخص فقرات و مانند آن دوم رباطات ملصقه مفصل مانند رباطات عامه و عموما
 که در طول قدام و خلف آن واقع است و نحو آن سوم رباطات متوسطه مفصل پیچور رباطهای مابین فقرات

در عظام الفص و ما بين عظام الرسغ و ما بين آن چهارم رباطات حريضيه چپور باطباى حريضيه ما بين غضاريف
 الاضلاع و قفا پشت و اشبال آن تفصيل رباطات و در شريح انگلستانيان مرقوم است اچونكه مترنزل
 بود و چندان ضرورى نداشت بر اختصاص بسند نمود تا مس عضلات كه واحد آن عضله است نزد پير و ان طبباى
 يونان عضلات مركب است از لحم خالص و اعصاب و رباطات و غشا و منفعت آنها حركت و دادن اعضا را
 وقت اراده طبع بواسطه معاونت او تار آنها را و كسوت عظام و وقايت حارات غريزي و بدن و منع تحلل
 و است و جملة عضلات بدن نزد بعضى پانصد و سيست و دو و نزد بعضى پانصد و سيست و هفت و نزد جالينوس
 پانصد و سيست و نه است آنرا و در شريح انگلستان عضلات مركب از سه قسم ريشمايى كجى و غشائى است و دو قسم
 مقرر شده يكى اختياري و دوى غير اختياري و عضلات غير اختياري در اعضاى اندرونى واقع اند و جملة عضلات
 آنچه نام دارد و حسن المعايه است و در شماري آيد كه مطابق شريح انگلستانيان و در ذيل مفصل نگاهشته ميشود
 بايد دانست كه شريح انگلستان عضلات تكي بدن انسان را بر اى سهولت بيان و در پنج حصص كلان
 منقسم ساخته اند اولين عضلات سر و چهره و دوى عضلات عنق و خنجره و سوي عضلات جسد چهارمى عضلات اطراف
 فوقانى پنجى عضلات اطراف تحتانى ششستين عضلات سر و چهره و اينها در شريح جماعت منقسم ميكنند اول جماعت
 عضله كاچيك و در كاچيك اس صرف يك عضله است كه آنرا قحى و وجهيه مى نامند ثانياً جماعت عضلات
 حمله زيرين عظم الجبهه و درين جماعت سه عضله است كه يكى را محيط الجفنين و دوى را ستره الكاچين و سوي
 را حارقه الجفنين مى نامند ثالثاً جماعت عضلات متعلقه عينين و درين جماعت هفت عضله است كه اندرون
 چشم خانما يافته ميشود و اول را رافعه الجفن الاعلى و دوم را مستقيمه العليا للعين و سوم را مستقيمه السفلى للعين و
 چهارم را مستقيمه النيه للعين و پنجم را مستقيمه و ششيه للعين و ششم را موزيه العليا للعين و هفتم را موزيه السفلى للعين بخوانند
 رابع جماعت عضلات انف و درين گروه چهار عضله است كه در اطراف انف واقع اند و اول جماعت آنرا
 مخ و طيه انفيه و دوم را ضاغطه الجناحيتين للانف و سوم را موسعة الجناحيتين للانف و چهارم را خافضه الجناحيتين
 للانف مى نامند خاش جماعت عضلات شفت فوقانى و درين گروه شش عضله است و اول را محيط اُهم
 و دوم را رافعه الشفة العليا و الجناحيتين للانف و سوم را رافعه الشفة العليا و چهارم را رافعه الزاوية للفم و پنجم را
 زوچيه كبيره و ششم را زوچيه صغيره و ميگزيند سادس جماعت عضلات شفت تحتانى و درين گروه چهار عضله است
 كه در اطراف لب زيرين واقع اند و اول را خافضه الشفة السفلى و دوم را رافعه الشفة السفلى و سوم را

خافضة الزاوية القوم وچهارم راسهم القوم بامد شایع جماعت عضلات فکین ودرین پنج عضله است که با فک الاثر
 الاسفل متعلق اند و اول راعضله المصغ و دوم راعضله الصدغ و سوم رافقحة البوق و چهارم راجنا حید و خطم
 و پنجم راجنا حید النیسبی گویند ششم جماعت عضلات اذین و درین گروه سه عضله است که در اطراف هر واحد
 گوش واقع اند یکی راذنیه الاعلی و دوم راذنیه المقدم و سوم راذنیه المؤخری خوانند و عضلات عرق و خجوه
 هم در پشت جماعت توزع می یابد اول جماعت عضله های ظاهر و عرق و درین گروه دو عضله اند که یکی راسخیفه
 و دوم راقصیه تر قوی حلیه می نامند و سوم جماعت عضله ها خافضة الملامی و خجوه و درین گروه چهار عضله اند که یکی راقصیه
 و دومی راقصیه ترسیه و سومی راترسیه لایسه و چهارمی رالفیه لامیه و پنجم جماعت عضلات رافعه عظم الملامی و درین
 گروه چهار عضله اند که یکی راذات البطینیه و دوم راسیلیه لایسه و سوم راطو احلیه لایسه و چهارم راذقینیه لایسه می گویند
 چهارم جماعت عضلات لسان و درین گروه پنج عضله اند که بالسان متعلق اند و اول راذقینیه لایسه لسانیه و دوم را
 لاسیلیه لسانیه و سوم رالسانیه و چهارم راسیلیه لسانیه و پنجم راخلیه لسانیه می نامند پنجم جماعت عضلات بلعوم و درین
 گروه هم پنج عضله اند که یکی راضیقیه سفلی للبلعوم و دوم راضیقیه وسطی للبلعوم و سوم راضیقیه علیا للبلعوم و چهارم
 میله بلعومیه و پنجم راخلیه بلعومیه می خوانند ششم جماعت عضلات حنک المس و درین گروه هم پنج عضله اند که یکی
 ررافقه الحنکیه و دوم راحازقه الحنک و سوم رافرد اللهاث و چهارم راخلیه لسانیه و پنجم راخلیه بلعومیه می گویند هفتم
 جماعت عضله های خجوه خاص و درین گروه هشت عضله اند که اول رافتمیه ترسیه و دوم راترسیه طرجه الیه و سوم
 خافضه طرجه الیه جانبیه و چهارم رافتمیه طرجه الیه مؤخره و پنجم راطو الیه ترسیه و ششم راسیلیه طرجه الیه علیا و هفتم راطو الیه لکینه
 سفلی می نامند و سه عضله اخیر یعنی ششم و هفتم و ششم با خضوف یکیه علاقه می دارند و هفتم جماعت عضله های غائر و عرق
 و درین گروه هفت عضله اند که در مقدم و خفین عرق واقع اند و یکی راسیقیه راسیه مقدمه و دوم راسیقیه راسیه مقدمه
 صغیره و سوم راسیقیه راسیه جانبیه چهارم راطو العرق و پنجم راخلیه لسانیه و ششم راخلیه لسانیه و هفتم راخلیه لسانیه
 المؤخر خوانند و عضلات جسد چهار جماعت تقسیم شود اول جماعت عضلات مقدم و خفین و دوم جماعت عضلات شکم
 ستم جماعت عضلات پشت چهارم جماعت عضلات عجان یعنی سمت مابین فوطه و مقعر و غیر آن نخستین جماعت عضلات
 مقدم و خفین و درین گروه هشت نوع عضله اند که اول راصدیه کبیره و دوم راصدیه صغیره و سوم راقویه مخانیه و چهارم
 مشاریه کبیره و پنجم راصلیه ظاهره و ششم راصلیه ظاهره و هفتم راصلیه مخانیه و هشتم راصلیه مخانیه و نهم راصلیه مخانیه
 ابطنی درین گروه ده عضلات اند که شش از آنها غیر شکم و چهار در جوف شکم واقع اند نخستین شش عضلات بیرونی شکم و اول

از این چهار بر طبق دووم را مورد غائر لطیفه و سوم را سابق و چهارم را غرضیه لطیفه و ششم را
 غرضیه لطیفه میخوانند و می چهار عضلات درونی شکم و اول آن را مزاجیه قطیفه و دومی را قطیفه کبیره و سومی را قطیفه
 و چهارمی را غرضیه غائر می نامند ثالث جماعت عضلات الصلب و عضله های مؤخر عنق هم درین جماعت داخل
 اند و این عضلات را شش طبق است و در طبق اولین دو عضله است که یکی را معینه و دوم را غرضیه صلبیه می گویند
 و در طبق دومین سه عضله است که یکی را رافعه زاویه الكتف و دوم را شبیه معینه و سوم را شبیه معینه کبیره می خوانند
 و در طبق سوم چهار عضله است که اول را فشاریه مؤخره علیا و دوم را فشاریه مؤخره سفلی و سوم را جریه را شبیه چهارم
 را جریه معینه نامند و در طبق چهارم سه عضله اند که اول را جریه قطیفه و دوم را امتد الحجیه قطیفه و سوم را غرضیه صلبیه
 و چهارم را طولیه صلبیه می خوانند و غرضیه و ششم را غرضیه صلبیه و هفتم را فشاریه صلبیه و هشتم را فشاریه غرضیه و نهم را غرضیه کبیره
 و در طبق پنجم شش عضله اند که اول را فشاریه غرضیه و دوم را فشاریه غرضیه صلبیه و سوم را غرضیه کبیره و ششم را غرضیه کبیره
 مؤخره کبیره و چهارم را غرضیه کبیره مؤخره صغیره و پنجم را غرضیه کبیره مؤخره صغیره و ششم را غرضیه کبیره مؤخره صغیره و ششم را غرضیه کبیره مؤخره صغیره
 هفت قسم عضله اند که اول را ذات الشفا می گویند و دوم و سوم و چهارم را ذات الشفا می گویند و پنجم را ذات الشفا می گویند و ششم را ذات الشفا می گویند
 پنجم را اجنایات و ششم را رافعات الاضلاع و هفتم را جریه و هشتم را جریه و نهم را جریه و دهم را جریه و یازدهم را جریه و بیستم را جریه
 رابع جماعت عضلات عجان نبی و سعت باین فوطه و مقعد و غیر آن و این عضلات را دو قسم است یکی آنکه
 با آلات تناسل تعلق دارند و دوم آنکه با مقعد تعلق اند و قسم اول چهار عضله اند که اول آن را سارقه البول و یا
 مخزجه المنی و دوم را موجیه الاشاره القصب و سوم را غرضیه عجانیه و چهارم را غرضیه عجانیه و پنجم را غرضیه عجانیه
 و ششم را غرضیه عجانیه و هفتم را غرضیه عجانیه و هشتم را غرضیه عجانیه و نهم را غرضیه عجانیه و دهم را غرضیه عجانیه
 را جریه غرضیه کبیره یا قاصه العصص می نامند و در سوان بخار چهار عضله قسم اول بمقابله و عضله اول و
 ثانی و عضله مفصله ذیل می باشد که یکی را محیط النظر یا محیط الغرق الرحم و دوم را موجیه الاقتدار النظر می گویند
 و عضلات اطراف فزان هر واحد را در چهار جماعت تقسیم می سازند اول جماعت عضلات شانه ثانی جماعت
 عضلات بازو ثالث جماعت عضلات ساعد رابع جماعت عضلات اليد ششمین جماعت عضلات شانه و درین
 گروه شش عضله اند که اول آنکه دووم را غرضیه کبیره و دوم را غرضیه کبیره و سوم را غرضیه کبیره و چهارم را غرضیه کبیره و پنجم را غرضیه کبیره و ششم را غرضیه کبیره
 و ششم را غرضیه کبیره می نامند ثانی جماعت عضلات بازو و درین گروه چهار عضله اند که سه در مقدم بازو و یک
 در مؤخره و اربع می باشد و اول را فشاریه غرضیه و دوم را ذات الراسین العفصه و سوم را غرضیه کبیره

وچهارم را که مؤخر از دو واقع بود ذات ثلثة الرؤس للعصمة خوانند ثالث جماعت عضلات ساعدين گروه
 منقسم می کنند حصه اول آنکه در جانب مقدم ساعد واقع اند و حصه دوم آنکه در طرف مؤخر ساعد واقع
 یافتند و بار حصه اول را در دو گروه تقسیم می سازند گروه نخستین عضلات ظاهره است و از آنها اول را که میله در و گرد
 الاعلی و دوم را قابضه للزند الاعلی و الرسخ و سوم را کفیه طویل و چهارم را قابضه ظاهره و الاصابع الید و پنجم را قابضه
 للزند الاسفل و الرسخ می نامند و گروه ثانی عضلات غائر است و از آنها اول را قابضه غائر و الاصابع الید
 و دومی را قابضه طویل و لاهام الید و سومی را که میله در و گرد الاعلی می گویند و حصه دوم را نیز در دو گروه منقسم
 می سازند و گروه اول عضلات ظاهره است که بی آنها را باطنه طویل للزند الاعلی و دومی را باطنه طویل للزند الاسفل
 و الرسخ و سومی را باطنه قصیره للزند الاعلی و الرسخ و چهارمی را باطنه عامه الاصابع الید و پنجم را باطنه انحصار و ششم
 را باطنه للزند الاسفل و الرسخ و هفتم را در فقیه می خوانند و گروه دوم عضلات غائر است و از آنها اول را باطنه قصیره
 للزند الاعلی و دوم را باطنه للعظم المشط الابهام الید و سوم را باطنه اولی الابهام الید و چهارم را باطنه ثانیه الابهام
 الید و پنجم را باطنه للسبابه می نامند و رابع جماعت عضلات دست و این جماعت را در برونی و درونی و درمیانی
 سه گروه تقسیم می سازند نخستین گروه برونی و درین گروه چهار عضله اند که اول اینها را سجدۃ الابهام الید و دومی را
 قابضه للعظم المشط الابهام الید و سومی را قابضه قصیره الابهام الید و چهارمی را مقربة الابهام الید می خوانند
 و دوم گروه درونی و درین گروه هم چهار عضله اند و از آنها اول را کفیه قصیره و دوم را مقربة للخصر الید و سوم را قابضه
 قصیره للخصر الید و چهارم را مقربة للخصر الید می نامند و سوم گروه درمیانی و درین گروه سه عضله اند و قسم اول
 را دو دیة الید گویند و این در شمار چهار عدد و اند و قسم دوم را متوسطات کفیه الید خوانند و این در شمار سه عدد و اند
 و قسم سوم را متوسطات ظهر الید خوانند و این در شمار چهار عدد و اند و عضلات اطراف زیرین هر واحد را هم در چهار
 جماعت تقسیم می کنند اول جماعت عضلات الورك ثانی جماعت عضلات ران ثالث جماعت عضلات
 ساق رابع جماعت عضلات قدم نخستین جماعت عضلات الورك و درین جماعت نه عضله اند که اول را وركیه
 کبری و دوم را وركیه وسطی و سوم را وركیه صغری و چهارم را صنوبریه و پنجم را قوامیه اعلی و ششم را غلافیه غائر
 و هفتم را قوامیه اسفل و ششم را غلافیه ظاهره و هفتم را کفیه فخذیه می نامند ثانی جماعت عضلات ران و درین
 جماعت پانزده عضله اند که هفت از آنها در مقدم ران و پنج جانب درونی و سه در پسین واقع اند
 اول جماعت پیشین ران و از آنها نخستین را حاذقه خلافت الفخذ و دوم را عضله الخیط و سوم را

جاء عصاب و قوت کیمی عصاب نامی و نخاعی معروفه و دومی عصاب بهر دکه در عصبای اندرونی جسم مختلط بشمار
واقع شده فصولی سار و نخستین عصاب دماغی و نخاعی عصاب دماغی نزد پیروان اطباء یونان هفت زوج است
و زوج اول از غول بطین مقدم دماغ متصل بر اندکین شصتین بکلمه اندی برآمده و بر شکل تقاطع صلیبی با بر طرف تایل
بسوی هر دو چشم برای افاده حس می آید و مجموع اندر ازین حاصل شده و بصیغه مجوفه مشهور است و زوج ثانی از پس زوج
اول تایل بر طرف وحشی روئیده بسوی هر دو چشم برای افاد حس حرکت فرو آمده است این باین و ایسر بالیه از
تنبیه تفرقه که شش بر قاع است بیرون آمده در مقادیر شش شش شعبه گردیده و هر شعبه بعضی از اعضا است چشم
پیوسته و زوج ثالث ناشی میشود از حد مشترک میان مقدم و غول دماغ متصل بقاعده آن و مختلط میشود و زوج رابع
و برخی مختلط گرفته باز جدا شده شعبه بچهار شعبه میگردد و شعبه اول از خروج عروق باقی برآمده بسوی رقبه منحدر شده
تا عجا بینه رسیده منتشر میشود و صفات و احشای شعبه دوم از ثقبهای عظم الصدغین بیرون آمده از خروج تجاوز
کرده اتصال می یابد بعضی شعبه مفصله از زوج خامس و شعبه سوم از خروج مذکور و از منفذ زوج دوم برآمده سه شاخ
شده شاخ اول بنا حیاتی که بر سبیل کرده در عضل صدغین و ضغین و حاجین و جنین و وجه متفرق میشود و شاخ دوم
در ثقبهای ماقی صغیر نافذ شده باطن الف رسیده در طبقه مستبطه الف متفرق میگردد و شاخ سوم در تجوید بر سبیل
در عظم و جنه میاست منحدر شده متفرق بدو فرع میشود و فرعی از ان بداخل تجوید فرم رفته در اسنان الثنای اعالیه
متفرق میگردد و فرعی دیگر در جلد و جنه و طرف الف و تحت علیا منتشر میشود و شعبه چهارم آن در فک اعلی نافذ
شده بزبان درآمده اکثری در طبقه طاهری زبان برای عطای حس مذاق متفرق میشود و داخل آن در عرو اسنان
و ثلث سافله و تحت سفلی منتشر میگردد و زوج رابع ناشی میگردد از خلف زوج ثالث مائل تر بقاعده دماغ و مختلط
میشود و از زوج ثالث پس جدا گردیده و صفات خلک ای عطای حس متفرق میشود و زوج خامس ناشی میشود و خلف
رابع از دو جانب دماغ و هر فردی منش بدو شعبه و نصف بدو نصف است و نصف عظم آنها داخل میشود و در ثقبهای مسلح
و تنج میگردد و عصبای سبع و نصف آنها خارج میشود و از ثقبهای حجرین و مختلط میشود و بصیغه زوج ثالث پس اکثر
آن جانب ناحیه خدین و عضله لیضه و باقی آن بسوی عضل صدغین می آید و نزد اکثر اطباء هر فرد این بذات نفیست
و زوج سادس ناشی میشود از غول دماغ متصل با خامس پس جدا گردد و از ان و خارج شود و از ثقبه در زلالی
و توزیع عیا بدو فرد آن بسوی قدامی از آنها پس از خروج می آید جانب خلق و پنج زبان و دومی از آنها می آید بسوی عضل
کفت و با قارب آن و موسوی آنها منحدر میشود در رقبه از منفذی که عروق باقی از ان منفذ صغیری نماید و درین محل

با عصب سحره مربوط شده است و متوازی آن مجرای ریه در عضلات حنجره رسانیده بسوی اعصاب سحره متفرق
 می شود و عصب صدر در عضلات آن قلب ریه و در ریه و شرايين آنها متفرق می شود و قواي را غنيتم من استر مشر
 بعظم عانه مني ميگردد و در زوج سابع ناشي ميشود از موضع مشترک میان دماغ و خمار و اکثر آن در عضل حنجره که زبان و عضله که
 مشترک میان رتي و عظم لامی است متفرق ميشود و سایر آن در عضلات ديگر بجای در عضله که در ریه منتشر ميگردد و اما نزد
 اکثری از مشرین انگلستان همچو اکثر ولسن و غیر آن اعصاب ناشي از زوج سست و زوج اول موسوم بعصب السیم
 که در این سطح مقدم دماغ وقوع یافته شاخهای آن در ریه و اسلاف متفرق شده و زوج دوم موسوم بعصب الصبر
 است که از اعصاب رانی گویند و توانیان عصبیه خود مانند آن در ریه و چشم داخل شده طبقه شبکیه بسیار و زوج سوم
 موسوم بعصب الحنجره است که تقسیم بدو شاخ شده در چشم خانه و داخل گردیده در عضلات اندرونی چشم متفرق میشود
 و زوج چهارم موسوم بعصب الخنوب است که از ابلاهی عضله مستقیمه و حشیه العین گذرشته در چشم خانه و داخل در عضله
 مؤثره علیا العین منتشر میشود و زوج پنجم موسوم بعصب اللسانه الوجیه است و آن بسد شاخ تقسیم شده که شاخ اول
 وی عصب العین نام دارد و این هم بسد فرع متفرع گردیده که فرع اول بعصب الجبهه فرع دوم بعصب الدیمی فرع
 سوم بعصب الافث موسوم است و شاخ ثانی آن عصب الفك الاعلی نام دارد که انسان و نوات فکس اعلی و فک
 صلب ولسن و در تین عضلات شفت اعلی و جلد آنها را حس میدهد و پنج فرع متفرع گردیده و شاخ ثالث آن
 بعصب الفك الاصل موسوم است که انسان و نوات فک سفلی و جلد زیرین حصه صدقین و چهره و شفت سفلی
 را حس می بخشد و چندین حصه زبان را قوت لامه و عضلات فلیکن را قوت حرکت عطای نماید و بیشتر شعب
 شده و از آنجاست ششم موسوم بعصب مبعده العین است که در چشم خانه داخل شده در عضله مستقیمه و حشیه العین متفرق
 میگردد و زوج هفتم موسوم بعصب الوجیه اوج است و این نه شاخ شده در عضلات چهره و غیر آن و اندرون اذین
 متفرق میشود و زوج هشتم موسوم بعصب اللسانیه و البلعومیه و الریه و المعده است که متفرع به پانزده فرع گردیده
 در لسان و بلعوم و حنجره و قصبه الریه و ریه و قلب معده و کبد و طحال و مراره منتشر میشود و زوج نهم موسوم به
 عصب تحت اللسانیه است که متفرع به چندین شاخ شده در عضلات فافقه عظم الامی و حنجره و جمله عضلات لسان متفرق
 میگردد و از این از و اوج قصبه دماغیه زوج اول دوم عصب حس و زوج سوم چهارم و ششم و نهم عصب حرکت
 و زوج پنجم و هفتم و هشتم عصب مرکب حس حرکت دریافت اند و نزد اکثر سگ سیم اعصاب منتشر در بالاد و از آنجاست
 که زوج هفتم را زوج هفتم و ششمی منتشره عضلات چهره و غیره و دوی متفرع اندرون اذین و زوج ششم را

[illegible]

سه زوج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطباء یونان سی و یک جفت اند
و نزد مشرین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که اعصاب الصدر نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی شش جفت اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از مابین عظم القفوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
آخر فقره عنق و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبستین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصناعه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیره آورده که زوج اول و عضلات
راس پراکنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضلهای عریضه کتف می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده و عضلات ازین می رسد و شاخ دوم بعضلهای عریضه
کتف می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سیاتی متگشته و بحجاب حاذر رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل غائر گشته بسوی سانس برآمده و شعبهای آن بسوی عضل مشترک میان
سر و گردن می رود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل منکسه
راس و عضل مشترک سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتف می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبهای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبها در یکدگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعضد رسیده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بعضلات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجلد ساعد آمده باعصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دگر کلان ترست و پس از برآمدن از سوراخها بدو
دو فروغ مقدم و مؤخر منقسم شود و شاخهای مؤخر از مابین اجنحه فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخها متنوع
میگرد و شاخهای درونی بجانب شواک اوج شده زیرین جلد عنق و شاخهای برونی و عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

[illegible]

سوم و چهارم و پنجم و ششم و هفتم و هشتم و نهم و دهم و یازدهم و پانزدهم و شانزدهم و هیجدهم و بیستم و یکمین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فریق بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که عصباب الصد نیز گویند
و پنج زوج عصباب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی منتهی به عصباب الحلق اینست هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از این عظم القصد و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از این
آخر فقره عنق و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبیین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصنانه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیرها آورده که زوج اول و عضلات
راس پرانگنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده حس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضلهای عریضه کتفی می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده در عضلات اذنین میرسد و شاخ دوم بعضیهای عریضه
کتفی می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که از این شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سباتی ممتد گشته و بحجاب حاجز رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عنق عضل فائز گشته بسوی سناسن برآمده و شعبهای آن بسوی عضل مشترکه میان
سر و گردن میرود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل نشکسه
راس و عضل مشترکه سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتفی می آید و پارچه از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبهای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبهادر یکدیگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و ازان جا تجاوز نکرده و بعضی ازان بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعض رسیده و ازان جا تجاوز نکرده و بعضی ازان بعضیات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجمله ساعد آمده با عصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دیگر کلان ترست سپس از برآمدن از سو را خوابد و
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم میشود و شاخهای مؤخر از این جهت فقرات پسین گذشته برونی و برونی و دو شاخها متوزع
میگردند و شاخهای درونی بجانب شواک رج شده زیرین جلد عنق و شاخهای برونی در عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

سه زوج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطباء یونان سی و یک جفت اند
و نزد مشرین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که اعصاب الصدر نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی شش جفت اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از مابین عظم القفوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
آخر فقره عنقی و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصناعه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیره آورده که زوج اول و عضلات
راس پراکنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتفی دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنقی بسوی هر دو گوش آمده و در عضلات ازین می رسد و شاخ دوم بعضله ای عریضه
کتفی می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سیاتی متگشته و بحجاب حاذر رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل غائر گشته بسوی سانس برآمده و شعبه ای آن بسوی عضل مشترک میان
سر و گردن می رود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل منکسه
راس و عضل مشترک سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتفی می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبه ای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ای در یکدگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعضد رسیده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بعضلات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجلد ساعد آمده باعصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دگر کلان ترست و پس از برآمدن از سوراخ جابد
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم شود و شاخهای مؤخر از مابین اجنحه فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخهای متوزع
میگرد و شاخهای درونی بجانب شواک اوج شده زیرین جلد عنقی و شاخهای برونی و عضلات جنبین عنقی متفرق میشوند

سه زوج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطباء یونان سی و یک جفت اند
و نزد مشرین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که اعصاب الصدر نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی شش جفت اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از مابین عظم القفوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
آخر فقره عنقی و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصناعه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیره آورده که زوج اول و عضلات
راس پراکنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتفی دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنقی بسوی هر دو گوش آمده و در عضلات ازین می رسد و شاخ دوم بعضله ای عریضه
کتفی می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سیاتی متگشته و بحجاب حاذر رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل غائر گشته بسوی سانس برآمده و شعبه ای آن بسوی عضل مشترک میان
سر و گردن می رود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل منکسه
راس و عضل مشترک سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتفی می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبه ای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ای در یکدگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعضد رسیده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بعضلات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجلد ساعد آمده باعصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دگر کلان ترست و پس از برآمدن از سوراخ جابد
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم شود و شاخهای مؤخر از مابین اجنحه فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخهای متوزع
میگرد و شاخهای درونی بجانب شواک اوج شده زیرین جلد عنقی و شاخهای برونی و عضلات جنبین عنقی متفرق میشوند

سه زوج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطباء یونان سی و یک جفت اند
و نزد مشرین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که اعصاب الصدر نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی شش جفت اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از مابین عظم القفوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
آخر فقره عنقی و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصناعه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیره آورده که زوج اول و عضلات
راس پراکنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتفی دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنقی بسوی هر دو گوش آمده و در عضلات ازین می رسد و شاخ دوم بعضله ای عریضه
کتفی می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سیاتی متگشته و بحجاب حاذر رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل غائر گشته بسوی سانس برآمده و شعبه ای آن بسوی عضل مشترک میان
سر و گردن می رود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل منکسه
راس و عضل مشترک سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتفی می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبه ای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ای در یکدگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعضد رسیده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بعضلات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجلد ساعد آمده باعصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دگر کلان ترست و پس از برآمدن از سوراخ جابد
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم شود و شاخهای مؤخر از مابین اجنحه فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخهای متوزع
میگرد و شاخهای درونی بجانب شواک اوج شده زیرین جلد عنقی و شاخهای برونی و عضلات جنبین عنقی متفرق میشوند

سه زوج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطباء یونان سی و یک جفت اند
و نزد مشرین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که اعصاب الصدر نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی شش جفت اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از مابین عظم القفوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
آخر فقره عنقی و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصناعه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیره آورده که زوج اول و عضلات
راس پراکنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتفی می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنقی بسوی هر دو گوش آمده و عضلات ازین می رسد و شاخ دوم بعضله ای عریضه
کتفی می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سیاتی متگشته و بحجاب حاذر رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل غائر گشته بسوی سانس برآمده و شعبه ای آن بسوی عضل مشترک میان
سر و گردن می رود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل منکسه
راس و عضل مشترک سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتفی می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبه ای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ای در یکدگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعضد رسیده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بعضلات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجلد ساعد آمده باعصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دگر کلان ترست و پس از برآمدن از سوراخ جابد
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم شود و شاخهای مؤخر از مابین اجنحه فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخها متنوع
میگرد و شاخهای درونی بجانب شواک اوج شده زیرین جلد عنقی و شاخهای برونی و عضلات جنبین عنقی متفرق میشوند

سوم و چهارم و پنجم و ششم و هفتم و هشتم و نهم و دهم و یازدهم و پانزدهم و شانزدهم و هیجدهم و بیستم و یکمین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و زود هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که عصب الصد نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی تخمین میکنند این اعصاب الحلق را هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از این عظم القصد و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از این
آخر فقره عنق و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبیین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصنانه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیرها آورده که زوج اول و عضلات
راس پرانگنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده حس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتفی می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده در عضلات اذنین میرسد و شاخ دوم بعضیهای عریضه
کتفی می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که از این شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سباتی ممتد گشته و بحجاب حاجز رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل فائز گشته بسوی سانس برآمده و شعبهای آن بسوی عضل مشترکه میان
سر و گردن میرود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل نشکسه
راس و عضل مشترکه سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتفی می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبهای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ها در یکدیگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و از ان جا تجاوز نکرده و بعضی از ان بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعض رسیده و از ان جا تجاوز نکرده و بعضی از ان بعضیات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و با شعبه
خامس صاحب شده و زوج نهم بجله ساعد آمده با عصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دیگر کلان ترست سپس از برآمدن از سو را خواب و
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم میشود و شاخهای مؤخر از این جهت فقرات پسین گذشته برونی و برونی و دو شاخها متوزع
میگردند و شاخهای درونی بجانب شواک رج شده زیرین جلد عنق و شاخهای برونی در عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

سه زوج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطباء یونان سی و یک جفت اند
و نزد مشرین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که اعصاب الصدر نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی شش جفت اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از مابین عظم القفوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
آخر فقره عنقی و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقیبیین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصناعه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیره آورده که زوج اول و عضلات
راس پراکنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضلهای عریضه کتفی دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنقی بسوی هر دو گوش آمده و در عضلات ازین می رسد و شاخ دوم بعضلهای عریضه
کتفی می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سیاتی متگشته و بحجاب حاذر رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل غائر گشته بسوی سانس برآمده و شعبهای آن بسوی عضل مشترک میان
سر و گردن می رود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل منکسه
راس و عضل مشترک سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتفی می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبهای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبها در یکدگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و ازان جا تجاوز نکرده و بعضی ازان بر مرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعضد رسیده و ازان جا تجاوز نکرده و بعضی ازان بعضلات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجمله ساعد آمده باعصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دگر کلان ترست و پس از برآمدن از سوراخا بدو
دو فروغ مقدم و مؤخر منقسم شود و شاخهای مؤخر از مابین اجنحه فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخها متنوع
میگرد و شاخهای درونی بجانب شواک اوج شده زیرین جلد عنقی و شاخهای برونی و عضلات جنبین عنقی متفرق میشوند

سه زوج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطباء یونان سی و یک جفت اند
و نزد مشرین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که اعصاب الصدر نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی شش جفت اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از مابین عظم القفوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
آخر فقره عنقی و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقیبیین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصناعه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیره آورده که زوج اول و عضلات
راس پراکنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضلهای عریضه کتفی دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنقی بسوی هر دو گوش آمده و در عضلات اذنین میرسد و شاخ دوم بعضلهای عریضه
کتفی می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سیاتی متدگشته و بحجاب حاذر رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل غائر گشته بسوی سانس برآمده و شعبهای آن بسوی عضل مشترک میان
سر و گردن میرود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل منکسه
راس و عضل مشترک سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتفی می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبهای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبها در یکدگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و ازان جا تجاوز نموده و بعضی ازان بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعضد رسیده و ازان جا تجاوز نموده و بعضی ازان بعضلات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجلد ساعد آمده باعصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دگر کلان ترست و پس از برآمدن از سوراخا بدو
دو فروغ مقدم و مؤخر منقسم شود و شاخهای مؤخر از مابین اجنحه فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخها متنوع
میگرد و شاخهای درونی بجانب شواک ارج شده زیرین جلد عنقی و شاخهای برونی و عضلات جنبین عنقی متفرق میشوند

[illegible]

سه زوج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطباء یونان سی و یک جفت اند
و نزد مشرین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که اعصاب الصدر نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی شش جفت اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از مابین عظم القفوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
آخر فقره عنقی و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبستین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصناعه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیره آورده که زوج اول و عضلات
راس پراکنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتفی می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنقی بسوی هر دو گوش آمده و در عضلات ازین می رسد و شاخ دوم بعضله ای عریضه
کتفی می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سیاتی متدگشته و بحجاب حاذر رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل غائر گشته بسوی سانس برآمده و شعبه ای آن بسوی عضل مشترک میان
سر و گردن می رود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل منکسه
راس و عضل مشترک سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتفی می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبه ای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ای در یکدگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و ازان جا تجاوز نموده و بعضی ازان بر مرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعضد رسیده و ازان جا تجاوز نموده و بعضی ازان بعضلات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجلد ساعد آمده باعصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دگر کلان ترست و پس از برآمدن از سوراخ جابد
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم شود و شاخهای مؤخر از مابین اجنحه فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخهای متوزع
میگرد و شاخهای درونی بجانب شواک اوج شده زیرین جلد عنقی و شاخهای برونی و عضلات جنبین عنقی متفرق میشوند

[illegible]

سه زوج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطباء یونان سی و یک جفت اند
و نزد مشرین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که اعصاب الصدر نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی شش جفت اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از مابین عظم القفوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
آخر فقره عنقی و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبستین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصناعه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیره آورده که زوج اول و عضلات
راس پراکنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتف می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده و در عضلات ازین می رسد و شاخ دوم بعضله ای عریضه
کتف می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سیاتی متدگشته و بحجاب حاذر رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل غائر گشته بسوی سانس برآمده و شعبه ای آن بسوی عضل مشترک میان
سر و گردن می رود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل منکسه
راس و عضل مشترک سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتف می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبه ای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ای در یکدگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و ازان جا تجاوز نموده و بعضی ازان بر مرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعضد رسیده و ازان جا تجاوز نموده و بعضی ازان بعضلات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجلد ساعد آمده باعصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دگر کلان ترست و پس از برآمدن از سوراخ جابد
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم شود و شاخهای مؤخر از مابین اجنحه فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخها متنوع
میگرد و شاخهای درونی بجانب شواک اوج شده زیرین جلد عنق و شاخهای برونی و عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

سه زوج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطباء یونان سی و یک جفت اند
و نزد مشرین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که اعصاب الصدر نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی شش جفت اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از مابین عظم القفوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
آخر فقره عنقی و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبستین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصناعه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیره آورده که زوج اول و عضلات
راس پراکنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتف می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده و در عضلات ازین می رسد و شاخ دوم بعضله ای عریضه
کتف می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سیاتی متدگشته و بحجاب حاذر رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل غائر گشته بسوی سانس برآمده و شعبه ای آن بسوی عضل مشترک میان
سر و گردن می رود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل منکسه
راس و عضل مشترک سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتف می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبه ای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ای در یکدگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و ازان جا تجاوز نموده و بعضی ازان بر مرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعضد رسیده و ازان جا تجاوز نموده و بعضی ازان بعضلات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجلد ساعد آمده باعصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دگر کلان ترست و پس از برآمدن از سوراخ جابد
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم شود و شاخهای مؤخر از مابین اجنحه فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخها متنوع
میگرد و شاخهای درونی بجانب شواک اوج شده زیرین جلد عنق و شاخهای برونی و عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

[illegible]

[illegible]

سه زوج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطباء یونان سی و یک جفت اند
 و نزد مشرین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
 اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که اعصاب الصدر نیز گویند
 و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی شش جفت اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
 یونانیان و انگلستانیان زوج اول از مابین عظم القحوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
 آخر فقره عنقی و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبستین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
 و در قانون و کامل الصنعه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیره آورده که زوج اول و عضلات
 راس پراکنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
 و قوت عضله ای عریضه کتف می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
 متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده و در عضلات ازین می رسد و شاخ دوم بعضله ای عریضه
 کتف می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
 و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سیاتی متگشته و بحجاب حاذر رسیده
 و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل غائر گشته بسوی سانس برآمده و شعبه ای آن بسوی عضل مشترک میان
 سر و گردن می رود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل منکسه
 راس و عضل مشترک سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتف می آید و پاره از
 زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبه ای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
 وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ای در یکدگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
 سادس بسوی سطح کتف آمده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
 بعضد رسیده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بعضلات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
 خامس صاحب شده و زوج ثامن بجلد ساعد آمده با اعصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
 تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دگر کلان ترست و پس از برآمدن از سوراخ جابد
 و فروغ مقدم و مؤخر منقسم شود و شاخهای مؤخر از مابین اجنحه فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخها متنوع
 میگردد و شاخهای درونی بجانب شواک ارج شده زیرین جلد عنق و شاخهای برونی و عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

[illegible]

سه زوج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطباء یونان سی و یک جفت اند
 و نزد مشرین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
 اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که اعصاب الصدر نیز گویند
 و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی شش جفت اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
 یونانیان و انگلستانیان زوج اول از مابین عظم القحوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
 آخر فقره عنقی و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبستین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
 و در قانون و کامل الصنعه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیره آورده که زوج اول و عضلات
 راس پراکنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
 و قوت عضله ای عریضه کتف می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
 متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده و در عضلات ازین می رسد و شاخ دوم بعضله ای عریضه
 کتف می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
 و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سیاتی متگشته و بحجاب حاذر رسیده
 و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل غائر گشته بسوی سانس برآمده و شعبه ای آن بسوی عضل مشترک میان
 سر و گردن می رود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل منکسه
 راس و عضل مشترک سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتف می آید و پاره از
 زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبه ای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
 وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ای در یکدگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
 سادس بسوی سطح کتف آمده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
 بعضد رسیده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بعضلات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
 خامس صاحب شده و زوج ثامن بجلد ساعد آمده با اعصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
 تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دگر کلان ترست و پس از برآمدن از سوراخ جابد
 و فروغ مقدم و مؤخر منقسم شود و شاخهای مؤخر از مابین اجنحه فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخها متنوع
 میگردد و شاخهای درونی بجانب شواک ارج شده زیرین جلد عنق و شاخهای برونی و عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

سه زوج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطباء یونان سی و یک جفت اند
 و نزد مشرین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
 اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که اعصاب الصدر نیز گویند
 و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی شش جفت اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
 یونانیان و انگلستانیان زوج اول از مابین عظم القحوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
 آخر فقره عنقی و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبستین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
 و در قانون و کامل الصنعه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیره آورده که زوج اول و عضلات
 راس پراکنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
 و قوت عضله ای عریضه کتف می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
 متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده و در عضلات ازین می رسد و شاخ دوم بعضله ای عریضه
 کتف می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
 و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سیاتی متگشته و بحجاب حاذر رسیده
 و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل غائر گشته بسوی سانس برآمده و شعبه ای آن بسوی عضل مشترک میان
 سر و گردن می رود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل منکسه
 راس و عضل مشترک سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتف می آید و پاره از
 زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبه ای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
 وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ای در یکدگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
 سادس بسوی سطح کتف آمده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
 بعضد رسیده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بعضلات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
 خامس صاحب شده و زوج ثامن بجلد ساعد آمده با اعصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
 تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دگر کلان ترست و پس از برآمدن از سوراخ جابد
 و فروغ مقدم و مؤخر منقسم شود و شاخهای مؤخر از مابین اجنحه فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخها متنوع
 میگردد و شاخهای درونی بجانب شواک ارج شده زیرین جلد عنق و شاخهای برونی و عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

سه زوج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطباء یونان سی و یک جفت اند
 و نزد مشرین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
 اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که اعصاب الصدر نیز گویند
 و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی شش جفت اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
 یونانیان و انگلستانیان زوج اول از مابین عظم القحوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
 آخر فقره عنقی و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبستین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
 و در قانون و کامل الصنعه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیره آورده که زوج اول و عضلات
 راس پراکنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
 و قوت عضله ای عریضه کتف می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
 متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده و در عضلات ازین می رسد و شاخ دوم بعضله ای عریضه
 کتف می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
 و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سیاتی متگشته و بحجاب حاذر رسیده
 و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل غائر گشته بسوی سانس برآمده و شعبه ای آن بسوی عضل مشترک میان
 سر و گردن می رود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل منکسه
 راس و عضل مشترک سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتف می آید و پاره از
 زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبه ای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
 وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ای در یکدگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
 سادس بسوی سطح کتف آمده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
 بعضد رسیده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بعضلات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
 خامس صاحب شده و زوج ثامن بجلد ساعد آمده باعصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
 تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دگر کلان ترست و پس از برآمدن از سوراخ جابد
 و فروغ مقدم و مؤخر منقسم شود و شاخهای مؤخر از مابین اجنحه فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخها متوزع
 میگردد و شاخهای درونی بجانب شواک ارج شده زیرین جلد عنق و شاخهای برونی و عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

سه زوج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطباء یونان سی و یک جفت اند
 و نزد مشرین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
 اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که اعصاب الصدر نیز گویند
 و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی شش جفت اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
 یونانیان و انگلستانیان زوج اول از مابین عظم القحوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
 آخر فقره عنقی و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبستین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
 و در قانون و کامل الصنعه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیره آورده که زوج اول و عضلات
 راس پراکنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
 و قوت عضله ای عریضه کتف می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
 متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده و در عضلات ازین می رسد و شاخ دوم بعضله ای عریضه
 کتف می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
 و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سیاتی متگشته و بحجاب حاذر رسیده
 و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل غائر گشته بسوی سانس برآمده و شعبه ای آن بسوی عضل مشترک میان
 سر و گردن می رود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل منکسه
 راس و عضل مشترک سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتف می آید و پاره از
 زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبه ای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
 وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ای در یکدگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
 سادس بسوی سطح کتف آمده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
 بعضد رسیده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بعضلات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
 خامس صاحب شده و زوج ثامن بجلد ساعد آمده باعصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
 تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دگر کلان ترست و پس از برآمدن از سوراخ جابد
 و فروغ مقدم و مؤخر منقسم شود و شاخهای مؤخر از مابین اجنحه فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخها متنوع
 میگردد و شاخهای درونی بجانب شواک ارج شده زیرین جلد عنق و شاخهای برونی و عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

سه زوج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطباء یونان سی و یک جفت اند
و نزد مشرین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که اعصاب الصدر نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی شش جفت اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از مابین عظم القفوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
آخر فقره عنقی و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصناعه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیره آورده که زوج اول و عضلات
راس پراکنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتف می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده و در عضلات ازین می رسد و شاخ دوم بعضله ای عریضه
کتف می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سیاتی متگشته و بحجاب حاذر رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل غائر گشته بسوی سانس برآمده و شعبه ای آن بسوی عضل مشترک میان
سر و گردن می رود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل متکسسه
راس و عضل مشترک سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتف می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبه ای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ها در یکدگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعضد رسیده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بعضلات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجلد ساعد آمده باعصاب نخستین قفا و صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دگر کلان ترست و پس از برآمدن از سوراخا بدو
دو فروغ مقدم و مؤخر منقسم شود و شاخهای مؤخر از مابین اجنحه فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخها متنوع
میگرد و شاخهای درونی بجانب شواک ارج شده زیرین جلد عنق و شاخهای برونی و عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

سوم زوجه نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطبای یونان سی و یک جفت اند
و نزدیکترین انگلستان سی و یک جفت اند و فرنیست و نزد هر دو فرق بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که عصب الصد نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی معتقدند این اعصاب الحلق و شش زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از این عظم التحدیه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
آخر فقره عنق و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبیین که فیما بین فقرتین واقع اند می آید
و در قانون و کامل الصنائع و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیر ما آورده که زوج اول و عضلات
راس پرانگنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثابت نموده جس جلد سر قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتف می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده در عضلات اذنین میرسد و شاخ دوم بعضیهای عریضه
کتفی می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سباتی متداشته و بحجاب حاجز رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عنق عضل فائز گشته بسوی سناسن برآمده و شعبهای آن بسوی عضل مشترکه میان
سر گردن می رود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل نشکسه
راس و عضل مشترکه سر گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتف می آید و پارچه از
زوج سادس و سابیع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبهای زوج خامس و سادس و سابیع آمیخته دور
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبها در یکدیگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و از ان جا تجاوز نکرده و بعضی از ان بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابیع
بعض رسیده و از ان جا تجاوز نکرده و بعضی از ان بعضیات سرگردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجمله ساعد آمده با عصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دیگر کلان ترست سپس از برای آمدن از سو راجع بود
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم میشود و شاخهای مؤخر از مابین جهته فقرات پسین گذشته برونی و برونی و دو شاخها متنوع
میگرد و شاخهای درونی بجانب شو اک رج شده زیرین جلع عنق و شاخهای برونی در عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

[illegible]

سه زوج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطباء یونان سی و یک جفت اند
و نزد مشرین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که اعصاب الصدر نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی شش جفت اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از مابین عظم القفوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
آخر فقره عنقی و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبستین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصناعه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیره آورده که زوج اول و عضلات
راس پرانگنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتفی می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنقی بسوی هر دو گوش آمده و در عضلات ازین می رسد و شاخ دوم بعضی عریضه
کتفی می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سیاتی متگشته و بحجاب حاجر رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل غائر گشته بسوی سانس برآمده و شعبه ای آن بسوی عضل مشترک میان
سر و گردن می رود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل منکسه
راس و عضل مشترک سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتفی می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبه ای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ها در یکدگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعضد رسیده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بعضی سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجلد ساعد آمده باعصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دگر کلان ترست و پس از برآمدن از سوراخا بدو
دو فروغ مقدم و مؤخر منقسم شود و شاخهای مؤخر از مابین اجنحه فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخها متنوع
میگرد و شاخهای درونی بجانب شواک ارج شده زیرین جلد عنقی و شاخهای برونی و عضلات جنبین عنقی متفرق میشوند

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

سوم و چهارم و پنجم و ششم و هفتم و هشتم و نهم و دهم و یازدهم و پانزدهم و شانزدهم و هیجدهم و بیستم و یکمین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و زود هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که عصب الصد نیز گویند
و پنج زوج عصب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی تخمین میکنند اینها را با اتفاق آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از این عظم القصد و فقره اول عنق می برآید و زوج هشتم از این
آخر فقره عنق و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبیین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصنانه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیر ما آورده که زوج اول و عضلات
راس پرانگنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده حس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتفی می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده در عضلات اذنین میرسد و شاخ دوم بعضیهای عریضه
کتفی می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که از این شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سباتی ممتد گشته و بحجاب حاجز رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل فائز گشته بسوی سانس برآمده و شعبهای آن بسوی عضل مشترکه میان
سر و گردن میرود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل نشکسه
راس و عضل مشترکه سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتفی می آید و پارچه از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبهای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ها در یکدیگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و ازان جا تجاوز نکرده و بعضی ازان بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعض رسیده و ازان جا تجاوز نکرده و بعضی ازان بعضیات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجمله ساعد آمده با عصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دیگر کلان ترست سپس از برآمدن از سو را خواب و
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم میشود و شاخهای مؤخر از این جهت فقرات پسین گذشته برونی و برونی و دو شاخها متوزع
میگردند و شاخهای درونی بجانب شواک رج شده زیرین جلد عنق و شاخهای برونی در عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

سه زوج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطباء یونان سی و یک جفت اند
و نزد مشرین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که اعصاب الصدر نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی شش جفت اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از مابین عظم القفوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
آخر فقره عنقی و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبستین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصناعه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیره آورده که زوج اول و عضلات
راس پراکنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتف می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده و در عضلات ازین می رسد و شاخ دوم بعضله ای عریضه
کتف می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سیاتی متدگشته و بحجاب حاجر رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل غائر گشته بسوی سانس برآمده و شعبه ای آن بسوی عضل مشترک میان
سر و گردن می رود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل منکسه
راس و عضل مشترک سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتف می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبه ای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ای در یکدگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعضد رسیده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بعضلات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجلد ساعد آمده باعصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دگر کلان ترست و پس از برآمدن از سوراخ جابد
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم شود و شاخهای مؤخر از مابین اجنحه فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخها متوزع
میگرد و شاخهای درونی بجانب شواک ارج شده زیرین جلد عنق و شاخهای برونی و عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

[illegible]

سوم و چهارم و پنجم و ششم و هفتم و هشتم و نهم و دهم و یازدهم و پانزدهم و شانزدهم و هیجدهم و بیستم و یکمین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و زود هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که عصب الصد نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی تخمین میکنند این اعصاب الحلق را هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از این عظم القصد و فقره اول عنق می برآید و زوج هشتم از این
آخر فقره عنق و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبیین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصنانه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیر ما آورده که زوج اول و عضلات
راس پرانگنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده حس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتفی می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده در عضلات اذنین میرسد و شاخ دوم بعضیهای عریضه
کتفی می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که از این شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سباتی ممتد گشته و بحجاب حاجز رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل فائز گشته بسوی سانس برآمده و شعبهای آن بسوی عضل مشترکه میان
سر و گردن میرود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل نشکسه
راس و عضل مشترکه سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتفی می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبهای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبها در یکدیگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و از ان جا تجاوز نکرده و بعضی از ان بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعض رسیده و از ان جا تجاوز نکرده و بعضی از ان بعضیات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجمله ساعد آمده با عصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دیگر کلان ترست سپس از برآمدن از سو را خوابد و
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم میشود و شاخهای مؤخر از این جهت فقرات پسین گذشته برونی و برونی و دو شاخها متوزع
میگردند و شاخهای درونی بجانب شواک رج شده زیرین جلد عنق و شاخهای برونی در عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

سه زوج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطبای یونان سی و یک جفت اند
و نزد مشرین انگلستان سی و یک جفت اند و فرنیست و نزد هر دو فرق بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحرق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که عصب الصد نیز گویند
و پنج زوج عصب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی تخمین این اعصاب الحرق را بیست و شش زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از این عظم القصد و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از این
آخر فقره عنق و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبیین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصنعه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیر ما آورده که زوج اول و عضلات
راس پرانگنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتف می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده در عضلات اذنین میرسد و شاخ دوم بعضیهای عریضه
کتفی آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که از این شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سباتی متداخلة و بحجاب حاجز رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل فائز گشته بسوی سانس برآمده و شعبهای آن بسوی عضل مشترکه میان
سر گردن میرود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل نشکس
راس و عضل مشترکه سر گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتف می آید و پارچه از
زوج سادس و سابج باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبهای زوج خامس و سادس و سابج آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبها در یکدیگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و از ان جا تجاوز نکرده و بعضی از ان بمركز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابج
بعض رسیده و از ان جا تجاوز نکرده و بعضی از ان بعضیات سر گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجمله ساعد آمده باعصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دیگر کلان ترست و پس از برآمدن از سو را خواب و
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم میشود و شاخهای مؤخر از این جهت فقرات پسین گذشته برونی و برونی و دو شاخها متفرع
میگردند و شاخهای درونی بجانب شوک ارجح شده زیرین جلد عنق و شاخهای برونی در عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

[illegible]

سوم و چهارم و پنجم و ششم و هفتم و هشتم و نهم و دهم و یازدهم و پانزدهم و شانزدهم و هیجدهم و بیستم و یکمین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و زود هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که عصب الصد نیز گویند
و پنج زوج عصب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی تخمین میکنند اینها را با اتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از این عظم القصد و فقره اول عنق می برآید و زوج هشتم از این
آخر فقره عنق و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبیین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصنانه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیر ما آورده که زوج اول و عضلات
راس پرانگنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده حس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتفی می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده در عضلات اذنین میرسد و شاخ دوم بعضیهای عریضه
کتفی می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که از این شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سباتی ممتد گشته و بحجاب حاجز رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل فائز گشته بسوی سانس برآمده و شعبهای آن بسوی عضل مشترکه میان
سر و گردن میرود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل نشکسه
راس و عضل مشترکه سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتفی می آید و پارچه از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبهای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ها در یکدیگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و از ان جا تجاوز نکرده و بعضی از ان بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعض رسیده و از ان جا تجاوز نکرده و بعضی از ان بعضیات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجمله ساعد آمده با عصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دیگر کلان ترست سپس از برآمدن از سو را خوابد و
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم میشود و شاخهای مؤخر از این جهت فقرات پسین گذشته برونی و برونی و دو شاخها متوزع
میگردند و شاخهای درونی بجانب شواک رج شده زیرین جلد عنق و شاخهای برونی در عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

[illegible]

سوم و چهارم و پنجم و ششم و هفتم و هشتم و نهم و دهم و یازدهم و پانزدهم و شانزدهم و هیجدهم و بیستم و یکمین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و زود هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که عصب الصد نیز گویند
و پنج زوج عصب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی تخمین میکنند اینها را با اتفاق آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از این عظم القصد و فقره اول عنق می برآید و زوج هشتم از این
آخر فقره عنق و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبیین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصنانه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیر ما آورده که زوج اول و عضلات
راس پرانگنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتفی می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده در عضلات اذنین میرسد و شاخ دوم بعضیهای عریضه
کتفی می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که از این شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سباتی ممتد گشته و بحجاب حاجز رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل فائز گشته بسوی سانس برآمده و شعبهای آن بسوی عضل مشترکه میان
سر و گردن میرود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل نشکسه
راس و عضل مشترکه سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتفی می آید و پارچه از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبهای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ها در یکدیگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و ازان جا تجاوز نکرده و بعضی ازان بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعض رسیده و ازان جا تجاوز نکرده و بعضی ازان بعضیات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و با شعبه
خامس صاحب شده و زوج نهم بجلد ساعد آمده با عصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دیگر کلان ترست سپس از برآمدن از سو را خواب و
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم میشود و شاخهای مؤخر از این جهت فقرات پسین گذشته برونی و برونی و دو شاخها متوزع
میگردند و شاخهای درونی بجانب شواک رج شده زیرین جلد عنق و شاخهای برونی در عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

سه زوج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطباء یونان سی و یک جفت اند
و نزد مشرین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که اعصاب الصدر نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی شش جفت اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از مابین عظم القحوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
آخر فقره عنقی و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبستین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصناعه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیره آورده که زوج اول و عضلات
راس پراکنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتف می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده و در عضلات ازین می رسد و شاخ دوم بعضله ای عریضه
کتف می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سیاتی متگشته و بحجاب حاذر رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل غائر گشته بسوی سانس برآمده و شعبه ای آن بسوی عضل مشترک میان
سر و گردن می رود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل منکسه
راس و عضل مشترک سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتف می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبه ای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ای در یکدگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعضد رسیده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بعضلات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجلد ساعد آمده باعصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دگر کلان ترست و پس از برآمدن از سوراخ جابد
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم شود و شاخهای مؤخر از مابین اجنحه فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخهای متوزع
میگرد و شاخهای درونی بجانب شوک اوج شده زیرین جلد عنق و شاخهای برونی و عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

[illegible]

سه زوج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطباء یونان سی و یک جفت اند
و نزد مشرین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که اعصاب الصد نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی شش جفت اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از مابین عظم القحوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
آخر فقره عنق و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصناعه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیره آورده که زوج اول و عضلات
راس پراکنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتف می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده و عضلات ازین می رسد و شاخ دوم بعضله ای عریضه
کتف می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سیاتی متگشته و بحجاب حاذر رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل غائر گشته بسوی سانس برآمده و شعبه ای آن بسوی عضل مشترک میان
سر و گردن می رود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل منکسه
راس و عضل مشترک سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتف می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبه ای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ای در یکدگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعضد رسیده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بعضلات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجلد ساعد آمده باعصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دگر کلان ترست و پس از برآمدن از سوراخ جاذبه
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم شود و شاخهای مؤخر از مابین اجنحه فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخها متنوع
میگرد و شاخهای درونی بجانب شواک ارج شده زیرین جلد عنق و شاخهای برونی و عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

[illegible]

سه زوج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطباء یونان سی و یک جفت اند
و نزد مشرین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که اعصاب الصد نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی شش جفت اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از مابین عظم القحوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
آخر فقره عنق و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصناعه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیره آورده که زوج اول و عضلات
راس پراکنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتف می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده و عضلات ازین می رسد و شاخ دوم بعضله ای عریضه
کتف می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سیاتی متگشته و بحجاب حاذر رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل غائر گشته بسوی سانس برآمده و شعبه ای آن بسوی عضل مشترک میان
سر و گردن می رود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل منکسه
راس و عضل مشترک سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتف می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبه ای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ای در یکدگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعضد رسیده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بعضلات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجلد ساعد آمده باعصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دگر کلان ترست و پس از برآمدن از سوراخ جاذبه
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم شود و شاخهای مؤخر از مابین اجنحه فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخها متوزع
میگرد و شاخهای درونی بجانب شواک ارج شده زیرین جلد عنق و شاخهای برونی و عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

سه زوج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطبای یونان سی و یک جفت اند
و نزد مشرین انگلستان سی و یک جفت اند و فرنیست و نزد هر دو فرق بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحرق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که عصب الصد نیز گویند
و پنج زوج عصب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی تخمین این اعصاب الحرق را بیست و پنج زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از این عظم القصد و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از این
آخر فقره عنق و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبیین که فیما بین فقرتین واقع اند می آید
و در قانون و کامل الصنعه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیر ما آورده که زوج اول و عضلات
راس پرانگنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتف می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده در عضلات اذنین میرسد و شاخ دوم بعضیهای عریضه
کتفی می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که از این شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سباتی متداخلة و بحجاب حاجز رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل فائز گشته بسوی سانس برآمده و شعبهای آن بسوی عضل مشترک میان
سر گردن میرود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل نشکس
راس و عضل مشترک سر گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتف می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبهای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبها در یکدیگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و از ان جا تجاوز نکرده و بعضی از ان بمركز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعض رسیده و از ان جا تجاوز نکرده و بعضی از ان بعضیات سر گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و با شعبه
خامس صاحب شده و زوج نهم تا من بجمله ساعد آمده با عصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دیگر کان ترست سپس از برآمدن از سور اخا بدو
و فروغ مقدم و مؤخر تقسیم میشود و شاخهای مؤخر از این جهت فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخها متنوع
میگردند و شاخهای درونی بجانب شوک ارجح شده زیرین جلد عنق و شاخهای برونی در عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

سوم و چهارم و پنجم و ششم و هفتم و هشتم و نهم و دهم و یازدهم و پانزدهم و شانزدهم و هیجدهم و بیستم و یکمین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و زود هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که عصب الصد نیز گویند
و پنج زوج عصب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی تخمین میکنند اینها را با اتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از این عظم القصد و فقره اول عنق می برآید و زوج هشتم از این
آخر فقره عنق و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبیین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصنانه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیره آورده که زوج اول و عضلات
راس پرانگنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتفی می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده در عضلات ازین میرسد و شاخ دوم بعضیهای عریضه
کتفی می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سباتی ممتد گشته و بحجاب حاجز رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل فائز گشته بسوی سانس برآمده و شعبهای آن بسوی عضل مشترکه میان
سر و گردن میرود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل نشکسه
راس و عضل مشترکه سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتفی می آید و پارچه از
زوج سادس و سابج باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبهای زوج خامس و سادس و سابج آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ها در یکدیگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و ازان جا تجاوز نکرده و بعضی ازان بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابج
بعض رسیده و ازان جا تجاوز نکرده و بعضی ازان بعضیات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج نهم بجلد ساعد آمده باعصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دیگر کلان ترست سپس از برآمدن از سو را خواب و
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم میشود و شاخهای مؤخر از این جهت فقرات پسین گذشته برونی و برونی و دو شاخها متوزع
میگردند و شاخهای درونی بجانب شواک رج شده زیرین جلد عنق و شاخهای برونی در عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

[illegible]

[illegible]

[illegible]

سه زوج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطباء یونان سی و یک جفت اند
و نزد مشرین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که اعصاب الصدر نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی شش جفت اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از مابین عظم القحوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
آخر فقره عنقی و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبستین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصناعه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیره آورده که زوج اول و عضلات
راس پراکنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضلهای عریضه کتف می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده و در عضلات ازین می رسد و شاخ دوم بعضلهای عریضه
کتف می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سیاتی متگشته و بحجاب حاجر رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل غائر گشته بسوی سانس برآمده و شعبهای آن بسوی عضل مشترک میان
سر و گردن می رود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل منکسه
راس و عضل مشترک سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتف می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبهای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبها در یکدگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعضد رسیده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بعضلات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجلد ساعد آمده باعصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دگر کلان ترست و پس از برآمدن از سوراخا بدو
دو فروغ مقدم و مؤخر منقسم شود و شاخهای مؤخر از مابین اجنحه فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخها متنوع
میگرد و شاخهای درونی بجانب شواک ارج شده زیرین جلد عنق و شاخهای برونی و عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

[illegible]

[illegible]

سه زوج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطباء یونان سی و یک جفت اند
و نزد مشرین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که اعصاب الصدر نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی شش جفت اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از مابین عظم القفوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
آخر فقره عنقی و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبستین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصناعه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیره آورده که زوج اول و عضلات
راس پراکنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتف می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده و در عضلات ازین می رسد و شاخ دوم بعضله ای عریضه
کتف می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سیاتی متگشته و بحجاب حاذر رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل غائر گشته بسوی سانس برآمده و شعبه ای آن بسوی عضل مشترک میان
سر و گردن می رود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل منکسه
راس و عضل مشترک سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتف می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبه ای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ای در یکدگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعضد رسیده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بعضلات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجلد ساعد آمده باعصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دگر کلان ترست و پس از برآمدن از سوراخ جاذبه
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم شود و شاخهای مؤخر از مابین اجنحه فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخهای متوزع
میگرد و شاخهای درونی بجانب شواک اوج شده زیرین جلد عنق و شاخهای برونی و عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

سه زوج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطباء یونان سی و یک جفت اند
و نزد مشرین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که اعصاب الصدر نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی شش جفت اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از مابین عظم القفوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
آخر فقره عنقی و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبستین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصناعه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیره آورده که زوج اول و عضلات
راس پراکنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتف می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده و در عضلات ازین می رسد و شاخ دوم بعضله ای عریضه
کتف می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سیاتی متگشته و بحجاب حاجر رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل غائر گشته بسوی سانس برآمده و شعبه ای آن بسوی عضل مشترک میان
سر و گردن می رود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل منکسه
راس و عضل مشترک سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتف می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبه ای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ای در یکدگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعضد رسیده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بعضلات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجلد ساعد آمده باعصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دگر کلان ترست و پس از برآمدن از سوراخ جابد
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم شود و شاخهای مؤخر از مابین اجنحه فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخهای متوزع
میگرد و شاخهای درونی بجانب شواک اوج شده زیرین جلد عنق و شاخهای برونی و عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

سه زوج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطباء یونان سی و یک جفت اند
و نزد مشرین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که اعصاب الصدر نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی شش جفت اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از مابین عظم القفوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
آخر فقره عنقی و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبستین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصناعه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیره آورده که زوج اول و عضلات
راس پراکنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضلهای عریضه کتفی دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنقی بسوی هر دو گوش آمده و در عضلات ازین می رسد و شاخ دوم بعضلهای عریضه
کتفی می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سیاتی متدگشته و بحجاب حاجر رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل غائر گشته بسوی سانس برآمده و شعبهای آن بسوی عضل مشترک میان
سر و گردن می رود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل منکسه
راس و عضل مشترک سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتفی می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبهای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبها در یکدگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعضد رسیده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بعضلات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجلد ساعد آمده باعصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دگر کلان ترست و پس از برآمدن از سوراخا بدو
دو فروغ مقدم و مؤخر منقسم شود و شاخهای مؤخر از مابین اجنحه فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخها متنوع
میگرد و شاخهای درونی بجانب شواک اوج شده زیرین جلد عنقی و شاخهای برونی و عضلات جنبین عنقی متفرق میشوند

سه زوج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطباء یونان سی و یک جفت اند
و نزد مشرین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که اعصاب الصدر نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی شش جفت اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از مابین عظم القفوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
آخر فقره عنقی و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبستین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصناعه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیره آورده که زوج اول و عضلات
راس پراکنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضلهای عریضه کتفی دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنقی بسوی هر دو گوش آمده و در عضلات ازین می رسد و شاخ دوم بعضلهای عریضه
کتفی می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سیاتی متدگشته و بحجاب حاجر رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل غائر گشته بسوی سانس برآمده و شعبهای آن بسوی عضل مشترک میان
سر و گردن می رود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل منکسه
راس و عضل مشترک سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتفی می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبهای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبها در یکدگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعضد رسیده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بعضلات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجلد ساعد آمده باعصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دگر کلان ترست و پس از برآمدن از سوراخا بدو
دو فروغ مقدم و مؤخر منقسم شود و شاخهای مؤخر از مابین اجنحه فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخها متنوع
میگرد و شاخهای درونی بجانب شواک اوج شده زیرین جلد عنقی و شاخهای برونی و عضلات جنبین عنقی متفرق میشوند

سه زوج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطباء یونان سی و یک جفت اند
و نزد مشرین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که اعصاب الصدر نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی شش جفت اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از مابین عظم القفوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
آخر فقره عنقی و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبستین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصناعه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیره آورده که زوج اول و عضلات
راس پراکنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضلهای عریضه کتفی دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنقی بسوی هر دو گوش آمده و در عضلات ازین می رسد و شاخ دوم بعضلهای عریضه
کتفی می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سیاتی متدگشته و بحجاب حاجر رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل غائر گشته بسوی سانس برآمده و شعبهای آن بسوی عضل مشترک میان
سر و گردن می رود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل منکسه
راس و عضل مشترک سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتفی می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبهای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبها در یکدگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعضد رسیده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بعضلات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجلد ساعد آمده باعصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دگر کلان ترست و پس از برآمدن از سوراخا بدو
دو فروغ مقدم و مؤخر منقسم شود و شاخهای مؤخر از مابین اجنحه فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخها متنوع
میگرد و شاخهای درونی بجانب شواک اوج شده زیرین جلد عنقی و شاخهای برونی و عضلات جنبین عنقی متفرق میشوند

سه زوج نهم و دهم و يازدهم دانسته اما اعصاب نخاعي نزدي پيروان اطباي يونان سي و يك جفت اند
 و نزدي شصت و پنج انگستان سي و يك جفت اند و فرديست و نزدي هر دو فريق بالاتفاق از جمله سي و يك
 اعصاب نخاعي هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب كه اعصاب الصدر و بزرگوتيد
 و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضي شصت و پنج اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
 يونانيان و انگستانيان زوج اول از مابين عظم القهوه و فقره اول عنقي مي برآيد و زوج هشتم از مابين
 آخر فقره عنق و اول فقره صلب باقي بگي زوج نخاعي عنقي از ثلثين كه فيما بين فقرتين واقع اند مي برآيد
 و در قانون و كامل الصانع و تشریح الابرار و دانش نامه جهان و غير ما آورده كه زوج اول و عضلات
 راس پراگنده شده و زوج دوم ميان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف كردن
 و قوت عضلهاي عريضه كتف مي دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده يك شاخ آن پس از
 متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوي هر دو گوش آمده و در عضلات اذنين ميرسد و شاخ دوم بعضلهاي عريضه
 كتف مي آيد و زوج چهارم نيز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آيخته
 و گفته اند كه از اين شاخ شعبه مانند نسج عنكبوت برآمده بر عروق سباتي ممتد گشته و بحجاب عاجز رسیده
 و شاخ مؤخر بسوي خلف در عمق عضل غائر گشته بسوي سانس برآمده و شعبهاي آن بسوي عضل مشترك ميان
 سر و گردن ميرود و زوج پنجم بستر نيز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوي عضلات خدين و عضل منكسه
 راس و عضل مشترك سر و گردن مي رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گرديده يك شعبه بالاي كتف مي آيد و پاره از
 زوج سادس و سابع اين شعبه آيخته شده و شعبه دوم باشعبهاي زوج خامس و سادس و سابع آيخته و در
 وسط حجاب نافذ ميشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبها در يك گرشيده و اختلاط است ليكن اكثر شعب زوج
 سادس بسوي سطح كتف آمده و ازان جا تجاوز نكرده و بعضي ازان بمرکز حجاب رسیده و اكثر شعب زوج سابع
 بعضد رسیده و ازان جا تجاوز نكرده و بعضي ازان بعضلات سر و گردن و صلب و مركز حجاب رسیده و باشعبه
 خامس صاحب شده و زوج ثامن بجلد ساعد آمده باعصاب نخستين فقار صدر مختلط شده است اما انگستانيان
 تشریح کرده كه اين هشت زوج از اعلى تا اسفل سلسله وار از يك دگر كلان ترست و پس از برآمدن از سوراخايد و
 دو فروغ مقدم و مؤخر منقسم ميشود و شاخهاي مؤخر از مابين اجنه فقرات پسین گذشته بروني و بروني دو و شاخها متنوع
 ميگرد و شاخهاي دروني بجانب شوك اوج شده زيرين جلد عنق و شاخهاي بروني و عضلات جنبين عنق متفرق ميشوند

سه زوج نهم و دهم و يازدهم دانسته اما اعصاب نخاعي نزدي پيروان اطباي يونان سي و يك جفت اند
 و نزدي شصت و پنج انگستان سي و يك جفت اند و فرديست و نزدي هر دو فريق بالاتفاق از جمله سي و يك
 اعصاب نخاعي هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب كه اعصاب الصدر و بزرگوتيد
 و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضي شصت و پنج اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
 يونانيان و انگستانيان زوج اول از مابين عظم القهوه و فقره اول عنقي مي برآيد و زوج هشتم از مابين
 آخر فقره عنق و اول فقره صلب باقي بگي زوج نخاعي عنقي از ثلثين كه فيما بين فقرتين واقع اند مي برآيد
 و در قانون و كامل الصانع و تشریح الابرار و دانش نامه جهان و غير ما آورده كه زوج اول و عضلات
 راس پراگنده شده و زوج دوم ميان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف كردن
 و قوت عضلهاي عريضه كتف مي دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده يك شاخ آن پس از
 متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوي هر دو گوش آمده و در عضلات اذنين ميرسد و شاخ دوم بعضلهاي عريضه
 كتف مي آيد و زوج چهارم نيز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آيخته
 و گفته اند كه از اين شاخ شعبه مانند نسج عنكبوت برآمده بر عروق سباتي ممتد گشته و بحجاب حاذر رسیده
 و شاخ مؤخر بسوي خلف در عمق عضل غائر گشته بسوي سانس برآمده و شعبهاي آن بسوي عضل مشترك ميان
 سر و گردن ميرود و زوج پنجم بستر نيز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوي عضلات خدين و عضل منكسه
 راس و عضل مشترك سر و گردن مي رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گرديده يك شعبه بالاي كتف مي آيد و پاره از
 زوج سادس و سابع اين شعبه آيخته شده و شعبه دوم باشعبهاي زوج خامس و سادس و سابع آيخته و در
 وسط حجاب نافذ ميشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبها در يك گرشيده و اختلاط است ليكن اكثر شعب زوج
 سادس بسوي سطح كتف آمده و ازان جا تجاوز نكرده و بعضي ازان بمرکز حجاب رسیده و اكثر شعب زوج سابع
 بعضد رسیده و ازان جا تجاوز نكرده و بعضي ازان بعضلات سر و گردن و صلب و مركز حجاب رسیده و باشعبه
 خامس صاحب شده و زوج ثامن بجلد ساعد آمده باعصاب نخستين فقار صدر مختلط شده است اما انگستانيان
 تشریح کرده كه اين هشت زوج از اعلى تا اسفل سلسله وار از يك دگر كلان ترست و پس از برآمدن از سوراخايد و
 دو فروغ مقدم و مؤخر منقسم ميشود و شاخهاي مؤخر از مابين اجنحه فقرات پسین گذشته بروني و بروني دو و شاخها متنوع
 ميگرد و شاخهاي دروني بجانب شوك اوج شده زيرين جلد عنق و شاخهاي بروني و عضلات جنبين عنق متفرق ميشوند

سه زوج نهم و دهم و يازدهم دانسته اما اعصاب نخاعي نزدي پيروان اطباي يونان سي و يك جفت اند
 و نزدي شصت و پنج انگستان سي و يك جفت اند و فرديست و نزدي هر دو فريق بالاتفاق از جمله سي و يك
 اعصاب نخاعي هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب كه اعصاب الصدر و بزرگوتيد
 و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضي شصت و پنج اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
 يونانيان و انگستانيان زوج اول از مابين عظم القهوه و فقره اول عنقي مي برآيد و زوج هشتم از مابين
 آخر فقره عنق و اول فقره صلب باقي بگي زوج نخاعي عنقي از ثلثين كه فيما بين فقرتين واقع اند مي برآيد
 و در قانون و كامل الصانع و تشریح الابرار و دانش نامه جهان و غير ما آورده كه زوج اول و عضلات
 راس پراگنده شده و زوج دوم ميان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف كردن
 و قوت عضلهاي عريضه كتف مي دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده يك شاخ آن پس از
 متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوي هر دو گوش آمده و در عضلات اذنين ميرسد و شاخ دوم بعضلهاي عريضه
 كتف مي آيد و زوج چهارم نيز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آيخته
 و گفته اند كه از اين شاخ شعبه مانند نسج عنكبوت برآمده بر عروق سباتي ممتد گشته و بحجاب حاذر رسیده
 و شاخ مؤخر بسوي خلف در عمق عضل غائر گشته بسوي سانس برآمده و شعبهاي آن بسوي عضل مشترك ميان
 سر و گردن ميرود و زوج پنجم بستر نيز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوي عضلات خدين و عضل منكسه
 راس و عضل مشترك سر و گردن مي رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گرديده يك شعبه بالاي كتف مي آيد و پاره از
 زوج سادس و سابع اين شعبه آيخته شده و شعبه دوم باشعبهاي زوج خامس و سادس و سابع آيخته و در
 وسط حجاب نافذ ميشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبها در يك گرشيده و اختلاط است ليكن اكثر شعب زوج
 سادس بسوي سطح كتف آمده و ازان جا تجاوز نكرده و بعضي ازان بمرکز حجاب رسیده و اكثر شعب زوج سابع
 بعضد رسیده و ازان جا تجاوز نكرده و بعضي ازان بعضلات سر و گردن و صلب و مركز حجاب رسیده و باشعبه
 خامس صاحب شده و زوج ثامن بجلد ساعد آمده باعصاب نخستين فقار صدر مختلط شده است اما انگستانيان
 تشریح کرده كه اين هشت زوج از اعلى تا اسفل سلسله وار از يك دگر كلان ترست و پس از برآمدن از سوراخايد و
 دو فروغ مقدم و مؤخر منقسم ميشود و شاخهاي مؤخر از مابين اجنه فقرات پسین گذشته بروني و بروني دو و شاخها متنوع
 ميگرد و شاخهاي دروني بجانب شوك اوج شده زيرين جلد عنق و شاخهاي بروني و عضلات جنبين عنق متفرق ميشوند

سه زوج نهم و دهم و يازدهم دانسته اما اعصاب نخاعي نزدي پيروان اطباي يونان سي و يك جفت اند
 و نزدي شصت و پنج انگستان سي و يك جفت اند و فرديست و نزدي هر دو فريق بالاتفاق از جمله سي و يك
 اعصاب نخاعي هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب كه اعصاب الصدر و بزرگوتيد
 و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضي شصت و پنج اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
 يونانيان و انگستانيان زوج اول از مابين عظم القهوه و فقره اول عنقي مي برآيد و زوج هشتم از مابين
 آخر فقره عنق و اول فقره صلب باقي بگي زوج نخاعي عنقي از ثلثين كه فيما بين فقرتين واقع اند مي برآيد
 و در قانون و كامل الصانع و تشریح الابرار و دانش نامه جهان و غير ما آورده كه زوج اول و عضلات
 راس پراگنده شده و زوج دوم ميان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف كردن
 و قوت عضلهاي عريضه كتف مي دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده يك شاخ آن پس از
 متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوي هر دو گوش آمده و در عضلات اذنين ميرسد و شاخ دوم بعضلهاي عريضه
 كتف مي آيد و زوج چهارم نيز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آيخته
 و گفته اند كه از اين شاخ شعبه مانند نسج عنكبوت برآمده بر عروق سباتي ممتد گشته و بحجاب عاجز رسیده
 و شاخ مؤخر بسوي خلف در عمق عضل غائر گشته بسوي سانس برآمده و شعبهاي آن بسوي عضل مشترك ميان
 سر و گردن ميرود و زوج پنجم بستر نيز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوي عضلات خدين و عضل منكسه
 راس و عضل مشترك سر و گردن مي رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گرديده يك شعبه بالاي كتف مي آيد و پاره از
 زوج سادس و سابع اين شعبه آيخته شده و شعبه دوم باشعبهاي زوج خامس و سادس و سابع آيخته و در
 وسط حجاب نافذ ميشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبها در يك گرشيده و اختلاط است ليكن اكثر شعب زوج
 سادس بسوي سطح كتف آمده و ازان جا تجاوز نكرده و بعضي ازان بمرکز حجاب رسیده و اكثر شعب زوج سابع
 بعضد رسیده و ازان جا تجاوز نكرده و بعضي ازان بعضلات سر و گردن و صلب و مركز حجاب رسیده و باشعبه
 خامس صاحب شده و زوج ثامن بجلد ساعد آمده باعصاب نخستين فقار صدر مختلط شده است اما انگستانيان
 تشریح کرده كه اين هشت زوج از اعلى تا اسفل سلسله وار از يك دگر كلان ترست و پس از برآمدن از سوراخايد و
 دو فروغ مقدم و مؤخر منقسم ميشود و شاخهاي مؤخر از مابين اجنه فقرات پسین گذشته بروني و بروني دو و شاخها متنوع
 ميگرد و شاخهاي دروني بجانب شوك اوج شده زيرين جلد عنق و شاخهاي بروني و عضلات جنبين عنق متفرق ميشوند

سه زوج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطباء یونان سی و یک جفت اند
و نزد مشرین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که اعصاب الصدر نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی شش جفت اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از مابین عظم القفوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
آخر فقره عنقی و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصناعه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیره آورده که زوج اول و عضلات
راس پراکنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتف می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده و عضلات ازین می رسد و شاخ دوم بعضله ای عریضه
کتف می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سیاتی متگشته و بحجاب حاذر رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل غائر گشته بسوی سانس برآمده و شعبه ای آن بسوی عضل مشترک میان
سر و گردن می رود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل منکسه
راس و عضل مشترک سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتف می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبه ای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ای در یکدگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و ازان جا تجاوز نموده و بعضی ازان بر مرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعضد رسیده و ازان جا تجاوز نموده و بعضی ازان بعضلات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجلد ساعد آمده باعصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دگر کلان ترست و پس از برآمدن از سوراخ جابد
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم شود و شاخهای مؤخر از مابین اجنحه فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخهای متوزع
میگرد و شاخهای درونی بجانب شواک اوج شده زیرین جلد عنق و شاخهای برونی و عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

سه زوج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطباء یونان سی و یک جفت اند
و نزد مشرین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که اعصاب الصدر نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی شش جفت اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از مابین عظم القحوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
آخر فقره عنق و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبستین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصناعه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیره آورده که زوج اول و عضلات
راس پراکنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضلهای عریضه کتف می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده و در عضلات ازین می رسد و شاخ دوم بعضلهای عریضه
کتف می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سیاتی متدگشته و بحجاب حاذر رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل غائر گشته بسوی سانس برآمده و شعبهای آن بسوی عضل مشترک میان
سر و گردن می رود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل منکسه
راس و عضل مشترک سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتف می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبهای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبها در یکدگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعضد رسیده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بعضلات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجلد ساعد آمده باعصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دگر کلان ترست و پس از برآمدن از سوراخها بدو
دو فروغ مقدم و مؤخر منقسم شود و شاخهای مؤخر از مابین اجنحه فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخها متنوع
میگرد و شاخهای درونی بجانب شواک اوج شده زیرین جلد عنق و شاخهای برونی و عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

سوم و چهارم و پنجم و ششم و هفتم و هشتم و نهم و دهم و یازدهم و پانزدهم و شانزدهم و هیجدهم و بیستم و یکمین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و زود هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که عصب الصد نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی تخمین میکنند این اعصاب الحلق را هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از این عظم القصد و فقره اول عنق می برآید و زوج هشتم از این
آخر فقره عنق و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبیین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصنانه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیرها آورده که زوج اول و عضلات
راس پرانگنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثابت نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتفی می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده در عضلات اذنین میرسد و شاخ دوم بعضیهای عریضه
کتفی می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که از این شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سباتی ممتد گشته و بحجاب حاجز رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل فائز گشته بسوی سناسن برآمده و شعبهای آن بسوی عضل مشترکه میان
سر و گردن میرود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل نشکسه
راس و عضل مشترکه سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتفی می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبهای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ها در یکدیگر رشید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و ازان جا تجاوز نکرده و بعضی ازان بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعض رسیده و ازان جا تجاوز نکرده و بعضی ازان بعضیات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجمله ساعد آمده با عصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دیگر کلان ترست سپس از برآمدن از سو را خواب و
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم میشود و شاخهای مؤخر از این جهت فقرات پسین گذشته برونی و برونی و دو شاخها متوزع
میگردند و شاخهای درونی بجانب شواک رج شده زیرین جلد عنق و شاخهای برونی در عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

سه زوج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطباء یونان سی و یک جفت اند
و نزد مشرین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که اعصاب الصدر نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی شش جفت اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از مابین عظم القفوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
آخر فقره عنقی و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبستین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصناعه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیره آورده که زوج اول و عضلات
راس پراکنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتفی می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنقی بسوی هر دو گوش آمده و در عضلات اذنین میرسد و شاخ دوم بعضله ای عریضه
کتفی می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سیاتی متگشته و بحجاب حاذر رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل غائر گشته بسوی سنان برآمده و شعبه ای آن بسوی عضل مشترک میان
سر و گردن میرود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل منکسه
راس و عضل مشترک سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتفی می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبه ای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ای در یکدگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و ازان جا تجاوز نموده و بعضی ازان بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعضد رسیده و ازان جا تجاوز نموده و بعضی ازان بعضلات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجلد ساعد آمده باعصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دگر کلان ترست و پس از برآمدن از سوراخ جابد
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم شود و شاخهای مؤخر از مابین اجنحه فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخهای متوزع
میگرد و شاخهای درونی بجانب شواک اوج شده زیرین جلد عنقی و شاخهای برونی و عضلات جنبین عنقی متفرق میشوند

[illegible]

سه زوج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطباء یونان سی و یک جفت اند
و نزد مشرین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که اعصاب الصدر نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی شش جفت اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از مابین عظم القهوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
آخر فقره عنق و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصناعه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیره آورده که زوج اول و عضلات
راس پراکنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتف می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده و عضلات ازین می رسد و شاخ دوم بعضله ای عریضه
کتف می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سیاتی متدگشته و بحجاب حاجر رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل غائر گشته بسوی سانس برآمده و شعبه ای آن بسوی عضل مشترک میان
سر و گردن می رود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل منکسه
راس و عضل مشترک سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتف می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبه ای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ای در یکدگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعضد رسیده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بعضلات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجلد ساعد آمده باعصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دگر کلان ترست و پس از برآمدن از سوراخ جابد
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم شود و شاخهای مؤخر از مابین اجنحه فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخهای متوزع
میگرد و شاخهای درونی بجانب شواک اوج شده زیرین جلد عنق و شاخهای برونی و عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

سوم و چهارم و پنجم و ششم و هفتم و هشتم و نهم و دهم و یازدهم و پانزدهم و شانزدهم و هیجدهم و بیستم و یکمین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و زود هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که عصب الصد نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی تخمین میکنند این اعصاب الحلق را هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از این عظم القصد و فقره اول عنق می برآید و زوج هشتم از این
آخر فقره عنق و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبیین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصنانه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیر ما آورده که زوج اول و عضلات
راس پرانگنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده حس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتفی می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده در عضلات اذنین میرسد و شاخ دوم بعضیهای عریضه
کتفی می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که از این شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سباتی ممتد گشته و بحجاب حاجز رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل فائز گشته بسوی سانس برآمده و شعبهای آن بسوی عضل مشترکه میان
سر و گردن میرود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل نشکسه
راس و عضل مشترکه سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتفی می آید و پارچه از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبهای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبها در یکدیگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و ازان جا تجاوز نکرده و بعضی ازان بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعض رسیده و ازان جا تجاوز نکرده و بعضی ازان بعضیات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج نهم بجلد ساعد آمده با عصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دیگر کلان ترست سپس از برآمدن از سو را خواب و
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم میشود و شاخهای مؤخر از این جهت فقرات پسین گذشته برونی و برونی و دو شاخها متوزع
میگردند و شاخهای درونی بجانب شواک رج شده زیرین جلد عنق و شاخهای برونی در عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

[illegible]

[illegible]

[illegible]

سه زوج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطباء یونان سی و یک جفت اند
و نزد مشرین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که اعصاب الصدر نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی شش جفت اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از مابین عظم القفوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
آخر فقره عنقی و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبستین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصناعه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیره آورده که زوج اول و عضلات
راس پراکنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتف می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده و در عضلات ازین می رسد و شاخ دوم بعضله ای عریضه
کتف می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سیاتی متدگشته و بحجاب حاجر رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل غائر گشته بسوی سانس برآمده و شعبه ای آن بسوی عضل مشترک میان
سر و گردن می رود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل منکسه
راس و عضل مشترک سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتف می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبه ای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ها در یکدگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعضد رسیده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بعضلات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجلد ساعد آمده باعصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دگر کلان ترست و پس از برآمدن از سوراخا بدو
دو فروغ مقدم و مؤخر منقسم شود و شاخهای مؤخر از مابین اجنحه فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخها متنوع
میگرد و شاخهای درونی بجانب شوک ارج شده زیرین جلد عنق و شاخهای برونی و عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

سه زوج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطباء یونان سی و یک جفت اند
و نزد مشرین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که اعصاب الصدر نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی شش جفت اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از مابین عظم القفوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
آخر فقره عنقی و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبستین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصناعه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیره آورده که زوج اول و عضلات
راس پراکنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتف می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده و در عضلات ازین می رسد و شاخ دوم بعضله ای عریضه
کتف می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سیاتی متدگشته و بحجاب حاجر رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل غائر گشته بسوی سانس برآمده و شعبه ای آن بسوی عضل مشترک میان
سر و گردن می رود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل متکسسه
راس و عضل مشترک سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتف می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبه ای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ای در یکدگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعضد رسیده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بعضلات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجلد ساعد آمده باعصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دگر کلان ترست و پس از برآمدن از سوراخ جابد
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم شود و شاخهای مؤخر از مابین اجنحه فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخهای متوزع
میگرد و شاخهای درونی بجانب شوک ارج شده زیرین جلد عنق و شاخهای برونی و عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

[illegible]

سه زوج نهم و دهم و يازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزدي پيروان اطباي يونان سی و يك جفت اند
 و نزدي مشرقيين انگلستان سی و يك جفت اند و فردنيست و نزدي هر دو فريق بالاتفاق از جمله سی و يك
 اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که اعصاب الصدر نیز گويند
 و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی شش جفتين اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
 يونانيان و انگلستانيان زوج اول از مابين عظم القحوه و فقره اول عنقی می برآيد و زوج هشتم از مابين
 آخر فقره عنقی و اول فقره صلب باقی بگي زوج نخاعی عنقی از ثقبين که فيما بين فقرتين واقع اند می برآيد
 و در قانون و کامل الصناعه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غير ما آورده که زوج اول و عضلات
 راس پراکنده شده و زوج دوم ميان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
 و قوت عضلهای عريضه کتف می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده يك شاخ آن پس از
 متفرق شدن در عمق عضل عنقی بسوی هر دو گوش آمده و عضلات از مابين ميرسد و شاخ دوم بعضلهای عريضه
 کتف می آيد و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آيخته
 و گفته اند که از اين شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سباتی ممتد گشته و بحجاب حاجر رسیده
 و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل غائر گشته بسوی سانس برآمده و شعبهای آن بسوی عضل مشترک ميان
 سر و گردن ميرود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدين و عضل منکسه
 راس و عضل مشترک سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گرديده يك شعبه بالای کتف می آيد و پاره از
 زوج سادس و سابع باين شعبه آيخته شده و شعبه دوم باشعبهای زوج خامس و سادس و سابع آيخته و در
 وسط حجاب نافذ ميشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبها در يکد گر شده و الاختلاط است ليکن اکثر شعب زوج
 سادس بسوی سطح کتف آمده و ازان جا تجاوز نکرده و بعضی ازان بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
 بعضد رسیده و ازان جا تجاوز نکرده و بعضی ازان بعضلات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
 خامس صاحب شده و زوج ثامن بجلد ساعد آمده باعصاب نخستين فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانيان
 تشریح کرده که اين هشت زوج از اعلى تا اسفل سلسله وار از يک دگر کلان ترست و پس از برآمدن از سوراخايد و
 دو فروغ مقدم و مؤخر منقسم ميشود و شاخهای مؤخر از مابين اجنحه فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخها متنوع
 میگردد و شاخهای درونی بجانب شواک اوج شده زيرين جلد عنقی و شاخهای برونی و عضلات جنبين عنقی متفرق ميشوند

سه زوج نهم و دهم و يازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزدي پيروان اطباي يونان سی و يك جفت اند
 و نزدي مشرقيين انگلستان سی و يك جفت اند و فردنيست و نزدي هر دو فريق بالاتفاق از جمله سی و يك
 اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که اعصاب الصدر نیز گويند
 و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی شش جفتين اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
 يونانيان و انگلستانيان زوج اول از مابين عظم القحوه و فقره اول عنقی می برآيد و زوج هشتم از مابين
 آخر فقره عنقی و اول فقره صلب باقی بگي زوج نخاعی عنقی از ثقبين که فيما بين فقرتين واقع اند می برآيد
 و در قانون و کامل الصناعه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غير ما آورده که زوج اول و عضلات
 راس پراکنده شده و زوج دوم ميان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
 و قوت عضلهای عريضه کتف می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده يك شاخ آن پس از
 متفرق شدن در عمق عضل عنقی بسوی هر دو گوش آمده و عضلات از مابين ميرسد و شاخ دوم بعضلهای عريضه
 کتف می آيد و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آيخته
 و گفته اند که از اين شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سباتی ممتد گشته و بحجاب حاجر رسیده
 و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل غائر گشته بسوی سانس برآمده و شعبهای آن بسوی عضل مشترک ميان
 سر و گردن ميرود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدين و عضل منکسه
 راس و عضل مشترک سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گرديده يك شعبه بالای کتف می آيد و پاره از
 زوج سادس و سابع باين شعبه آيخته شده و شعبه دوم باشعبهای زوج خامس و سادس و سابع آيخته و در
 وسط حجاب نافذ ميشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبها در يکد گر شده و الاختلاط است ليکن اکثر شعب زوج
 سادس بسوی سطح کتف آمده و ازان جا تجاوز نکرده و بعضی ازان بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
 بعضد رسیده و ازان جا تجاوز نکرده و بعضی ازان بعضلات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
 خامس صاحب شده و زوج ثامن بجلد ساعد آمده باعصاب نخستين فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانيان
 تشریح کرده که اين هشت زوج از اعلى تا اسفل سلسله وار از يک دگر کلان ترست و پس از برآمدن از سوراخايد و
 دو فروغ مقدم و مؤخر منقسم ميشود و شاخهای مؤخر از مابين اجنحه فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخها متنوع
 میگردد و شاخهای درونی بجانب شواک اوج شده زيرين جلد عنقی و شاخهای برونی و عضلات جنبين عنقی متفرق ميشوند

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

سوم و چهارم و پنجم و ششم و هفتم و هشتم و نهم و دهم و یازدهم و پانزدهم و شانزدهم و هیجدهم و بیستم و یکمین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و زود هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که عصب الصد نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی تخمین میکنند این اعصاب الحلق را هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از این عظم القصد و فقره اول عنق می برآید و زوج هشتم از این
آخر فقره عنق و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبیین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصنانه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیر ما آورده که زوج اول و عضلات
راس پرانگنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده حس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتفی می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده در عضلات اذنین میرسد و شاخ دوم بعضیهای عریضه
کتفی می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که از این شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سباتی ممتد گشته و بحجاب حاجز رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل فائز گشته بسوی سناسن برآمده و شعبهای آن بسوی عضل مشترکه میان
سر و گردن میرود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل نشکسه
راس و عضل مشترکه سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتفی می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبهای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبها در یکدیگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و ازان جا تجاوز نکرده و بعضی ازان بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعض رسیده و ازان جا تجاوز نکرده و بعضی ازان بعضیات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج نهم بجله ساعد آمده با عصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دیگر کلان ترست سپس از برآمدن از سو را خواب و
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم میشود و شاخهای مؤخر از این جهت فقرات پسین گذشته برونی و برونی و دو شاخها متوزع
میگردند و شاخهای درونی بجانب شواک رج شده زیرین جلد عنق و شاخهای برونی در عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

[illegible]

[illegible]

سه زوج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطباء یونان سی و یک جفت اند
و نزد مشرین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که اعصاب الصدر نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی شش جفت اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از مابین عظم القفوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
آخر فقره عنقی و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقیبیین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصناعه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیره آورده که زوج اول و عضلات
راس پرانگنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضلهای عریضه کتف می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده و در عضلات ازین می رسد و شاخ دوم بعضلهای عریضه
کتف می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سیاتی متگشته و بحجاب حاذر رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل غائر گشته بسوی سانس برآمده و شعبهای آن بسوی عضل مشترک میان
سر و گردن می رود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل منکسه
راس و عضل مشترک سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتف می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبهای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبها در یکدگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعضد رسیده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بعضلات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجلد ساعد آمده باعصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دگر کلان ترست و پس از برآمدن از سوراخا بدو
دو فروغ مقدم و مؤخر منقسم شود و شاخهای مؤخر از مابین اجنحه فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخها متنوع
میگرد و شاخهای درونی بجانب شواک ارج شده زیرین جلد عنق و شاخهای برونی و عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

سه زوج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطباء یونان سی و یک جفت اند
و نزد مشرین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که اعصاب الصدر نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی شش جفت اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از مابین عظم القحوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
آخر فقره عنقی و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصناعه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیره آورده که زوج اول و عضلات
راس پراکنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتف می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده و در عضلات ازین می رسد و شاخ دوم بعضله ای عریضه
کتف می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سیاتی متگشته و بحجاب حاجر رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل غائر گشته بسوی سانس برآمده و شعبه ای آن بسوی عضل مشترک میان
سر و گردن می رود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل منکسه
راس و عضل مشترک سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتف می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبه ای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ای در یکدگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعضد رسیده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بعضلات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجلد ساعد آمده باعصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دگر کلان ترست و پس از برآمدن از سوراخ جابد
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم شود و شاخهای مؤخر از مابین اجنحه فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخهای متوزع
میگرد و شاخهای درونی بجانب شواک اوج شده زیرین جلد عنق و شاخهای برونی و عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

سه زوج نهم و دهم و يازدهم دانسته اما اعصاب نخاعي نزدي پيروان اطباي يونان سي و يك جفت اند
 و نزدي شصت و پنج انگستان سي و يك جفت اند و فرديست و نزدي هر دو فريق بالاتفاق از جمله سي و يك
 اعصاب نخاعي هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب كه اعصاب الصدر و نیز گوتيد
 و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضي شصت و پنج اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
 يونانيان و انگستانيان زوج اول از مابين عظم القهوه و فقره اول عنقي مي برآيد و زوج هشتم از مابين
 آخر فقره عنق و اول فقره صلب باقي بگي زوج نخاعي عنقي از ثلثين كه فيما بين فقرتين واقع اند مي برآيد
 و در قانون و كامل الصانع و تشریح الابرار و دانش نامه جهان و غير ما آورده كه زوج اول و عضلات
 راس پراگنده شده و زوج دوم ميان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف كردن
 و قوت عضلهاي عريضه كتف مي دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده يك شاخ آن پس از
 متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوي هر دو گوش آمده و در عضلات اذنين ميرسد و شاخ دوم بعضلهاي عريضه
 كتف مي آيد و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آيخته
 و گفته اند كه از اين شاخ شعبه مانند نسج عنكبوت برآمده بر عروق سباتي ممتد گشته و بحجاب حاجر رسیده
 و شاخ مؤخر بسوي خلف در عمق عضل غائر گشته بسوي سانس برآمده و شعبهاي آن بسوي عضل مشترك ميان
 سر و گردن ميرود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوي عضلات خدين و عضل منكسه
 راس و عضل مشترك سر و گردن مي رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گرديده يك شعبه بالاي كتف مي آيد و پاره از
 زوج سادس و سابع اين شعبه آيخته شده و شعبه دوم باشعبهاي زوج خامس و سادس و سابع آيخته و در
 وسط حجاب نافذ ميشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبها در يك گرشيده و اختلاط است ليكن اكثر شعب زوج
 سادس بسوي سطح كتف آمده و ازان جا تجاوز نكرده و بعضي ازان بمرکز حجاب رسیده و اكثر شعب زوج سابع
 بعضد رسیده و ازان جا تجاوز نكرده و بعضي ازان بعضلات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
 خامس صاحب شده و زوج ثامن بجلد ساعد آمده باعصاب نخستين فقار صدر مختلط شده است اما انگستانيان
 تشریح کرده كه اين هشت زوج از اعلى تا اسفل سلسله وار از يك دگر كلان ترست و پس از برآمدن از سوراخايد و
 دو فروغ مقدم و مؤخر منقسم ميشود و شاخهاي مؤخر از مابين اجنه فقرات پسین گذشته بروني و بروني دو و شاخها متنوع
 ميگرد و شاخهاي دروني بجانب شوك اوج شده زيرين جلد عنق و شاخهاي بروني و عضلات جنبين عنق متفرق ميشوند

سوم و چهارم و پنجم و ششم و هفتم و هشتم و نهم و دهم و یازدهم و پانزدهم و شانزدهم و هیجدهم و بیستم و یکمین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و زود هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که عصب الصد نیز گویند
و پنج زوج عصب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی تخمین میکنند اینها را هشتاد و سه زوج است اما بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از این عظم القصد و فقره اول عنق می برآید و زوج هشتم از این
آخر فقره عنق و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبیین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصنانه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیر ما آورده که زوج اول و عضلات
راس پرانگنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده حس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتفی می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده در عضلات اذنین میرسد و شاخ دوم بعضیهای عریضه
کتفی می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که از این شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سباتی ممتد گشته و بحجاب حاجز رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل فائز گشته بسوی سانس برآمده و شعبهای آن بسوی عضل مشترکه میان
سر و گردن میرود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل نشکسه
راس و عضل مشترکه سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتفی می آید و پارچه از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبهای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ها در یکدیگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و ازان جا تجاوز نکرده و بعضی ازان بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعض رسیده و ازان جا تجاوز نکرده و بعضی ازان بعضی سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و با شعبه
خامس صاحب شده و زوج نهم بجلد ساعد آمده با عصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دیگر کلان ترست سپس از برآمدن از سو را خوابد و
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم میشود و شاخهای مؤخر از این جهت فقرات پسین گذشته برونی و برونی و دو شاخها متوزع
میگردند و شاخهای درونی بجانب شواک رج شده زیرین جلد عنق و شاخهای برونی در عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

سه زوج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطباء یونان سی و یک جفت اند
و نزد مشرین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که اعصاب الصدر نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی شش جفت اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از مابین عظم القحوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
آخر فقره عنق و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصناعه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیره آورده که زوج اول و عضلات
راس پراکنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتف می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده و عضلات ازین می رسد و شاخ دوم بعضله ای عریضه
کتف می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سیاتی متگشته و بحجاب حاجر رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل غائر گشته بسوی سانس برآمده و شعبه ای آن بسوی عضل مشترک میان
سر و گردن می رود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل منکسه
راس و عضل مشترک سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتف می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبه ای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ای در یکدگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و ازان جا تجاوز نموده و بعضی ازان بر مرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعضد رسیده و ازان جا تجاوز نموده و بعضی ازان بعضلات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجلد ساعد آمده باعصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دگر کلان ترست و پس از برآمدن از سوراخ جابد
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم شود و شاخهای مؤخر از مابین اجنحه فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخهای متوزع
میگرد و شاخهای درونی بجانب شواک اوج شده زیرین جلد عنق و شاخهای برونی و عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

[illegible]

[illegible]

سه زوج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطباء یونان سی و یک جفت اند
و نزد مشرین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که اعصاب الصدر نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی شش جفت اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از مابین عظم القفوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
آخر فقره عنقی و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبستین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصناعه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیره آورده که زوج اول و عضلات
راس پراکنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتفی می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنقی بسوی هر دو گوش آمده و در عضلات ازین می رسد و شاخ دوم بعضله ای عریضه
کتفی می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سیاتی متگشته و بحجاب حاذر رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل غائر گشته بسوی سانس برآمده و شعبه ای آن بسوی عضل مشترک میان
سر و گردن می رود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل منکسه
راس و عضل مشترک سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتفی می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبه ای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ای در یکدگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعضد رسیده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بعضلات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجلد ساعد آمده باعصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دگر کلان ترست و پس از برآمدن از سوراخ جاذبه
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم شود و شاخهای مؤخر از مابین اجنحه فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخهای متوزع
میگرد و شاخهای درونی بجانب شواک اوج شده زیرین جلد عنقی و شاخهای برونی و عضلات جنبین عنقی متفرق میشوند

سه زوج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطباء یونان سی و یک جفت اند
و نزد مشرین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که اعصاب الصدر نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی شش جفت اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از مابین عظم القفوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
آخر فقره عنقی و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبستین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصناعه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیره آورده که زوج اول و عضلات
راس پرانگنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتفی می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنقی بسوی هر دو گوش آمده و در عضلات اذنین میرسد و شاخ دوم بعضلهای عریضه
کتفی می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سیاتی متدگشته و بحجاب حاجر رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل غائر گشته بسوی سانس برآمده و شعبهای آن بسوی عضل مشترک میان
سر و گردن میرود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل منکسه
راس و عضل مشترک سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتفی می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبهای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبها در یکدگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و ازان جا تجاوز نکرده و بعضی ازان بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعضد رسیده و ازان جا تجاوز نکرده و بعضی ازان بعضلات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجلد ساعد آمده باعصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دگر کلان ترست و پس از برآمدن از سوراخا بدو
دو فروغ مقدم و مؤخر منقسم شود و شاخهای مؤخر از مابین اجنحه فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخها متنوع
میگرد و شاخهای درونی بجانب شواک ارج شده زیرین جلد عنقی و شاخهای برونی و عضلات جنبین عنقی متفرق میشوند

سه زوج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطباء یونان سی و یک جفت اند
و نزد مشرین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که اعصاب الصدر نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی شش جفت اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از مابین عظم القفوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
آخر فقره عنقی و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبستین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصناعه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیره آورده که زوج اول و عضلات
راس پرانگنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتفی می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنقی بسوی هر دو گوش آمده و در عضلات اذنین میرسد و شاخ دوم بعضلهای عریضه
کتفی می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سیاتی متدگشته و بحجاب حاجر رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل غائر گشته بسوی سانس برآمده و شعبهای آن بسوی عضل مشترک میان
سر و گردن میرود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل منکسه
راس و عضل مشترک سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتفی می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبهای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبها در یکدگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و ازان جا تجاوز نکرده و بعضی ازان بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعضد رسیده و ازان جا تجاوز نکرده و بعضی ازان بعضلات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجلد ساعد آمده باعصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دگر کلان ترست و پس از برآمدن از سوراخها بدو
دو فروغ مقدم و مؤخر منقسم شود و شاخهای مؤخر از مابین اجنحه فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخها متنوع
میگرد و شاخهای درونی بجانب شواک اوج شده زیرین جلد عنقی و شاخهای برونی و عضلات جنبین عنقی متفرق میشوند

سه زوج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطباء یونان سی و یک جفت اند
و نزد مشرین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که اعصاب الصدر نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی شش جفت اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از مابین عظم القفوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
آخر فقره عنقی و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبستین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصناعه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیره آورده که زوج اول و عضلات
راس پراکنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتفی می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنقی بسوی هر دو گوش آمده و در عضلات ازین می رسد و شاخ دوم بعضله ای عریضه
کتفی می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سیاتی متگشته و بحجاب حاذر رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل غائر گشته بسوی سانس برآمده و شعبه ای آن بسوی عضل مشترک میان
سر و گردن می رود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل منکسه
راس و عضل مشترک سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتفی می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبه ای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ای در یکدگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعضد رسیده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بعضلات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجلد ساعد آمده باعصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دگر کلان ترست و پس از برآمدن از سوراخ جاذبه
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم شود و شاخهای مؤخر از مابین اجنحه فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخهای متوزع
میگرد و شاخهای درونی بجانب شواک اوج شده زیرین جلد عنقی و شاخهای برونی و عضلات جنبین عنقی متفرق میشوند

سه زوج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطباء یونان سی و یک جفت اند
و نزد مشرین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که اعصاب الصدر نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی شش جفت اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از مابین عظم القفوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
آخر فقره عنقی و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبستین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصناعه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیره آورده که زوج اول و عضلات
راس پراکنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتفی می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنقی بسوی هر دو گوش آمده و در عضلات ازین می رسد و شاخ دوم بعضله ای عریضه
کتفی می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سیاتی متگشته و بحجاب حاذر رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل غائر گشته بسوی سانس برآمده و شعبه ای آن بسوی عضل مشترک میان
سر و گردن می رود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل منکسه
راس و عضل مشترک سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتفی می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبه ای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ای در یکدگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعضد رسیده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بعضلات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجلد ساعد آمده باعصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دگر کلان ترست و پس از برآمدن از سوراخ جابد
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم شود و شاخهای مؤخر از مابین اجنحه فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخهای متوزع
میگرد و شاخهای درونی بجانب شواک ارج شده زیرین جلد عنقی و شاخهای برونی و عضلات جنبین عنقی متفرق میشوند

سه زوج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطباء یونان سی و یک جفت اند
و نزد مشرین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که اعصاب الصدر نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی شش جفت اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از مابین عظم القفوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
آخر فقره عنقی و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبستین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصناعه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیره آورده که زوج اول و عضلات
راس پراکنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتفی می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنقی بسوی هر دو گوش آمده و در عضلات ازین می رسد و شاخ دوم بعضله ای عریضه
کتفی می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سیاتی متگشته و بحجاب حاذر رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل غائر گشته بسوی سانس برآمده و شعبه ای آن بسوی عضل مشترک میان
سر و گردن می رود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل منکسه
راس و عضل مشترک سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتفی می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبه ای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ای در یکدگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعضد رسیده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بعضلات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجلد ساعد آمده باعصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دگر کلان ترست و پس از برآمدن از سوراخ جاذبه
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم شود و شاخهای مؤخر از مابین اجنحه فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخهای متوزع
میگرد و شاخهای درونی بجانب شواک اوج شده زیرین جلد عنقی و شاخهای برونی و عضلات جنبین عنقی متفرق میشوند

سه زوج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطباء یونان سی و یک جفت اند
و نزد مشرین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که اعصاب الصدر نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی شش جفت اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از مابین عظم القفوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
آخر فقره عنقی و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبستین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصناعه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیره آورده که زوج اول و عضلات
راس پراکنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتفی می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنقی بسوی هر دو گوش آمده و در عضلات ازین می رسد و شاخ دوم بعضله ای عریضه
کتفی می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سیاتی متگشته و بحجاب حاذر رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل غائر گشته بسوی سانس برآمده و شعبه ای آن بسوی عضل مشترک میان
سر و گردن می رود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل منکسه
راس و عضل مشترک سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتفی می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبه ای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ای در یکدگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعضد رسیده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بعضلات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجلد ساعد آمده باعصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دگر کلان ترست و پس از برآمدن از سوراخ جاذبه
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم شود و شاخهای مؤخر از مابین اجنحه فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخهای متوزع
میگرد و شاخهای درونی بجانب شواک اوج شده زیرین جلد عنقی و شاخهای برونی و عضلات جنبین عنقی متفرق میشوند

[illegible]

[illegible]

سه زوج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطباء یونان سی و یک جفت اند
و نزد مشرین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که اعصاب الصدر نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی شش جفت اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از مابین عظم القحوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
آخر فقره عنق و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبستین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصناعه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیره آورده که زوج اول و عضلات
راس پراکنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتف می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده و در عضلات ازین می رسد و شاخ دوم بعضله ای عریضه
کتف می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سیاتی متگشته و بحجاب حاذر رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل غائر گشته بسوی سانس برآمده و شعبه ای آن بسوی عضل مشترک میان
سر و گردن می رود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل منکسه
راس و عضل مشترک سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتف می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبه ای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ای در یکدگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعضد رسیده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بعضلات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجلد ساعد آمده باعصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دگر کلان ترست و پس از برآمدن از سوراخ جاذبه
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم شود و شاخهای مؤخر از مابین اجنحه فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخهای متوزع
میگرد و شاخهای درونی بجانب شواک اوج شده زیرین جلد عنق و شاخهای برونی و عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

سه زوج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطباء یونان سی و یک جفت اند
و نزد مشرین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که اعصاب الصدر نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی شش جفت اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از مابین عظم القحوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
آخر فقره عنق و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبستین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصناعه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیره آورده که زوج اول و عضلات
راس پراکنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتف می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده و در عضلات ازین می رسد و شاخ دوم بعضله ای عریضه
کتف می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سیاتی متگشته و بحجاب حاذر رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل غائر گشته بسوی سانس برآمده و شعبه ای آن بسوی عضل مشترک میان
سر و گردن می رود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل منکسه
راس و عضل مشترک سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتف می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبه ای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ای در یکدگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعضد رسیده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بعضلات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجلد ساعد آمده باعصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دگر کلان ترست و پس از برآمدن از سوراخ جاذبه
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم شود و شاخهای مؤخر از مابین اجنحه فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخهای متوزع
میگرد و شاخهای درونی بجانب شواک اوج شده زیرین جلد عنق و شاخهای برونی و عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

[illegible]

سوم و چهارم و پنجم و ششم و هفتم و هشتم و نهم و دهم و یازدهم و پانزدهم و شانزدهم و هیجدهم و بیستم و یکمین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و زود هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که عصب الصد نیز گویند
و پنج زوج عصب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی تخمین میکنند اینها را با اتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از این عظم القصد و فقره اول عنق می برآید و زوج هشتم از این
آخر فقره عنق و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبیین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصنانه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیره آورده که زوج اول و عضلات
راس پرانگنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثابت نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتفی می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده در عضلات ازین میرسد و شاخ دوم بعضیهای عریضه
کتفی می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سباتی ممتد گشته و بحجاب حاجز رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل فائز گشته بسوی سانس برآمده و شعبهای آن بسوی عضل مشترکه میان
سر و گردن میرود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل نشکسه
راس و عضل مشترکه سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتفی می آید و پارچه از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبهای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ها در یکدیگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و ازان جا تجاوز نکرده و بعضی ازان بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعض رسیده و ازان جا تجاوز نکرده و بعضی ازان بعضیات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجمله ساعد آمده با عصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دیگر کلان ترست سپس از برآمدن از سو را خواب و
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم میشود و شاخهای مؤخر از این جهت فقرات پسین گذشته برونی و برونی و دو شاخها متوزع
میگردند و شاخهای درونی بجانب شواک رج شده زیرین جلد عنق و شاخهای برونی در عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

[illegible]

[illegible]

[illegible]

سوم و چهارم و پنجم و ششم و هفتم و هشتم و نهم و دهم و یازدهم و پانزدهم و شانزدهم و هیجدهم و بیستم و یکمین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و زود هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که عصب الصد نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی تخمین میکنند این اعصاب الحلق را هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از این عظم القصد و فقره اول عنق می برآید و زوج هشتم از این
آخر فقره عنق و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبیین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصنانه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیرها آورده که زوج اول و عضلات
راس پرانگنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده حس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتفی می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده در عضلات اذنین میرسد و شاخ دوم بعضیهای عریضه
کتفی می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که از این شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سباتی ممتد گشته و بحجاب حاجز رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل فائز گشته بسوی سانس برآمده و شعبهای آن بسوی عضل مشترکه میان
سر و گردن میرود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل نشکسه
راس و عضل مشترکه سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتفی می آید و پارچه از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبهای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ها در یکدیگر رشید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و ازان جا تجاوز نکرده و بعضی ازان بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعض رسیده و ازان جا تجاوز نکرده و بعضی ازان بعضیات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجمله ساعد آمده با عصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دیگر کلان ترست سپس از برآمدن از سو را خوابد و
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم میشود و شاخهای مؤخر از این جهت فقرات پسین گذشته برونی و برونی و دو شاخها متوزع
میگردند و شاخهای درونی بجانب شواک رج شده زیرین جلد عنق و شاخهای برونی در عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

سه زوج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطباء یونان سی و یک جفت اند
و نزد مشرین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که اعصاب الصدر نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی شش جفت اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از مابین عظم القحوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
آخر فقره عنقی و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصناعه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیره آورده که زوج اول و عضلات
راس پراکنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتف می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده و عضلات ازین می رسد و شاخ دوم بعضله ای عریضه
کتف می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سیاتی متگشته و بحجاب حاذر رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل غائر گشته بسوی سانس برآمده و شعبه ای آن بسوی عضل مشترک میان
سر و گردن می رود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل منکسه
راس و عضل مشترک سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتف می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبه ای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ای در یکدگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعضد رسیده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بعضلات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجلد ساعد آمده باعصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دگر کلان ترست و پس از برآمدن از سوراخ پدید
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم شود و شاخهای مؤخر از مابین اجنحه فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخهای متوزع
میگرد و شاخهای درونی بجانب شواک اوج شده زیرین جلد عنق و شاخهای برونی و عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

سه زوج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطباء یونان سی و یک جفت اند
و نزد مشرین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که اعصاب الصدر نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی شش جفت اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از مابین عظم القحوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
آخر فقره عنقی و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصناعه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیره آورده که زوج اول و عضلات
راس پراکنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتف می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده و عضلات ازین می رسد و شاخ دوم بعضله ای عریضه
کتف می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سیاتی متگشته و بحجاب حاجر رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل غائر گشته بسوی سانس برآمده و شعبه ای آن بسوی عضل مشترک میان
سر و گردن می رود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل متکسسه
راس و عضل مشترک سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتف می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبه ای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ای در یکدگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعضد رسیده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بعضلات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجلد ساعد آمده باعصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دگر کلان ترست و پس از برآمدن از سوراخ جابد
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم شود و شاخهای مؤخر از مابین اجنحه فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخهای متوزع
میگرد و شاخهای درونی بجانب شواک اوج شده زیرین جلد عنق و شاخهای برونی و عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

[illegible]

سه زوج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطباء یونان سی و یک جفت اند
و نزد مشرین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که اعصاب الصدر نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی شش جفت اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از مابین عظم القفوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
آخر فقره عنقی و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبستین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصناعه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیره آورده که زوج اول و عضلات
راس پراکنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتف می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده و در عضلات ازین می رسد و شاخ دوم بعضله ای عریضه
کتف می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سیاتی متگشته و بحجاب حاجر رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل غائر گشته بسوی سانس برآمده و شعبه ای آن بسوی عضل مشترک میان
سر و گردن می رود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل منکسه
راس و عضل مشترک سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتف می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبه ای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ای در یکدگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعضد رسیده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بعضلات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجلد ساعد آمده باعصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دگر کلان ترست و پس از برآمدن از سوراخ جابد
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم شود و شاخهای مؤخر از مابین اجنحه فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخهای متوزع
میگرد و شاخهای درونی بجانب شواک اوج شده زیرین جلد عنق و شاخهای برونی و عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

[illegible]

[illegible]

سه زوج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطباء یونان سی و یک جفت اند
و نزد مشرین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که اعصاب الصدر نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی شش جفت اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از مابین عظم القفوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
آخر فقره عنقی و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبستین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصناعه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیره آورده که زوج اول و عضلات
راس پراکنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتف می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده و در عضلات ازین می رسد و شاخ دوم بعضله ای عریضه
کتف می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سیاتی متدگشته و بحجاب حاجر رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل غائر گشته بسوی سانس برآمده و شعبه ای آن بسوی عضل مشترک میان
سر و گردن می رود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل منکسه
راس و عضل مشترک سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتف می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبه ای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ای در یکدگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعضد رسیده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بعضلات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجلد ساعد آمده باعصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دگر کلان ترست و پس از برآمدن از سوراخ جابد
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم شود و شاخهای مؤخر از مابین اجنحه فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخهای متوزع
میگرد و شاخهای درونی بجانب شواک اوج شده زیرین جلد عنق و شاخهای برونی و عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

سوم و چهارم و پنجم و ششم و هفتم و هشتم و نهم و دهم و یازدهم و پانزدهم و شانزدهم و هیجدهم و بیستم و یکمین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و زود هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که عصب الصد نیز گویند
و پنج زوج عصب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی تخمین میکنند اینها را با اتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از این عظم القصد و فقره اول عنق می برآید و زوج هشتم از این
آخر فقره عنق و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبیین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصنانه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیر ما آورده که زوج اول و عضلات
راس پرانگنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده حس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتفی می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده در عضلات اذنین میرسد و شاخ دوم بعضیهای عریضه
کتفی می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که از این شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سباتی ممتد گشته و بحجاب حاجز رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل فائز گشته بسوی سانس برآمده و شعبهای آن بسوی عضل مشترکه میان
سر و گردن میرود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل نشکسه
راس و عضل مشترکه سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتفی می آید و پارچه از
زوج سادس و سابج باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبهای زوج خامس و سادس و سابج آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ها در یکدیگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و از ان جا تجاوز نکرده و بعضی از ان بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابج
بعض رسیده و از ان جا تجاوز نکرده و بعضی از ان بعضیات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجمله ساعد آمده باعصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دیگر کلان ترست سپس از برآمدن از سو را خواب و
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم میشود و شاخهای مؤخر از این جهت فقرات پسین گذشته برونی و برونی و دو شاخها متوزع
میگردند و شاخهای درونی بجانب شواک رج شده زیرین جلد عنق و شاخهای برونی در عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

[illegible]

سه زوج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطباء یونان سی و یک جفت اند
و نزد مشرین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که اعصاب الصدر نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی شش جفت اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از مابین عظم القحوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
آخر فقره عنقی و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصناعه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیره آورده که زوج اول و عضلات
راس پراکنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتفی دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنقی بسوی هر دو گوش آمده و در عضلات ازین می رسد و شاخ دوم بعضله ای عریضه
کتفی می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سیاتی متگشته و بحجاب حاذر رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل غائر گشته بسوی سانس برآمده و شعبه ای آن بسوی عضل مشترک میان
سر و گردن می رود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل منکسه
راس و عضل مشترک سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتفی می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبه ای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ای در یکدگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعضد رسیده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بعضلات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجلد ساعد آمده باعصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دگر کلان ترست و پس از برآمدن از سوراخ جابد
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم شود و شاخهای مؤخر از مابین اجنحه فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخها متنوع
میگرد و شاخهای درونی بجانب شواک اوج شده زیرین جلد عنقی و شاخهای برونی و عضلات جنبین عنقی متفرق میشوند

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

سه زوج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطباء یونان سی و یک جفت اند
و نزد مشرین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که اعصاب الصدر نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی شش جفت اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از مابین عظم القفوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
آخر فقره عنقی و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبستین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصناعه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیره آورده که زوج اول و عضلات
راس پراکنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتفی می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده و در عضلات ازین می رسد و شاخ دوم بعضله ای عریضه
کتفی می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سیاتی متدگشته و بحجاب حاذر رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل غائر گشته بسوی سانس برآمده و شعبه ای آن بسوی عضل مشترک میان
سر و گردن می رود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل منکسه
راس و عضل مشترک سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتفی می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبه ای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ای در یکدگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعضد رسیده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بعضلات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجلد ساعد آمده باعصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دگر کلان ترست و پس از برآمدن از سوراخ جاذبه
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم شود و شاخهای مؤخر از مابین اجنحه فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخها متنوع
میگرد و شاخهای درونی بجانب شواک ارج شده زیرین جلد عنق و شاخهای برونی و عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

سه زوج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطباء یونان سی و یک جفت اند
و نزد مشرین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که اعصاب الصدر نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی شش جفت اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از مابین عظم القفوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
آخر فقره عنقی و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصناعه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیره آورده که زوج اول و عضلات
راس پراکنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتف می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده و در عضلات ازین می رسد و شاخ دوم بعضله ای عریضه
کتف می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سیاتی متگشته و بحجاب حاذر رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل غائر گشته بسوی سانس برآمده و شعبه ای آن بسوی عضل مشترک میان
سر و گردن می رود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل متکسسه
راس و عضل مشترک سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتف می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبه ای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ای در یکدگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعضد رسیده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بعضلات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجلد ساعد آمده باعصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دگر کلان ترست و پس از برآمدن از سوراخ جاذبه
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم شود و شاخهای مؤخر از مابین اجنحه فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخها متنوع
میگرد و شاخهای درونی بجانب شواک اوج شده زیرین جلد عنق و شاخهای برونی و عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

[illegible]

[illegible]

سه زوج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطباء یونان سی و یک جفت اند
و نزد مشرین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که اعصاب الصدر نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی شش جفت اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از مابین عظم القحوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
آخر فقره عنقی و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصناعه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیره آورده که زوج اول و عضلات
راس پراکنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتفی می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنقی بسوی هر دو گوش آمده و در عضلات ازین می رسد و شاخ دوم بعضله ای عریضه
کتفی می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سیاتی متگشته و بحجاب حاجر رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل غائر گشته بسوی سانس برآمده و شعبه ای آن بسوی عضل مشترک میان
سر و گردن می رود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل منکسه
راس و عضل مشترک سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتفی می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبه ای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ای در یکدگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعضد رسیده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بعضلات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجلد ساعد آمده باعصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دگر کلان ترست و پس از برآمدن از سوراخ جابد
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم شود و شاخهای مؤخر از مابین اجنحه فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخهای متوزع
میگرد و شاخهای درونی بجانب شواک اوج شده زیرین جلد عنقی و شاخهای برونی و عضلات جنبین عنقی متفرق میشوند

[illegible]

سه زوج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطباء یونان سی و یک جفت اند
و نزد مشرین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که اعصاب الصدر نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی شش جفت اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از مابین عظم القحوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
آخر فقره عنقی و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصناعه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیره آورده که زوج اول و عضلات
راس پراکنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتفی دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنقی بسوی هر دو گوش آمده و در عضلات ازین می رسد و شاخ دوم بعضله ای عریضه
کتفی می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سیاتی متگشته و بحجاب حاذر رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل غائر گشته بسوی سانس برآمده و شعبه ای آن بسوی عضل مشترک میان
سر و گردن می رود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل منکسه
راس و عضل مشترک سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتفی می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبه ای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ای در یکدگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعضد رسیده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بعضلات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجلد ساعد آمده باعصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دگر کلان ترست و پس از برآمدن از سوراخ جابد
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم شود و شاخهای مؤخر از مابین اجنحه فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخهای متوزع
میگرد و شاخهای درونی بجانب شواک ارج شده زیرین جلد عنقی و شاخهای برونی و عضلات جنبین عنقی متفرق میشوند

سه زوج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطباء یونان سی و یک جفت اند
 و نزد مشرین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
 اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که اعصاب الصد نیز گویند
 و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی شش جفت اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
 یونانیان و انگلستانیان زوج اول از مابین عظم القحوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
 آخر فقره عنقی و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
 و در قانون و کامل الصناعه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیره آورده که زوج اول و عضلات
 راس پراکنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
 و قوت عضله ای عریضه کتف می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
 متفرق شدن در عمق عضل عنقی بسوی هر دو گوش آمده و عضلات ازین می رسد و شاخ دوم بعضله ای عریضه
 کتف می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
 و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سیاتی متگشته و بحجاب حاجر رسیده
 و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل غائر گشته بسوی سانس برآمده و شعبه ای آن بسوی عضل مشترک میان
 سر و گردن می رود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل منکسه
 راس و عضل مشترک سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتف می آید و پاره از
 زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبه ای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
 وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ای در یکدگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
 سادس بسوی سطح کتف آمده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
 بعضد رسیده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بعضلات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
 خامس صاحب شده و زوج ثامن بجلد ساعد آمده باعصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
 تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دگر کلان ترست و پس از برآمدن از سوراخ جابد
 و فروغ مقدم و مؤخر منقسم شود و شاخهای مؤخر از مابین اجنحه فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخهای متوزع
 میگردد و شاخهای درونی بجانب شواک اوج شده زیرین جلد عنقی و شاخهای برونی و عضلات جنبین عنقی متفرق میشوند

[illegible]

سوم و چهارم و پنجم و ششم و هفتم و هشتم و نهم و دهم و یازدهم و پانزدهم و شانزدهم و هیجدهم و بیستم و یکمین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و زود هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که عصباب الصد نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی تخمین میکنند این اعصاب الحلق را هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از این عظم القصد و فقره اول عنق می برآید و زوج هشتم از مابین
آخر فقره عنق و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبیین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصنانه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیرها آورده که زوج اول در عضلات
راس پراکنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثابت نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضلهای عریضه کتفی می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده در عضلات اذنین میرسد و شاخ دوم بعضیهای عریضه
کتفی می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که از این شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سباتی متداخلة و بحجاب حاجز رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل فائز گشته بسوی سناسن برآمده و شعبهای آن بسوی عضل مشترکه میان
سر و گردن میرود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل نشکسه
راس و عضل مشترکه سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتفی می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبهای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبهادر یکدیگر شدیدا اختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و از ان جا تجاوز نکرده و بعضی از ان بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعض رسیده و از ان جا تجاوز نکرده و بعضی از ان بعضیات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجمله ساعد آمده با عصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دیگر کلان ترست سپس از برآمدن از سو را خواب و
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم میشود و شاخهای مؤخر از مابین جهته فقرات پسین گذشته برونی و برونی و دو شاخها متنوع
میگردند و شاخهای درونی بجانب شواک رج شده زیرین جلد عنق و شاخهای برونی در عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

[illegible]

[illegible]

سوم و چهارم و پنجم و ششم و هفتم و هشتم و نهم و دهم و یازدهم و پانزدهم و شانزدهم و هیجدهم و بیستم و یکمین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و زود هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که عصب الصد نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی تخمین میکنند این اعصاب الحلق را هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از این عظم القصد و فقره اول عنق می برآید و زوج هشتم از این
آخر فقره عنق و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبیین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصنانه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیره آورده که زوج اول و عضلات
راس پرانگنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده حس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتفی می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده در عضلات اذنین میرسد و شاخ دوم بعضیهای عریضه
کتفی می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که از این شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سباتی ممتد گشته و بحجاب حاجز رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل فائز گشته بسوی سانس برآمده و شعبهای آن بسوی عضل مشترکه میان
سر و گردن میرود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل نشکسه
راس و عضل مشترکه سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتفی می آید و پارچه از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبهای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبها در یکدیگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و از ان جا تجاوز نکرده و بعضی از ان بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعض رسیده و از ان جا تجاوز نکرده و بعضی از ان بعضیات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجمله ساعد آمده با عصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دیگر کلان ترست سپس از برآمدن از سو را خواب و
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم میشود و شاخهای مؤخر از این جهت فقرات پسین گذشته برونی و برونی و دو شاخها متوزع
میگردند و شاخهای درونی بجانب شواک رج شده زیرین جلد عنق و شاخهای برونی در عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

سه زوج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطباء یونان سی و یک جفت اند
و نزد مشرین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که اعصاب الصدر نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی شش جفت اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از مابین عظم القفوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
آخر فقره عنقی و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبستین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصناعه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیره آورده که زوج اول و عضلات
راس پراکنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتف می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده و در عضلات ازین می رسد و شاخ دوم بعضله ای عریضه
کتف می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سیاتی متدگشته و بحجاب حاذر رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل غائر گشته بسوی سانس برآمده و شعبه ای آن بسوی عضل مشترک میان
سر و گردن می رود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل منکسه
راس و عضل مشترک سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتف می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبه ای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ای در یکدگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و ازان جا تجاوز نکرده و بعضی ازان بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعضد رسیده و ازان جا تجاوز نکرده و بعضی ازان بعضلات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجلد ساعد آمده باعصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دگر کلان ترست و پس از برآمدن از سوراخ جاذبه
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم شود و شاخهای مؤخر از مابین اجنحه فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخهای متوزع
میگرد و شاخهای درونی بجانب شواک اوج شده زیرین جلد عنق و شاخهای برونی و عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

سه زوج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطباء یونان سی و یک جفت اند
و نزد مشرین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که اعصاب الصدر نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی شش جفت اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از مابین عظم القفوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
آخر فقره عنقی و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبستین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصناعه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیره آورده که زوج اول و عضلات
راس پراکنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتف می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده و در عضلات ازین می رسد و شاخ دوم بعضله ای عریضه
کتف می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سیاتی متدگشته و بحجاب حاذر رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل غائر گشته بسوی سانس برآمده و شعبه ای آن بسوی عضل مشترک میان
سر و گردن می رود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل منکسه
راس و عضل مشترک سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتف می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبه ای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ای در یکدگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و ازان جا تجاوز نکرده و بعضی ازان بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعضد رسیده و ازان جا تجاوز نکرده و بعضی ازان بعضلات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجلد ساعد آمده باعصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دگر کلان ترست و پس از برآمدن از سوراخ جاذبه
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم شود و شاخهای مؤخر از مابین اجنحه فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخهای متوزع
میگرد و شاخهای درونی بجانب شواک اوج شده زیرین جلد عنق و شاخهای برونی و عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

سه زوج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطباء یونان سی و یک جفت اند
و نزد مشرین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که اعصاب الصدر نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی شش جفت اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از مابین عظم القفوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
آخر فقره عنقی و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبستین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصناعه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیره آورده که زوج اول و عضلات
راس پراکنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتف می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده و در عضلات ازین می رسد و شاخ دوم بعضله ای عریضه
کتف می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سیاتی متدگشته و بحجاب حاذر رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل غائر گشته بسوی سانس برآمده و شعبه ای آن بسوی عضل مشترک میان
سر و گردن می رود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل منکسه
راس و عضل مشترک سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتف می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبه ای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ای در یکدگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و ازان جا تجاوز نموده و بعضی ازان بر مرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعضد رسیده و ازان جا تجاوز نموده و بعضی ازان بعضلات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجمله ساعد آمده باعصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دگر کلان ترست و پس از برآمدن از سوراخ جابد
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم شود و شاخهای مؤخر از مابین اجنحه فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخهای متوزع
میگرد و شاخهای درونی بجانب شواک اوج شده زیرین جلد عنق و شاخهای برونی و عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

سه زوج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطباء یونان سی و یک جفت اند
و نزد مشرین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که اعصاب الصدر نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی شش جفت اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از مابین عظم القفوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
آخر فقره عنقی و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبستین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصناعه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیره آورده که زوج اول و عضلات
راس پراکنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتف می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده و عضلات ازین می رسد و شاخ دوم بعضله ای عریضه
کتف می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سیاتی متگشته و بحجاب حاذر رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل غائر گشته بسوی سانس برآمده و شعبه ای آن بسوی عضل مشترک میان
سر و گردن می رود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل منکسه
راس و عضل مشترک سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتف می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبه ای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ای در یکدگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و ازان جا تجاوز نموده و بعضی ازان بر مرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعضد رسیده و ازان جا تجاوز نموده و بعضی ازان بعضلات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجمله ساعد آمده با اعصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دگر کلان ترست و پس از برآمدن از سوراخ جاذبه
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم شود و شاخهای مؤخر از مابین اجنحه فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخهای متوزع
میگرد و شاخهای درونی بجانب شواک اوج شده زیرین جلد عنق و شاخهای برونی و عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

[illegible]

سه زوج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطباء یونان سی و یک جفت اند
و نزد مشرین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که اعصاب الصدر نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی شش جفت اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از مابین عظم القفوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
آخر فقره عنقی و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبستین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصناعه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیره آورده که زوج اول و عضلات
راس پراکنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتف می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده و در عضلات ازین می رسد و شاخ دوم بعضله ای عریضه
کتف می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سیاتی متگشته و بحجاب حاجر رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل غائر گشته بسوی سانس برآمده و شعبه ای آن بسوی عضل مشترک میان
سر و گردن می رود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل متکسسه
راس و عضل مشترک سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتف می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبه ای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ای در یکدگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعضد رسیده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بعضلات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجلد ساعد آمده باعصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دگر کلان ترست و پس از برآمدن از سوراخ جابد
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم شود و شاخهای مؤخر از مابین اجنحه فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخهای متوزع
میگرد و شاخهای درونی بجانب شواک اوج شده زیرین جلد عنق و شاخهای برونی و عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

سه زوج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطباء یونان سی و یک جفت اند
و نزد مشرین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که اعصاب الصدر نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی شش جفت اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از مابین عظم القحوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
آخر فقره عنقی و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبستین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصناعه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیره آورده که زوج اول و عضلات
راس پراکنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتف می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده و در عضلات ازین می رسد و شاخ دوم بعضله ای عریضه
کتف می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سیاتی متگشته و بحجاب حاذر رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل غائر گشته بسوی سانس برآمده و شعبه ای آن بسوی عضل مشترک میان
سر و گردن می رود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل منکسه
راس و عضل مشترک سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتف می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبه ای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ای در یکدگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعضد رسیده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بعضلات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجلد ساعد آمده باعصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دگر کلان ترست و پس از برآمدن از سوراخ جاذبه
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم شود و شاخهای مؤخر از مابین اجنحه فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخهای متوزع
میگرد و شاخهای درونی بجانب شواک اوج شده زیرین جلد عنق و شاخهای برونی و عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

سه زوج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطباء یونان سی و یک جفت اند
و نزد مشرین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که اعصاب الصدر نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی شش جفت اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از مابین عظم القفوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
آخر فقره عنقی و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبستین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصناعه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیره آورده که زوج اول و عضلات
راس پراکنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضلهای عریضه کتفی دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنقی بسوی هر دو گوش آمده و در عضلات ازین می رسد و شاخ دوم بعضلهای عریضه
کتفی می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سیاتی متدگشته و بحجاب حاذر رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل غائر گشته بسوی سانس برآمده و شعبهای آن بسوی عضل مشترک میان
سر و گردن می رود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل منکسه
راس و عضل مشترک سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتفی می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبهای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبها در یکدگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعضد رسیده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بعضلات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجلد ساعد آمده باعصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دگر کلان ترست و پس از برآمدن از سوراخا بدو
دو فروغ مقدم و مؤخر منقسم شود و شاخهای مؤخر از مابین اجنحه فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخها متنوع
میگرد و شاخهای درونی بجانب شواک ارج شده زیرین جلد عنقی و شاخهای برونی و عضلات جنبین عنقی متفرق میشوند

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

سوم و چهارم و پنجم و ششم و هفتم و هشتم و نهم و دهم و یازدهم و پانزدهم و شانزدهم و هیجدهم و بیستم و یکمین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فریق بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که عصباب الصد نیز گویند
و پنج زوج عصباب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی منتهین به عصباب الحلق اینست هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از این عظم القهوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
آخر فقره عنق و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبیین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصنانه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیرها آورده که زوج اول در عضلات
راس پراکنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده حس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضلهای عریضه کتفی می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده در عضلات اذنین میرسد و شاخ دوم بعضیهای عریضه
کتفی می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که از این شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سباتی متداخلة و بحجاب حاجز رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عنق عضل فائز گشته بسوی سناسن برآمده و شعبهای آن بسوی عضل مشترکه میان
سر و گردن میرود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل نشکسه
راس و عضل مشترکه سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتفی می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبهای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبهادر یکدیگر شدیدا اختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و از ان جا تجاوز نکرده و بعضی از ان بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعض رسیده و از ان جا تجاوز نکرده و بعضی از ان بعضیات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجمله ساعد آمده با عصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دیگر کلان ترست سپس از برآمدن از سور اخا بدو
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم میشود و شاخهای مؤخر از مابین جهته فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخهای مؤخر
میگردند و شاخهای درونی بجانب شواک رج شده زیرین جلد عنق و شاخهای برونی در عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

سه زوج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطباء یونان سی و یک جفت اند
و نزد مشرین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که اعصاب الصدر نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی شش جفت اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از مابین عظم القفوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
آخر فقره عنقی و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصناعه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیره آورده که زوج اول و عضلات
راس پراکنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتف می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده و در عضلات ازین می رسد و شاخ دوم بعضله ای عریضه
کتف می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سیاتی متگشته و بحجاب حاذر رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل غائر گشته بسوی سانس برآمده و شعبه ای آن بسوی عضل مشترک میان
سر و گردن می رود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل منکسه
راس و عضل مشترک سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتف می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبه ای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ای در یکدگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعضد رسیده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بعضلات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجلد ساعد آمده با اعصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دگر کلان ترست و پس از برآمدن از سوراخ جاذبه
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم شود و شاخهای مؤخر از مابین اجنحه فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخهای متوزع
میگرد و شاخهای درونی بجانب شواک اوج شده زیرین جلد عنق و شاخهای برونی و عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

سه زوج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطباء یونان سی و یک جفت اند
و نزد مشرین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که اعصاب الصدر نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی شش جفت اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از مابین عظم القفوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
آخر فقره عنقی و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصناعه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیره آورده که زوج اول و عضلات
راس پراکنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتف می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده و در عضلات ازین می رسد و شاخ دوم بعضله ای عریضه
کتف می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سیاتی متگشته و بحجاب حاذر رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل غائر گشته بسوی سانس برآمده و شعبه ای آن بسوی عضل مشترک میان
سر و گردن می رود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل منکسه
راس و عضل مشترک سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتف می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبه ای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ای در یکدگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعضد رسیده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بعضلات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجلد ساعد آمده با اعصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دگر کلان ترست و پس از برآمدن از سوراخ جاذبه
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم شود و شاخهای مؤخر از مابین اجنحه فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخهای متوزع
میگرد و شاخهای درونی بجانب شواک اوج شده زیرین جلد عنق و شاخهای برونی و عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

سه زوج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطباء یونان سی و یک جفت اند
و نزد مشرین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که اعصاب الصدر نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی شش جفت اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از مابین عظم القفوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
آخر فقره عنقی و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصناعه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیره آورده که زوج اول و عضلات
راس پراکنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتف می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده و در عضلات ازین می رسد و شاخ دوم بعضله ای عریضه
کتف می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سیاتی متگشته و بحجاب حاذر رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل غائر گشته بسوی سانس برآمده و شعبه ای آن بسوی عضل مشترک میان
سر و گردن می رود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل منکسه
راس و عضل مشترک سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتف می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبه ای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ای در یکدگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعضد رسیده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بعضلات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجلد ساعد آمده باعصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دگر کلان ترست و پس از برآمدن از سوراخ جاذبه
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم شود و شاخهای مؤخر از مابین اجنحه فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخهای متوزع
میگرد و شاخهای درونی بجانب شواک اوج شده زیرین جلد عنق و شاخهای برونی و عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

سه زوج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطباء یونان سی و یک جفت اند
و نزد مشرین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که اعصاب الصدر نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی شش جفت اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از مابین عظم القحوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
آخر فقره عنقی و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصناعه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیره آورده که زوج اول و عضلات
راس پراکنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتفی دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنقی بسوی هر دو گوش آمده و عضلات ازین می رسد و شاخ دوم بعضله ای عریضه
کتفی می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سیاتی متگشته و بحجاب حاذر رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل غائر گشته بسوی سانس برآمده و شعبه ای آن بسوی عضل مشترک میان
سر و گردن می رود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل منکسه
راس و عضل مشترک سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتفی می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبه ای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ای در یکدگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و ازان جا تجاوز نموده و بعضی ازان بر مرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعضد رسیده و ازان جا تجاوز نموده و بعضی ازان بعضلات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجلد ساعد آمده باعصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دگر کلان ترست و پس از برآمدن از سوراخ جابد
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم شود و شاخهای مؤخر از مابین اجنحه فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخهای متوزع
میگرد و شاخهای درونی بجانب شواک اوج شده زیرین جلد عنقی و شاخهای برونی و عضلات جنبین عنقی متفرق میشوند

سه زوج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطباء یونان سی و یک جفت اند
و نزد مشرین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که اعصاب الصدر نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی شش جفت اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از مابین عظم القفوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
آخر فقره عنقی و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصناعه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیره آورده که زوج اول و عضلات
راس پراکنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتف می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده و در عضلات ازین می رسد و شاخ دوم بعضله ای عریضه
کتف می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سیاتی متگشته و بحجاب حاذر رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل غائر گشته بسوی سانس برآمده و شعبه ای آن بسوی عضل مشترک میان
سر و گردن می رود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل منکسه
راس و عضل مشترک سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتف می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبه ای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ای در یکدگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعضد رسیده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بعضلات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجلد ساعد آمده باعصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دگر کلان ترست و پس از برآمدن از سوراخ جاذبه
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم شود و شاخهای مؤخر از مابین اجنحه فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخهای متوزع
میگرد و شاخهای درونی بجانب شواک اوج شده زیرین جلد عنق و شاخهای برونی و عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

[illegible]

سوم و چهارم و پنجم و ششم و هفتم و هشتم و نهم و دهم و یازدهم و پانزدهم و شانزدهم و هیجدهم و بیستم و یکمین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و زود هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که عصب الصد نیز گویند
و پنج زوج عصب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی تخمین میکنند اینها را هشتاد و سه زوج است اما بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از این عظم القصد و فقره اول عنق می برآید و زوج هشتم از این
آخر فقره عنق و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبیین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصنانه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیر ما آورده که زوج اول و عضلات
راس پرانگنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده حس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتفی می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده در عضلات ازین می رسد و شاخ دوم بعضی های عریضه
کتفی می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سباتی ممتد گشته و بحجاب حاجز رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل فائز گشته بسوی سانس برآمده و شعبهای آن بسوی عضل مشترکه میان
سر و گردن می رود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل نشکسه
راس و عضل مشترکه سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتفی می آید و پارچه از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبهای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ها در یکدیگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و ازان جا تجاوز نکرده و بعضی ازان بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعض رسیده و ازان جا تجاوز نکرده و بعضی ازان بعضیات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجمله ساعد آمده با عصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دیگر کلان ترست سپس از برآمدن از سو را خواب و
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم میشود و شاخهای مؤخر از این جهت فقرات پسین گذشته برونی و برونی و دو شاخها متوزع
میگردند و شاخهای درونی بجانب شواک رج شده زیرین جلد عنق و شاخهای برونی در عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

سه زوج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطباء یونان سی و یک جفت اند
و نزد مشرین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که اعصاب الصدر نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی شش جفت اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از مابین عظم القحوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
آخر فقره عنقی و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصناعه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیره آورده که زوج اول و عضلات
راس پراکنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتفی دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنقی بسوی هر دو گوش آمده و در عضلات ازین می رسد و شاخ دوم بعضله ای عریضه
کتفی می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سیاتی متگشته و بحجاب حاذر رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل غائر گشته بسوی سانس برآمده و شعبه ای آن بسوی عضل مشترک میان
سر و گردن می رود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل منکسه
راس و عضل مشترک سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتفی می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبه ای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ای در یکدگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعضد رسیده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بعضلات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجلد ساعد آمده باعصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دگر کلان ترست و پس از برآمدن از سوراخ پدید
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم شود و شاخهای مؤخر از مابین اجنحه فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخهای متوزع
میگرد و شاخهای درونی بجانب شواک اوج شده زیرین جلد عنقی و شاخهای برونی و عضلات جنبین عنقی متفرق میشوند

سه زوج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطباء یونان سی و یک جفت اند
و نزد مشرین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که اعصاب الصدر نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی شش جفت اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از مابین عظم القحوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
آخر فقره عنقی و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصناعه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیره آورده که زوج اول و عضلات
راس پرانگنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتف می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده و عضلات ازین می رسد و شاخ دوم بعضله ای عریضه
کتف می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سیاتی متگشته و بحجاب حاجر رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل غائر گشته بسوی سانس برآمده و شعبه ای آن بسوی عضل مشترک میان
سر و گردن می رود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل متکسسه
راس و عضل مشترک سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتف می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبه ای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ای در یکدگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعضد رسیده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بعضلات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجلد ساعد آمده باعصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دگر کلان ترست و پس از برآمدن از سوراخ جابد
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم شود و شاخهای مؤخر از مابین اجنحه فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخهای متوزع
میگرد و شاخهای درونی بجانب شواک اوج شده زیرین جلد عنق و شاخهای برونی و عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

سه زوج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطباء یونان سی و یک جفت اند
و نزد مشرین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که اعصاب الصدر نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی شش جفت اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از مابین عظم القحوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
آخر فقره عنق و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصناعه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیره آورده که زوج اول و عضلات
راس پرانگنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتف می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده و در عضلات ازین می رسد و شاخ دوم بعضی عریضه
کتف می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سیاتی متگشته و بحجاب عاجز رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل غائر گشته بسوی سانس برآمده و شعبه ای آن بسوی عضل مشترک میان
سر و گردن می رود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل منکسه
راس و عضل مشترک سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتف می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبه ای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ای در یکدگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعضد رسیده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بعضی سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجلد ساعد آمده باعصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دگر کلان ترست و پس از برآمدن از سوراخ جابد
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم شود و شاخهای مؤخر از مابین اجنحه فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخهای متوزع
میگرد و شاخهای درونی بجانب شواک اوج شده زیرین جلد عنق و شاخهای برونی و عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

سه زوج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطباء یونان سی و یک جفت اند
و نزد مشرین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که اعصاب الصدر نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی شش جفت اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از مابین عظم القحوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
آخر فقره عنق و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصناعه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیره آورده که زوج اول و عضلات
راس پرانگنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتف می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده و عضلات ازین می رسد و شاخ دوم بعضله ای عریضه
کتف می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سیاتی متگشته و بحجاب حاذر رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل غائر گشته بسوی سانس برآمده و شعبه ای آن بسوی عضل مشترک میان
سر و گردن می رود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل منکسه
راس و عضل مشترک سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتف می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبه ای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ای در یکدگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعضد رسیده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بعضلات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجلد ساعد آمده باعصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دگر کلان ترست و پس از برآمدن از سوراخ جابد
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم شود و شاخهای مؤخر از مابین اجنحه فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخهای متوزع
میگرد و شاخهای درونی بجانب شواک اوج شده زیرین جلد عنق و شاخهای برونی و عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

[illegible]

[illegible]

سه زوج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطباء یونان سی و یک جفت اند
و نزد مشرین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که اعصاب الصدر نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی شش جفت اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از مابین عظم القفوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
آخر فقره عنقی و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبستین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصناعه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیره آورده که زوج اول و عضلات
راس پراکنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضلهای عریضه کتفی دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنقی بسوی هر دو گوش آمده و عضلات ازین می رسد و شاخ دوم بعضلهای عریضه
کتفی می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سیاتی متگشته و بحجاب حاذر رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل غائر گشته بسوی سانس برآمده و شعبهای آن بسوی عضل مشترک میان
سر و گردن می رود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل منکسه
راس و عضل مشترک سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتفی می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبهای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبها در یکدگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعضد رسیده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بعضلات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجلد ساعد آمده باعصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دگر کلان ترست و پس از برآمدن از سوراخا بدو
دو فروغ مقدم و مؤخر منقسم شود و شاخهای مؤخر از مابین اجنحه فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخها متنوع
میگرد و شاخهای درونی بجانب شواک ارج شده زیرین جلد عنقی و شاخهای برونی و عضلات جنبین عنقی متفرق میشوند

سه زوج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطباء یونان سی و یک جفت اند
و نزد مشرین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که اعصاب الصدر نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی شش جفت اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از مابین عظم القفوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
آخر فقره عنقی و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبستین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصناعه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیره آورده که زوج اول و عضلات
راس پراکنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتفی دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنقی بسوی هر دو گوش آمده و در عضلات ازین می رسد و شاخ دوم بعضله ای عریضه
کتفی می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سیاتی متدگشته و بحجاب حاذر رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل غائر گشته بسوی سانس برآمده و شعبه ای آن بسوی عضل مشترک میان
سر و گردن می رود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل منکسه
راس و عضل مشترک سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتفی می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبه ای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ای در یکدگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعض رسیده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بعضلات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجلد ساعد آمده باعصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دگر کلان ترست و پس از برآمدن از سوراخ جابد
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم شود و شاخهای مؤخر از مابین اجنحه فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخها متنوع
میگرد و شاخهای درونی بجانب شواک ارج شده زیرین جلد عنقی و شاخهای برونی و عضلات جنبین عنقی متفرق میشوند

سه زوج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطباء یونان سی و یک جفت اند
و نزد مشرین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که اعصاب الصد نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی شش جفت اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از مابین عظم القحوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
آخر فقره عنقی و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصناعه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیره آورده که زوج اول و عضلات
راس پراکنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتف می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده و در عضلات ازین می رسد و شاخ دوم بعضله ای عریضه
کتف می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سیاتی متگشته و بحجاب حاذر رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل غائر گشته بسوی سانس برآمده و شعبه ای آن بسوی عضل مشترک میان
سر و گردن می رود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل منکسه
راس و عضل مشترک سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتف می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبه ای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ای در یکدگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعضد رسیده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بعضلات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجلد ساعد آمده باعصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دگر کلان ترست و پس از برآمدن از سوراخ جابد
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم شود و شاخهای مؤخر از مابین اجنحه فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخهای متوزع
میگرد و شاخهای درونی بجانب شواک اوج شده زیرین جلد عنق و شاخهای برونی و عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

سوم و چهارم و پنجم و ششم و هفتم و هشتم و نهم و دهم و یازدهم و پانزدهم و شانزدهم و هیجدهم و بیستم و یکمین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و زود هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که عصب الصد نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی تخمین میکنند این اعصاب الحلق را هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از این عظم القصد و فقره اول عنق می برآید و زوج هشتم از این
آخر فقره عنق و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبیین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصنانه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیرها آورده که زوج اول و عضلات
راس پرانگنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتفی می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده در عضلات اذنین میرسد و شاخ دوم بعضیهای عریضه
کتفی می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که از این شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سباتی ممتد گشته و بحجاب حاجز رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل فائز گشته بسوی سناسن برآمده و شعبهای آن بسوی عضل مشترکه میان
سر و گردن میرود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل نشکسه
راس و عضل مشترکه سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتفی می آید و پارچه از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبهای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ها در یکدیگر رشید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و ازان جا تجاوز نکرده و بعضی ازان بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعض رسیده و ازان جا تجاوز نکرده و بعضی ازان بعضیات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجمله ساعد آمده با عصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دیگر کلان ترست سپس از برآمدن از سو را خوابد و
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم میشود و شاخهای مؤخر از این جهت فقرات پسین گذشته برونی و برونی و دو شاخها متوزع
میگردند و شاخهای درونی بجانب شواک رج شده زیرین جلد عنق و شاخهای برونی در عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

[illegible]

سوم و چهارم و پنجم و ششم و هفتم و هشتم و نهم و دهم و یازدهم و پانزدهم و شانزدهم و هیجدهم و بیستم و یکمین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و زود هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که عصب الصد نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی تخمین میکنند این اعصاب الحلق را هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از این عظم القصد و فقره اول عنق می برآید و زوج هشتم از این
آخر فقره عنق و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبیین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصنانه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیرها آورده که زوج اول و عضلات
راس پرانگنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثابت نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتفی می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده در عضلات اذنین میرسد و شاخ دوم بعضیهای عریضه
کتفی می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که از این شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سباتی ممتد گشته و بحجاب حاجز رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل فائز گشته بسوی سانس برآمده و شعبهای آن بسوی عضل مشترکه میان
سر و گردن میرود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل نشکسه
راس و عضل مشترکه سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتفی می آید و پارچه از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبهای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ها در یکدیگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و از ان جا تجاوز نکرده و بعضی از ان بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعض رسیده و از ان جا تجاوز نکرده و بعضی از ان بعضیات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجمله ساعد آمده با عصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دیگر کلان ترست سپس از برآمدن از سو را خوابد و
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم میشود و شاخهای مؤخر از این جهت فقرات پسین گذشته برونی و برونی و دو شاخها متوزع
میگردند و شاخهای درونی بجانب شواک رج شده زیرین جلد عنق و شاخهای برونی در عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

سوم و چهارم و پنجم و ششم و هفتم و هشتم و نهم و دهم و یازدهم و پانزدهم و شانزدهم و هیجدهم و بیستم و یکمین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فریق بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که عصباب الصد نیز گویند
و پنج زوج عصباب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی منتهی به عصباب الحلق اینست هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از این عظم القهوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
آخر فقره عنق و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبیین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصنانه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیرها آورده که زوج اول در عضلات
راس پراکنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده حس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضلهای عریضه کتفی می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده در عضلات اذنین میرسد و شاخ دوم بعضیهای عریضه
کتفی می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سباتی متداخلة و بحجاب حاجز رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عنق عضل فائز گشته بسوی سانس برآمده و شعبهای آن بسوی عضل مشترکه میان
سر و گردن میرود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل نشکسه
راس و عضل مشترکه سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتفی می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبهای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبهادر یکدیگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و ازان جا تجاوز نکرده و بعضی ازان بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعض رسیده و ازان جا تجاوز نکرده و بعضی ازان بعضیات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و با شعبه
خامس صاحب شده و زوج نهم بجلد ساعد آمده با عصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دیگر کلان ترست سپس از برآمدن از سور اخا بدو
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم میشود و شاخهای مؤخر از مابین جهنجه فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخهای مؤخر
میگردند و شاخهای درونی بجانب شواک رج شده زیرین جلد عنق و شاخهای برونی در عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

سوم و چهارم و پنجم و ششم و هفتم و هشتم و نهم و دهم و یازدهم و پانزدهم و شانزدهم و هیجدهم و بیستم و یکمین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و زود هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که عصب الصد نیز گویند
و پنج زوج عصب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی تخمین میکنند این اعصاب الحلق را هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از این عظم القصد و فقره اول عنق می برآید و زوج هشتم از این
آخر فقره عنق و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبیین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصنانه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیرها آورده که زوج اول و عضلات
راس پرانگنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثابت نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتفی می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده در عضلات ازین میرسد و شاخ دوم بعضیهای عریضه
کتفی می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سباتی ممتد گشته و بحجاب حاجز رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل فائز گشته بسوی سانس برآمده و شعبهای آن بسوی عضل مشترکه میان
سر و گردن میرود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل نشکسه
راس و عضل مشترکه سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتفی می آید و پارچه از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبهای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ها در یکدیگر رشید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و ازان جا تجاوز نکرده و بعضی ازان بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعض رسیده و ازان جا تجاوز نکرده و بعضی ازان بعضیات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجمله ساعد آمده با عصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دیگر کلان ترست سپس از برآمدن از سو را خواب و
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم میشود و شاخهای مؤخر از این جهت فقرات پسین گذشته برونی و برونی و دو شاخها متوزع
میگردند و شاخهای درونی بجانب شو اک رج شده زیرین جلد عنق و شاخهای برونی در عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

سه زوج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطباء یونان سی و یک جفت اند
و نزد مشرین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که اعصاب الصدر نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی شش جفت اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از مابین عظم القحوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
آخر فقره عنقی و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصناعه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیره آورده که زوج اول و عضلات
راس پراکنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتف می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده و عضلات ازین می رسد و شاخ دوم بعضله ای عریضه
کتف می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سیاتی متگشته و بحجاب حاجر رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل غائر گشته بسوی سانس برآمده و شعبه ای آن بسوی عضل مشترک میان
سر و گردن می رود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل متکسسه
راس و عضل مشترک سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتف می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبه ای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ای در یکدگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعضد رسیده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بعضلات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجلد ساعد آمده باعصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دگر کلان ترست و پس از برآمدن از سوراخ جابد
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم شود و شاخهای مؤخر از مابین اجنحه فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخها متنوع
میگرد و شاخهای درونی بجانب شواک اوج شده زیرین جلد عنق و شاخهای برونی و عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

سه زوج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطباء یونان سی و یک جفت اند
و نزد مشرین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که اعصاب الصد نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی شش جفت اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از مابین عظم القحوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
آخر فقره عنقی و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصناعه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیره آورده که زوج اول و عضلات
راس پراکنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتف می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده و عضلات ازین می رسد و شاخ دوم بعضله ای عریضه
کتف می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سیاتی متگشته و بحجاب حاجر رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل غائر گشته بسوی سانس برآمده و شعبه ای آن بسوی عضل مشترک میان
سر و گردن می رود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل منکسه
راس و عضل مشترک سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتف می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبه ای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ای در یکدگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعضد رسیده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بعضلات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجلد ساعد آمده باعصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دگر کلان ترست و پس از برآمدن از سوراخ جابد
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم شود و شاخهای مؤخر از مابین اجنحه فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخها متنوع
میگرد و شاخهای درونی بجانب شواک اوج شده زیرین جلد عنق و شاخهای برونی و عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

سوم و چهارم و پنجم و ششم و هفتم و هشتم و نهم و دهم و یازدهم و پانزدهم و شانزدهم و هیجدهم و بیستم و یکمین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و زود هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که عصب الصد نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی تخمین میکنند این اعصاب الحلق را هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از این عظم القصد و فقره اول عنق می برآید و زوج هشتم از این
آخر فقره عنق و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبیین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصنانه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیر ما آورده که زوج اول و عضلات
راس پرانگنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثابت نموده حس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتفی می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده در عضلات اذنین میرسد و شاخ دوم بعضیهای عریضه
کتفی می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که از این شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سباتی ممتد گشته و بحجاب حاجز رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل فائز گشته بسوی سناسن برآمده و شعبهای آن بسوی عضل مشترکه میان
سر و گردن میرود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل نشکسه
راس و عضل مشترکه سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتفی می آید و پارچه از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبهای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبها در یکدیگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و ازان جا تجاوز نکرده و بعضی ازان بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعض رسیده و ازان جا تجاوز نکرده و بعضی ازان بعضیات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج نهم بجله ساعد آمده با عصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دیگر کلان ترست سپس از برآمدن از سو را خوابد و
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم میشود و شاخهای مؤخر از این جهت فقرات پسین گذشته برونی و برونی و دو شاخها متوزع
میگردند و شاخهای درونی بجانب شواک رج شده زیرین جلد عنق و شاخهای برونی در عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

[illegible]

سه زوج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطباء یونان سی و یک جفت اند
و نزد مشرین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که اعصاب الصدر نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی شش جفت اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از مابین عظم القفوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
آخر فقره عنقی و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصناعه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیره آورده که زوج اول و عضلات
راس پراکنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتفی می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنقی بسوی هر دو گوش آمده و عضلات ازین می رسد و شاخ دوم بعضله ای عریضه
کتفی می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سیاتی متگشته و بحجاب حاذر رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل غائر گشته بسوی سانس برآمده و شعبه ای آن بسوی عضل مشترک میان
سر و گردن می رود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل منکسه
راس و عضل مشترک سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتفی می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبه ای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ای در یکدگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و ازان جا تجاوز نکرده و بعضی ازان بر مرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعضد رسیده و ازان جا تجاوز نکرده و بعضی ازان بعضلات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجلد ساعد آمده باعصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دگر کلان ترست و پس از برآمدن از سوراخ جابد
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم شود و شاخهای مؤخر از مابین اجنحه فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخهای متوزع
میگرد و شاخهای درونی بجانب شواک اوج شده زیرین جلد عنقی و شاخهای برونی و عضلات جنبین عنقی متفرق میشوند

[illegible]

سه زوج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطباء یونان سی و یک جفت اند
و نزد مشرین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که اعصاب الصدر نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی شش جفت اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از مابین عظم القفوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
آخر فقره عنقی و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصناعه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیره آورده که زوج اول و عضلات
راس پراکنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتف می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده و عضلات ازین می رسد و شاخ دوم بعضله ای عریضه
کتف می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سیاتی متگشته و بحجاب حاذر رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل غائر گشته بسوی سانس برآمده و شعبه ای آن بسوی عضل مشترک میان
سر و گردن می رود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل منکسه
راس و عضل مشترک سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتف می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبه ای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ای در یکدگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعضد رسیده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بعضلات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجلد ساعد آمده باعصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دگر کلان ترست و پس از برآمدن از سوراخ پدید
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم شود و شاخهای مؤخر از مابین اجنحه فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخهای متوزع
میگرد و شاخهای درونی بجانب شواک ارج شده زیرین جلد عنق و شاخهای برونی و عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

[illegible]

سوم و چهارم و پنجم و ششم و هفتم و هشتم و نهم و دهم و یازدهم و پانزدهم و شانزدهم و هیجدهم و بیستم و یکمین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و زود هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که عصب الصد نیز گویند
و پنج زوج عصب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی تخمین میکنند اینها را با اتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از این عظم القصد و فقره اول عنق می برآید و زوج هشتم از این
آخر فقره عنق و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبیین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصنانه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیر ما آورده که زوج اول و عضلات
راس پرانگنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده حس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتفی می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده در عضلات ازین می رسد و شاخ دوم بعضی های عریضه
کتفی می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سباتی ممتد گشته و بحجاب حاجز رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل فائز گشته بسوی سانس برآمده و شعبهای آن بسوی عضل مشترکه میان
سر و گردن می رود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل نشکسه
راس و عضل مشترکه سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتفی می آید و پارچه از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبهای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ها در یکدیگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و ازان جا تجاوز نکرده و بعضی ازان بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعض رسیده و ازان جا تجاوز نکرده و بعضی ازان بعضیات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجمله ساعد آمده با عصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دیگر کلان ترست سپس از برآمدن از سو را خواب و
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم میشود و شاخهای مؤخر از این جهت فقرات پسین گذشته برونی و برونی و دو شاخها متوزع
میگردند و شاخهای درونی بجانب شواک رج شده زیرین جلد عنق و شاخهای برونی در عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

سه زوج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطباء یونان سی و یک جفت اند
و نزد مشرین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که اعصاب الصدر نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی شش جفت اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از مابین عظم القفوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
آخر فقره عنقی و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقیبیین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصناعه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیره آورده که زوج اول و عضلات
راس پراکنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتفی می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده و در عضلات ازین می رسد و شاخ دوم بعضله ای عریضه
کتفی می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سیاتی متدگشته و بحجاب حاجر رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل غائر گشته بسوی سانس برآمده و شعبه ای آن بسوی عضل مشترک میان
سر و گردن می رود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل منکسه
راس و عضل مشترک سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتفی می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبه ای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ای در یکدگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و ازان جا تجاوز نموده و بعضی ازان بر مرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعضد رسیده و ازان جا تجاوز نموده و بعضی ازان بعضلات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجلد ساعد آمده باعصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دگر کلان ترست و پس از برآمدن از سوراخ جابد
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم شود و شاخهای مؤخر از مابین اجنحه فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخهای متوزع
میگرد و شاخهای درونی بجانب شواک اوج شده زیرین جلد عنق و شاخهای برونی و عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

سوم و چهارم و پنجم و ششم و هفتم و هشتم و نهم و دهم و یازدهم و پانزدهم و شانزدهم و هیجدهم و بیستم و یکمین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فریق بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که عصباب الصد نیز گویند
و پنج زوج عصباب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی منتهین به عصباب الحلق اینست هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از این عظم القهوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
آخر فقره عنق و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبیین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصنانه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیرها آورده که زوج اول و عضلات
راس پرانگنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده حس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضلهای عریضه کتفی می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده در عضلات اذنین میرسد و شاخ دوم بعضیهای عریضه
کتفی می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سباتی متداخلة و بحجاب حاجز رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل فائز گشته بسوی سانس برآمده و شعبهای آن بسوی عضل مشترکه میان
سر و گردن میرود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل نشکسه
راس و عضل مشترکه سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتفی می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبهای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبهادر یکدیگر شدیدا اختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و ازان جا تجاوز نکرده و بعضی ازان بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعض رسیده و ازان جا تجاوز نکرده و بعضی ازان بعضیات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجمله ساعد آمده با عصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دیگر کلان ترست سپس از برآمدن از سو را خواب و
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم میشود و شاخهای مؤخر از مابین جهته فقرات پسین گذشته برونی و برونی و دو شاخها متنوع
میگردند و شاخهای درونی بجانب شواک رج شده زیرین جلد عنق و شاخهای برونی در عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

[illegible]

سه زوج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطباء یونان سی و یک جفت اند
و نزد مشرین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که اعصاب الصد نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی شش جفت اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از مابین عظم القحوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
آخر فقره عنقی و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصناعه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیره آورده که زوج اول و عضلات
راس پراکنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتف می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده و در عضلات ازین می رسد و شاخ دوم بعضله ای عریضه
کتف می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سیاتی متگشته و بحجاب حاجر رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل غائر گشته بسوی سانس برآمده و شعبه ای آن بسوی عضل مشترک میان
سر و گردن می رود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل متکسسه
راس و عضل مشترک سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتف می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبه ای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ای در یکدگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعضد رسیده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بعضلات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجلد ساعد آمده باعصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دگر کلان ترست و پس از برآمدن از سوراخ جابد
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم شود و شاخهای مؤخر از مابین اجنحه فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخهای متوزع
میگرد و شاخهای درونی بجانب شواک اوج شده زیرین جلد عنق و شاخهای برونی و عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

[illegible]

[illegible]

سوم و چهارم و پنجم و ششم و هفتم و هشتم و نهم و دهم و یازدهم و پانزدهم و شانزدهم و هیجدهم و بیستم و یکمین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و زود هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که عصب الصد نیز گویند
و پنج زوج عصب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی تخمین میکنند اینها را با اتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از این عظم القصد و فقره اول عنق می برآید و زوج هشتم از این
آخر فقره عنق و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبیین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصنانه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیر ما آورده که زوج اول و عضلات
راس پرانگنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتفی می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده در عضلات اذنین میرسد و شاخ دوم بعضیهای عریضه
کتفی می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که از این شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سباتی ممتد گشته و بحجاب حاجز رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل فائز گشته بسوی سانس برآمده و شعبهای آن بسوی عضل مشترکه میان
سر و گردن میرود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل نشکسه
راس و عضل مشترکه سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتفی می آید و پارچه از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبهای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ها در یکدیگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و ازان جا تجاوز نکرده و بعضی ازان بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعض رسیده و ازان جا تجاوز نکرده و بعضی ازان بعضیات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجمله ساعد آمده با عصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دیگر کلان ترست سپس از برآمدن از سو را خواب و
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم میشود و شاخهای مؤخر از این جهت فقرات پسین گذشته برونی و برونی و دو شاخها متوزع
میگردند و شاخهای درونی بجانب شواک رج شده زیرین جلد عنق و شاخهای برونی در عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

[illegible]

سه زوج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطباء یونان سی و یک جفت اند
و نزد مشرین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که اعصاب الصدر نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی شش جفت اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از مابین عظم القحوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
آخر فقره عنقی و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبستین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصناعه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیره آورده که زوج اول و عضلات
راس پراکنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتف می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده و در عضلات ازین می رسد و شاخ دوم بعضله ای عریضه
کتف می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سیاتی متگشته و بحجاب حاجر رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل غائر گشته بسوی سانس برآمده و شعبه ای آن بسوی عضل مشترک میان
سر و گردن می رود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل منکسه
راس و عضل مشترک سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتف می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبه ای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ای در یکدگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و ازان جا تجاوز نموده و بعضی ازان بر مرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعضد رسیده و ازان جا تجاوز نموده و بعضی ازان بعضلات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجلد ساعد آمده باعصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دگر کلان ترست و پس از برآمدن از سوراخ جابد
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم شود و شاخهای مؤخر از مابین اجنحه فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخهای متوزع
میگرد و شاخهای درونی بجانب شواک ارج شده زیرین جلد عنق و شاخهای برونی و عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

سه زوج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطباء یونان سی و یک جفت اند
و نزد مشرین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که اعصاب الصدر نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی شش جفت اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از مابین عظم القحوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
آخر فقره عنقی و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبستین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصناعه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیره آورده که زوج اول و عضلات
راس پراکنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتف می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده و در عضلات ازین می رسد و شاخ دوم بعضله ای عریضه
کتف می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سیاتی متگشته و بحجاب حاجر رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل غائر گشته بسوی سانس برآمده و شعبه ای آن بسوی عضل مشترک میان
سر و گردن می رود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل منکسه
راس و عضل مشترک سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتف می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبه ای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ای در یکدگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و ازان جا تجاوز نموده و بعضی ازان بر مرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعضد رسیده و ازان جا تجاوز نموده و بعضی ازان بعضلات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجلد ساعد آمده باعصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دگر کلان ترست و پس از برآمدن از سوراخ جابد
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم شود و شاخهای مؤخر از مابین اجنحه فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخهای متوزع
میگرد و شاخهای درونی بجانب شواک اوج شده زیرین جلد عنق و شاخهای برونی و عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

سوم و چهارم و پنجم و ششم و هفتم و هشتم و نهم و دهم و یازدهم و پانزدهم و شانزدهم و هیجدهم و بیستم و یکمین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و زود هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که عصب الصد نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی تخمین میکنند این اعصاب الحلق را هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از این عظم القصد و فقره اول عنق می برآید و زوج هشتم از این
آخر فقره عنق و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبیین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصنانه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیر ما آورده که زوج اول و عضلات
راس پرانگنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده حس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتفی می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده در عضلات اذنین میرسد و شاخ دوم بعضیهای عریضه
کتفی می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که از این شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سباتی ممتد گشته و بحجاب حاجز رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل فائز گشته بسوی سانس برآمده و شعبهای آن بسوی عضل مشترکه میان
سر و گردن میرود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل نشکسه
راس و عضل مشترکه سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتفی می آید و پارچه از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبهای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبها در یکدیگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و ازان جا تجاوز نکرده و بعضی ازان بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعض رسیده و ازان جا تجاوز نکرده و بعضی ازان بعضیات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجمله ساعد آمده با عصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دیگر کلان ترست سپس از برآمدن از سور اخا بدو
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم میشود و شاخهای مؤخر از این جهت فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخهای متفرق
میگردند و شاخهای درونی بجانب شواک رج شده زیرین جلد عنق و شاخهای برونی در عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

سه زوج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطباء یونان سی و یک جفت اند
و نزد مشرین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که اعصاب الصدر نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی شش جفت اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از مابین عظم القفوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
آخر فقره عنقی و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقیبستین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصناعه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیره آورده که زوج اول و عضلات
راس پراکنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتف می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده و عضلات ازین می رسد و شاخ دوم بعضله ای عریضه
کتف می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سیاتی متدگشته و بحجاب حاجر رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل غائر گشته بسوی سانس برآمده و شعبه ای آن بسوی عضل مشترک میان
سر و گردن می رود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل متکسسه
راس و عضل مشترک سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتف می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبه ای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ای در یکدگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعضد رسیده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بعضلات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجلد ساعد آمده باعصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دگر کلان ترست و پس از برآمدن از سوراخ جابد
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم شود و شاخهای مؤخر از مابین اجنحه فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخهای متوزع
میگرد و شاخهای درونی بجانب شواک ارج شده زیرین جلد عنق و شاخهای برونی و عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

سوم و چهارم و پنجم و ششم و هفتم و هشتم و نهم و دهم و یازدهم و پانزدهم و شانزدهم و هیجدهم و بیستم و یکمین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و زود هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که عصب الصد نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی تخمین میکنند این اعصاب الحلق را هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از این عظم القصد و فقره اول عنق می برآید و زوج هشتم از این
آخر فقره عنق و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبیین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصنانه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیرها آورده که زوج اول و عضلات
راس پرانگنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتفی می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده در عضلات اذنین میرسد و شاخ دوم بعضیهای عریضه
کتفی می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که از این شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سباتی ممتد گشته و بحجاب حاجز رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل فائز گشته بسوی سناسن برآمده و شعبهای آن بسوی عضل مشترکه میان
سر و گردن میرود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل نشکسه
راس و عضل مشترکه سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتفی می آید و پارچه از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبهای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ها در یکدیگر رشید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و ازان جا تجاوز نکرده و بعضی ازان بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعض رسیده و ازان جا تجاوز نکرده و بعضی ازان بعضیات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجمله ساعد آمده با عصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دیگر کلان ترست سپس از برآمدن از سو را خواب و
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم میشود و شاخهای مؤخر از این جهت فقرات پسین گذشته برونی و برونی و دو شاخها متوزع
میگردند و شاخهای درونی بجانب شواک رج شده زیرین جلد عنق و شاخهای برونی در عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

سه زوج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطباء یونان سی و یک جفت اند
و نزد مشرین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که اعصاب الصدر نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی شش جفت اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از مابین عظم القفوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
آخر فقره عنقی و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصناعه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیره آورده که زوج اول و عضلات
راس پراکنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتفی می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنقی بسوی هر دو گوش آمده و در عضلات ازین می رسد و شاخ دوم بعضله ای عریضه
کتفی می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سیاتی متگشته و بحجاب حاذر رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل غائر گشته بسوی سانس برآمده و شعبه ای آن بسوی عضل مشترک میان
سر و گردن می رود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل منکسه
راس و عضل مشترک سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتفی می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبه ای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ای در یکدگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و ازان جا تجاوز نموده و بعضی ازان بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعضد رسیده و ازان جا تجاوز نموده و بعضی ازان بعضلات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجلد ساعد آمده باعصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دگر کلان ترست و پس از برآمدن از سوراخ پدید
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم شود و شاخهای مؤخر از مابین اجنحه فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخها متنوع
میگرد و شاخهای درونی بجانب شواک اوج شده زیرین جلد عنقی و شاخهای برونی و عضلات جنبین عنقی متفرق میشوند

سه زوج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطباء یونان سی و یک جفت اند
و نزد مشرین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که اعصاب الصد نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی شش جفت اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از مابین عظم القحوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
آخر فقره عنقی و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصناعه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیره آورده که زوج اول و عضلات
راس پراکنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتف می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده و در عضلات ازین می رسد و شاخ دوم بعضی عریضه
کتف می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سیاتی متگشته و بحجاب حاذر رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل غائر گشته بسوی سانس برآمده و شعبه ای آن بسوی عضل مشترک میان
سر و گردن می رود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل متکسسه
راس و عضل مشترک سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتف می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبه ای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ها در یکدگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعضد رسیده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بعضی سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجلد ساعد آمده باعصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دگر کلان ترست و پس از برآمدن از سوراخا بدو
دو فروغ مقدم و مؤخر منقسم شود و شاخهای مؤخر از مابین اجنحه فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخها متنوع
میگرد و شاخهای درونی بجانب شواک ارج شده زیرین جلد عنق و شاخهای برونی و عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

سوم و چهارم و پنجم و ششم و هفتم و هشتم و نهم و دهم و یازدهم و پانزدهم و شانزدهم و هیجدهم و بیستم و یکمین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و زود هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که عصب الصد نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی تخمین این اعصاب الحلق را هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از این عظم القصد و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از این
آخر فقره عنق و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبیین که فیما بین فقرتین واقع اند می آید
و در قانون و کامل الصنانه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیر ما آورده که زوج اول و عضلات
راس پرانگنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده حس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتفی می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده در عضلات اذنین میرسد و شاخ دوم بعضیهای عریضه
کتفی می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که از این شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سباتی ممتد گشته و بحجاب حاجز رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل فائز گشته بسوی سانس برآمده و شعبهای آن بسوی عضل مشترکه میان
سر و گردن میرود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل نشکسه
راس و عضل مشترکه سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتفی می آید و پارچه از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبهای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبها در یکدیگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و ازان جا تجاوز نکرده و بعضی ازان بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعض رسیده و ازان جا تجاوز نکرده و بعضی ازان بعضیات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجمله ساعد آمده با عصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دیگر کلان ترست سپس از برآمدن از سور اخا بدو
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم میشود و شاخهای مؤخر از این جهت فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخهای متفرق
میگردند و شاخهای درونی بجانب شواک رج شده زیرین جلد عنق و شاخهای برونی در عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

[illegible]

[illegible]

سه زوج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطباء یونان سی و یک جفت اند
و نزد مشرین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که اعصاب الصدر نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی شش جفت اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از مابین عظم القحوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
آخر فقره عنقی و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصناعه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیره آورده که زوج اول و عضلات
راس پرانگنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتفی دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنقی بسوی هر دو گوش آمده و در عضلات ازین می رسد و شاخ دوم بعضله ای عریضه
کتفی می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سیاتی متگشته و بحجاب حاذر رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل غائر گشته بسوی سانس برآمده و شعبه ای آن بسوی عضل مشترک میان
سر و گردن می رود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل منکسه
راس و عضل مشترک سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتفی می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبه ای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ای در یکدگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعضد رسیده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بعضلات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجلد ساعد آمده باعصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دگر کلان ترست و پس از برآمدن از سوراخ جابد
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم شود و شاخهای مؤخر از مابین اجنحه فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخهای متوزع
میگرد و شاخهای درونی بجانب شواک اوج شده زیرین جلد عنقی و شاخهای برونی و عضلات جنبین عنقی متفرق میشوند

سه زوج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطباء یونان سی و یک جفت اند
و نزد مشرین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که اعصاب الصدر نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی شش جفت اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از مابین عظم القفوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
آخر فقره عنقی و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصناعه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیره آورده که زوج اول و عضلات
راس پراکنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتف می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده و عضلات ازین می رسد و شاخ دوم بعضله ای عریضه
کتف می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سیاتی متگشته و بحجاب حاذر رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل غائر گشته بسوی سانس برآمده و شعبه ای آن بسوی عضل مشترک میان
سر و گردن می رود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل منکسه
راس و عضل مشترک سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتف می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبه ای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ای در یکدگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعضد رسیده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بعضلات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجلد ساعد آمده باعصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دگر کلان ترست و پس از برآمدن از سوراخ جابد
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم شود و شاخهای مؤخر از مابین اجنحه فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخهای متوزع
میگرد و شاخهای درونی بجانب شواک اوج شده زیرین جلد عنق و شاخهای برونی و عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

[illegible]

سه زوج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطباء یونان سی و یک جفت اند
و نزد مشرین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که اعصاب الصدر نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی شش جفت اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از مابین عظم القفوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
آخر فقره عنقی و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصناعه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیره آورده که زوج اول و عضلات
راس پراکنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتفی دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنقی بسوی هر دو گوش آمده و عضلات ازین می رسد و شاخ دوم بعضله ای عریضه
کتفی می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سیاتی متگشته و بحجاب حاذر رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل غائر گشته بسوی سانس برآمده و شعبه ای آن بسوی عضل مشترک میان
سر و گردن می رود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل منکسه
راس و عضل مشترک سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتفی می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبه ای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ای در یکدگر شدید و اختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و ازان جا تجاوز نکرده و بعضی ازان بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعضد رسیده و ازان جا تجاوز نکرده و بعضی ازان بعضلات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجلد ساعد آمده باعصاب نخستین قفا و صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دگر کلان ترست و پس از برآمدن از سوراخ جاذبه
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم شود و شاخهای مؤخر از مابین اجنحه فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخهای متوزع
میگرد و شاخهای درونی بجانب شواک اوج شده زیرین جلد عنقی و شاخهای برونی و عضلات جنبین عنقی متفرق میشوند

[illegible]

[illegible]

[illegible]

سه زوج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطباء یونان سی و یک جفت اند
و نزد مشرین انگلستان سی و یک جفت اند و فرنیست و نزدیک به اتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحرق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که اعصاب الصدر نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی تخمین این اعصاب الحرق را بیست و شش زوج آنها با اتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از این عظم القصد و فقره اول غنقی می برآید و زوج هشتم از این
آخر فقره غنق و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی غنقی از ثقبیین که فیما بین فقرتین واقع اند می آید
و در قانون و کامل الصانع و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیر ما آورده که زوج اول و عضلات
راس پرانگنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضلهای عریضه کتف می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل غنق بسوی هر دو گوش آمده در عضلات اذنین میرسد و شاخ دوم بعضلهای عریضه
کتفی می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که از این شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سباتی متداشته و بحجاب حاجز رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل فائز گشته بسوی سانس برآمده و شعبهای آن بسوی عضل مشترکه میان
سر گردن می رود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل نشکس
راس و عضل مشترکه سر گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتف می آید و پاره از
زوج سادس و سابج باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبهای زوج خامس و سادس و سابج آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبها در یکدیگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و از ان جا تجاوز نکرده و بعضی از ان بمركز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابج
بعض رسیده و از ان جا تجاوز نکرده و بعضی از ان بعضلات سر گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجمله ساعد آمده باعصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دیگر کان ترست و پس از برآمدن از سو را خواب و
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم میشود و شاخهای مؤخر از این جهت فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخها متنوع
میگردند و شاخهای درونی بجانب شوک ارجح شده زیرین جلد غنق و شاخهای برونی در عضلات جنبین غنق متفرق میشوند

سه زوج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطباء یونان سی و یک جفت اند
و نزد مشرین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که اعصاب الصدر نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی شش جفت اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از مابین عظم القحوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
آخر فقره عنقی و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصناعه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیره آورده که زوج اول و عضلات
راس پراکنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتف می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده و در عضلات ازین می رسد و شاخ دوم بعضله ای عریضه
کتف می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سیاتی متگشته و بحجاب حاذر رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل غائر گشته بسوی سانس برآمده و شعبه ای آن بسوی عضل مشترک میان
سر و گردن می رود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل منکسه
راس و عضل مشترک سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتف می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبه ای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ای در یکدگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعضد رسیده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بعضلات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجلد ساعد آمده باعصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دگر کلان ترست و پس از برآمدن از سوراخ جاذبه
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم شود و شاخهای مؤخر از مابین اجنحه فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخهای متوزع
میگرد و شاخهای درونی بجانب شواک اوج شده زیرین جلد عنق و شاخهای برونی و عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

سوم و چهارم و پنجم و ششم و هفتم و هشتم و نهم و دهم و یازدهم و پانزدهم و شانزدهم و هیجدهم و بیستم و یکمین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و زود هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که عصب الصد نیز گویند
و پنج زوج عصب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی تخمین میکنند اینها را با اتفاق آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از این عظم القهوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
آخر فقره عنق و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبیین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصنانه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیره آورده که زوج اول و عضلات
راس پرانگنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثابت نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتفی می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده در عضلات اذنین میرسد و شاخ دوم بعضیهای عریضه
کتفی می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که از این شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سباتی متداخلة و بحجاب حاجز رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل فائز گشته بسوی سانس برآمده و شعبهای آن بسوی عضل مشترکه میان
سر و گردن میرود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل نشکسه
راس و عضل مشترکه سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتفی می آید و پارچه از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبهای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ها در یکدیگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و از ان جا تجاوز نکرده و بعضی از ان بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعض رسیده و از ان جا تجاوز نکرده و بعضی از ان بعضیات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجمله ساعد آمده با عصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دیگر کلان ترست سپس از برآمدن از سو را خواب و
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم میشود و شاخهای مؤخر از مابین جهته فقرات پسین گذشته برونی و برونی و دو شاخها متنوع
میگردند و شاخهای درونی بجانب شواک رج شده زیرین جلد عنق و شاخهای برونی در عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

سه زوج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطباء یونان سی و یک جفت اند
و نزد مشرین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که اعصاب الصدر نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی شش جفت اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از مابین عظم القحوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
آخر فقره عنقی و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصناعه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیره آورده که زوج اول و عضلات
راس پراکنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتف می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده و عضلات ازین می رسد و شاخ دوم بعضله ای عریضه
کتف می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سیاتی متگشته و بحجاب حاذر رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل غائر گشته بسوی سانس برآمده و شعبه ای آن بسوی عضل مشترک میان
سر و گردن می رود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل منکسه
راس و عضل مشترک سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتف می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبه ای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ای در یکدگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعضد رسیده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بعضلات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجلد ساعد آمده باعصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دگر کلان ترست و پس از برآمدن از سوراخ جابد
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم شود و شاخهای مؤخر از مابین اجنحه فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخهای متوزع
میگرد و شاخهای درونی بجانب شواک اوج شده زیرین جلد عنق و شاخهای برونی و عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

[illegible]

سوم و چهارم و پنجم و ششم و هفتم و هشتم و نهم و دهم و یازدهم و پانزدهم و شانزدهم و هیجدهم و بیستم و یکمین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و زود هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که عصب الصد نیز گویند
و پنج زوج عصب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی تخمین میکنند اینها را با اتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از این عظم القهوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از این
آخر فقره عنق و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبیین که فیما بین فقرتین واقع اند می آید
و در قانون و کامل الصنانه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیر ما آورده که زوج اول و عضلات
راس پرانگنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتفی می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده در عضلات ازین می رسد و شاخ دوم بعضی های عریضه
کتفی می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سباتی ممتد گشته و بحجاب حاجز رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل فائز گشته بسوی سانس برآمده و شعبهای آن بسوی عضل مشترکه میان
سر و گردن می رود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل نشکسه
راس و عضل مشترکه سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتفی می آید و پارچه از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبهای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ها در یکدیگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و ازان جا تجاوز نکرده و بعضی ازان بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعض رسیده و ازان جا تجاوز نکرده و بعضی ازان بعضیات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجمله ساعد آمده با عصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دیگر کلان ترست سپس از برآمدن از سو را خواب و
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم میشود و شاخهای مؤخر از این جهت فقرات پسین گذشته برونی و برونی و دو شاخها متوزع
میگردند و شاخهای درونی بجانب شواک رج شده زیرین جلد عنق و شاخهای برونی در عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

سوم و چهارم و پنجم و ششم و هفتم و هشتم و نهم و دهم و یازدهم و پانزدهم و شانزدهم و هیجدهم و بیستم و یکمین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و زود هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که عصب الصد نیز گویند
و پنج زوج عصب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی منتهی به عصب الحلق اینست هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از این عظم القهوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از این
آخر فقره عنق و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبیین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصنانه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیرها آورده که زوج اول و عضلات
راس پرانگنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده حس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتفی می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده در عضلات اذنین میرسد و شاخ دوم بعضیهای عریضه
کتفی می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که از این شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سباتی ممتد گشته و بحجاب حاجز رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عنق عضل فائز گشته بسوی سانس برآمده و شعبهای آن بسوی عضل مشترکه میان
سر و گردن میرود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل نشکسه
راس و عضل مشترکه سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتفی می آید و پارچه از
زوج سادس و سابج باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبهای زوج خامس و سادس و سابج آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ها در یکدیگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و ازان جا تجاوز نکرده و بعضی ازان بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابج
بعض رسیده و ازان جا تجاوز نکرده و بعضی ازان بعضیات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجمله ساعد آمده باعصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دیگر کلان ترست سپس از برآمدن از سو را خواب و
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم میشود و شاخهای مؤخر از این جهت فقرات پسین گذشته برونی و برونی و دو شاخها متوزع
میگردند و شاخهای درونی بجانب شوک رج شده زیرین جلد عنق و شاخهای برونی در عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

سه زوج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطباء یونان سی و یک جفت اند
و نزد مشرین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که اعصاب الصدر نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی شش جفت اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از مابین عظم القفوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
آخر فقره عنقی و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبستین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصناعه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیره آورده که زوج اول و عضلات
راس پراکنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتفی می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنقی بسوی هر دو گوش آمده و در عضلات ازین می رسد و شاخ دوم بعضله ای عریضه
کتفی می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سیاتی متدگشته و بحجاب حاذر رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل غائر گشته بسوی سانس برآمده و شعبه ای آن بسوی عضل مشترک میان
سر و گردن می رود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل منکسه
راس و عضل مشترک سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتفی می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبه ای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ای در یکدگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعضد رسیده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بعضلات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجلد ساعد آمده باعصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دگر کلان ترست و پس از برآمدن از سوراخ جاذبه
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم شود و شاخهای مؤخر از مابین اجنحه فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخهای متوزع
میگرد و شاخهای درونی بجانب شواک اوج شده زیرین جلد عنقی و شاخهای برونی و عضلات جنبین عنقی متفرق میشوند

سوم و چهارم و پنجم و ششم و هفتم و هشتم و نهم و دهم و یازدهم و پانزدهم و شانزدهم و هیجدهم و بیستم و یکمین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فریق بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که عصباب الصد نیز گویند
و پنج زوج عصباب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی منتهی به عصباب الحلق اینست هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از این عظم القهوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
آخر فقره عنق و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبیین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصنانه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیرها آورده که زوج اول و عضلات
راس پرانگنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضلهای عریضه کتفی می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده در عضلات اذنین میرسد و شاخ دوم بعضیهای عریضه
کتفی می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سباتی متداخلة و بحجاب حاجز رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عنق عضل فائز گشته بسوی سانس برآمده و شعبهای آن بسوی عضل مشترکه میان
سر و گردن میرود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل نشکسه
راس و عضل مشترکه سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتفی می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبهای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبهادر یکدیگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و ازان جا تجاوز نکرده و بعضی ازان بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعض رسیده و ازان جا تجاوز نکرده و بعضی ازان بعضیات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجمله ساعد آمده با عصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دیگر کلان ترست سپس از برآمدن از سو را خواب و
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم میشود و شاخهای مؤخر از مابین جهته فقرات پسین گذشته برونی و برونی و دو شاخها متنوع
میگردند و شاخهای درونی بجانب شواک رج شده زیرین جلد عنق و شاخهای برونی در عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

[illegible]

[illegible]

سه زوج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطباء یونان سی و یک جفت اند
و نزد مشرین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که اعصاب الصدر نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی شش جفت اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از مابین عظم القحوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
آخر فقره عنقی و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصناعه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیره آورده که زوج اول و عضلات
راس پرانگنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتف می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده و در عضلات ازین می رسد و شاخ دوم بعضله ای عریضه
کتف می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سیاتی متگشته و بحجاب حاذر رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل غائر گشته بسوی سانس برآمده و شعبه ای آن بسوی عضل مشترک میان
سر و گردن می رود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل منکسه
راس و عضل مشترک سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتف می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبه ای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ای در یکدگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعضد رسیده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بعضلات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجلد ساعد آمده باعصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دگر کلان ترست و پس از برآمدن از سوراخ جابد
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم شود و شاخهای مؤخر از مابین اجنحه فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخها متنوع
میگرد و شاخهای درونی بجانب شواک اوج شده زیرین جلد عنق و شاخهای برونی و عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

سه زوج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطباء یونان سی و یک جفت اند
و نزد مشرین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که اعصاب الصدر نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی شش جفت اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از مابین عظم القحوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
آخر فقره عنق و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصناعه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیره آورده که زوج اول و عضلات
راس پراکنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتف می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده و در عضلات ازین می رسد و شاخ دوم بعضله ای عریضه
کتف می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سیاتی متگشته و بحجاب حاذر رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل غائر گشته بسوی سانس برآمده و شعبه ای آن بسوی عضل مشترک میان
سر و گردن می رود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل منکسه
راس و عضل مشترک سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتف می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبه ای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ای در یکدگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعضد رسیده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بعضلات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجلد ساعد آمده باعصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دگر کلان ترست و پس از برآمدن از سوراخ جاذبه
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم شود و شاخهای مؤخر از مابین اجنحه فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخهای متوزع
میگرد و شاخهای درونی بجانب شواک ارج شده زیرین جلد عنق و شاخهای برونی و عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

[illegible]

[illegible]

سه زوج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطباء یونان سی و یک جفت اند
و نزد مشرین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که اعصاب الصدر نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی شش جفت اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از مابین عظم القحوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
آخر فقره عنقی و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبستین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصناعه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیره آورده که زوج اول و عضلات
راس پراکنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضلهای عریضه کتفی دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنقی بسوی هر دو گوش آمده و در عضلات ازین می رسد و شاخ دوم بعضلهای عریضه
کتفی می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سیاتی متگشته و بحجاب حاذر رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل غائر گشته بسوی سانس برآمده و شعبهای آن بسوی عضل مشترک میان
سر و گردن می رود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل منکسه
راس و عضل مشترک سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتفی می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبهای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبها در یکدگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعضد رسیده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بعضلات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجلد ساعد آمده باعصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دگر کلان ترست و پس از برآمدن از سوراخا بدو
دو فروغ مقدم و مؤخر منقسم شود و شاخهای مؤخر از مابین اجنحه فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخها متنوع
میگرد و شاخهای درونی بجانب شواک ارج شده زیرین جلد عنقی و شاخهای برونی و عضلات جنبین عنقی متفرق میشوند

سوم و چهارم و پنجم و ششم و هفتم و هشتم و نهم و دهم و یازدهم و پانزدهم و شانزدهم و هیجدهم و بیستم و یکمین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و زود هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که عصب الصد نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی تخمین میکنند این اعصاب الحلق را هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از این عظم القصد و فقره اول عنق می برآید و زوج هشتم از این
آخر فقره عنق و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبیین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصنانه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیرها آورده که زوج اول و عضلات
راس پرانگنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتفی می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده در عضلات اذنین میرسد و شاخ دوم بعضیهای عریضه
کتفی می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که از این شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سباتی ممتد گشته و بحجاب حاجز رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل فائز گشته بسوی سانس برآمده و شعبهای آن بسوی عضل مشترکه میان
سر و گردن میرود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل نشکسه
راس و عضل مشترکه سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتفی می آید و پارّه از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبهای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ها در یکدیگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و ازان جا تجاوز نکرده و بعضی ازان بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعض رسیده و ازان جا تجاوز نکرده و بعضی ازان بعضیات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجمله ساعد آمده با عصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دیگر کلان ترست سپس از برآمدن از سو را خوابد و
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم میشود و شاخهای مؤخر از این جهت فقرات پسین گذشته برونی و برونی و دو شاخها متوزع
میگردند و شاخهای درونی بجانب شواک رج شده زیرین جلد عنق و شاخهای برونی در عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

[illegible]

[illegible]

سوم و چهارم و پنجم و ششم و هفتم و هشتم و نهم و دهم و یازدهم و پانزدهم و شانزدهم و هیجدهم و بیستم و یکمین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که عصباب الصد نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی تخمین میکنند این اعصاب الحلق را هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از این عظم القصد و فقره اول عنق می برآید و زوج هشتم از این
آخر فقره عنق و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبیین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصنانه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیرها آورده که زوج اول و عضلات
راس پرانگنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده حس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتفی می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده در عضلات ازین میرسد و شاخ دوم بعضیهای عریضه
کتفی می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سباتی ممتد گشته و بحجاب حاجز رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل فائز گشته بسوی سانس برآمده و شعبهای آن بسوی عضل مشترکه میان
سر و گردن میرود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل نشکسه
راس و عضل مشترکه سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتفی می آید و پارچه از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبهای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ها در یکدیگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و ازان جا تجاوز نکرده و بعضی ازان بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعض رسیده و ازان جا تجاوز نکرده و بعضی ازان بعضیات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجمله ساعد آمده با عصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دیگر کلان ترست سپس از برآمدن از سو را خواب و
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم میشود و شاخهای مؤخر از این جهت فقرات پسین گذشته برونی و برونی و دو شاخها متوزع
میگردند و شاخهای درونی بجانب شواک رج شده زیرین جلد عنق و شاخهای برونی در عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

سه زوج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطباء یونان سی و یک جفت اند
و نزد مشرین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که اعصاب الصدر نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی شش جفت اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از مابین عظم القفوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
آخر فقره عنقی و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصناعه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیره آورده که زوج اول و عضلات
راس پراکنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتف می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده و عضلات ازین می رسد و شاخ دوم بعضله ای عریضه
کتف می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سیاتی متگشته و بحجاب حاذر رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل غائر گشته بسوی سانس برآمده و شعبه ای آن بسوی عضل مشترک میان
سر و گردن می رود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل منکسه
راس و عضل مشترک سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتف می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبه ای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ای در یکدگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعض رسیده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بعضلات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجلد ساعد آمده باعصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دگر کلان ترست و پس از برآمدن از سوراخ پدید
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم شود و شاخهای مؤخر از مابین اجنحه فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخهای متوزع
میگرد و شاخهای درونی بجانب شواک اوج شده زیرین جلد عنق و شاخهای برونی و عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

سه زوج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطباء یونان سی و یک جفت اند
و نزد مشرین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که اعصاب الصدر نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی شش جفت اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از مابین عظم القحوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
آخر فقره عنقی و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصناعه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیره آورده که زوج اول و عضلات
راس پراکنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتفی می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنقی بسوی هر دو گوش آمده و در عضلات ازین می رسد و شاخ دوم بعضله ای عریضه
کتفی می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سیاتی متگشته و بحجاب حاذر رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل غائر گشته بسوی سانس برآمده و شعبه ای آن بسوی عضل مشترک میان
سر و گردن می رود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل منکسه
راس و عضل مشترک سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتفی می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبه ای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ای در یکدگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعضد رسیده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بعضلات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجلد ساعد آمده باعصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دگر کلان ترست و پس از برآمدن از سوراخ جاذبه
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم شود و شاخهای مؤخر از مابین اجنحه فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخهای متوزع
میگرد و شاخهای درونی بجانب شواک اوج شده زیرین جلد عنقی و شاخهای برونی و عضلات جنبین عنقی متفرق میشوند

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

سوم و چهارم و پنجم و ششم و هفتم و هشتم و نهم و دهم و یازدهم و پانزدهم و شانزدهم و هیجدهم و بیستم و یکمین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فریق بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که عصب الصد نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی تخمین میکنند این اعصاب الحلق را هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از این عظم القصد و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از این
آخر فقره عنق و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبیین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصنانه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیرها آورده که زوج اول و عضلات
راس پرانگنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده حس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتفی می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده در عضلات اذنین میرسد و شاخ دوم بعضیهای عریضه
کتفی می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که از این شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سباتی ممتد گشته و بحجاب حاجز رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل فائز گشته بسوی سناسن برآمده و شعبهای آن بسوی عضل مشترکه میان
سر و گردن میرود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل نشکسه
راس و عضل مشترکه سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتفی می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبهای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ها در یکدیگر رشید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و ازان جا تجاوز نکرده و بعضی ازان بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعض رسیده و ازان جا تجاوز نکرده و بعضی ازان بعضیات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجمله ساعد آمده با عصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دیگر کلان ترست سپس از برآمدن از سو را خواب و
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم میشود و شاخهای مؤخر از این جهت فقرات پسین گذشته برونی و برونی و دو شاخها متوزع
میگردند و شاخهای درونی بجانب شواک رج شده زیرین جلد عنق و شاخهای برونی در عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

سوم و چهارم و پنجم و ششم و هفتم و هشتم و نهم و دهم و یازدهم و پانزدهم و شانزدهم و هیجدهم و بیستم و یکمین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و زود هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که عصب الصد نیز گویند
و پنج زوج عصب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی تخمین میکنند اینها را با اتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از این عظم القصد و فقره اول عنق می برآید و زوج هشتم از این
آخر فقره عنق و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبیین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصنانه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیر ما آورده که زوج اول و عضلات
راس پرانگنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثابت نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتفی می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده در عضلات اذنین میرسد و شاخ دوم بعضیهای عریضه
کتفی می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سباتی ممتد گشته و بحجاب حاجز رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل فائز گشته بسوی سناسن برآمده و شعبهای آن بسوی عضل مشترکه میان
سر و گردن میرود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل نشکسه
راس و عضل مشترکه سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتفی می آید و پارچه از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبهای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ها در یکدیگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و ازان جا تجاوز نکرده و بعضی ازان بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعض رسیده و ازان جا تجاوز نکرده و بعضی ازان بعضیات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجمله ساعد آمده با عصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دیگر کلان ترست سپس از برآمدن از سو را خوابد و
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم میشود و شاخهای مؤخر از این جهت فقرات پسین گذشته برونی و برونی و دو شاخها متوزع
میگردند و شاخهای درونی بجانب شواک رج شده زیرین جلد عنق و شاخهای برونی در عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

سه زوج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطباء یونان سی و یک جفت اند
 و نزد مشرین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
 اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که اعصاب الصد نیز گویند
 و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی شش جفت اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
 یونانیان و انگلستانیان زوج اول از مابین عظم القحوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
 آخر فقره عنقی و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
 و در قانون و کامل الصناعه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیره آورده که زوج اول و عضلات
 راس پراکنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
 و قوت عضلهای عریضه کتف می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
 متفرق شدن در عمق عضل عنقی بسوی هر دو گوش آمده و در عضلات ازین می رسد و شاخ دوم بعضلهای عریضه
 کتف می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
 و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سیاتی متگشته و بحجاب حاذر رسیده
 و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل غائر گشته بسوی سانس برآمده و شعبهای آن بسوی عضل مشترک میان
 سر و گردن می رود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل منکسه
 راس و عضل مشترک سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتف می آید و پاره از
 زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبهای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
 وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبها در یکدگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
 سادس بسوی سطح کتف آمده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
 بعضد رسیده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بعضلات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
 خامس صاحب شده و زوج ثامن بجلد ساعد آمده باعصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
 تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دگر کلان ترست و پس از برآمدن از سوراخا بدو
 و فروع مقدم و مؤخر منقسم شود و شاخهای مؤخر از مابین اجنحه فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخها متنوع
 میگردد و شاخهای درونی بجانب شواک ارج شده زیرین جلد عنقی و شاخهای برونی و عضلات جنبین عنقی متفرق میشوند

[illegible]

سه زوج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطباء یونان سی و یک جفت اند
و نزد مشرین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که اعصاب الصدر نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی شش جفت اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از مابین عظم القحوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
آخر فقره عنقی و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبستین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصناعه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیره آورده که زوج اول و عضلات
راس پراکنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتفی می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنقی بسوی هر دو گوش آمده و در عضلات اذنین میرسد و شاخ دوم بعضله ای عریضه
کتفی می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سیاتی متدگشته و بحجاب حاجر رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل غائر گشته بسوی سانس برآمده و شعبه ای آن بسوی عضل مشترک میان
سر و گردن میرود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل منکسه
راس و عضل مشترک سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتفی می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبه ای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ای در یکدگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و ازان جا تجاوز نموده و بعضی ازان بر مرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعضد رسیده و ازان جا تجاوز نموده و بعضی ازان بعضلات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجلد ساعد آمده باعصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دگر کلان ترست و پس از برآمدن از سوراخ جابد
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم شود و شاخهای مؤخر از مابین اجنحه فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخهای متوزع
میگرد و شاخهای درونی بجانب شواک اوج شده زیرین جلد عنقی و شاخهای برونی و عضلات جنبین عنقی متفرق میشوند

سه زوج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطباء یونان سی و یک جفت اند
و نزد مشرین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که اعصاب الصدر نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی شش جفت اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از مابین عظم القحوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
آخر فقره عنقی و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبستین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصناعه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیره آورده که زوج اول و عضلات
راس پراکنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتف می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده و در عضلات ازین می رسد و شاخ دوم بعضله ای عریضه
کتف می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سیاتی متگشته و بحجاب حاذر رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل غائر گشته بسوی سانس برآمده و شعبه ای آن بسوی عضل مشترک میان
سر و گردن می رود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل منکسه
راس و عضل مشترک سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتف می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبه ای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ای در یکدگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعضد رسیده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بعضلات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجلد ساعد آمده باعصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دگر کلان ترست و پس از برآمدن از سوراخ جاذبه
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم شود و شاخهای مؤخر از مابین اجنحه فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخهای متوزع
میگرد و شاخهای درونی بجانب شواک اوج شده زیرین جلد عنق و شاخهای برونی و عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

[illegible]

سه زوج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطباء یونان سی و یک جفت اند
و نزد مشرین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که اعصاب الصد نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی شش جفت اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از مابین عظم القحوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
آخر فقره عنقی و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصناعه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیره آورده که زوج اول و عضلات
راس پراکنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتف می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده و در عضلات ازین می رسد و شاخ دوم بعضله ای عریضه
کتف می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سیاتی متگشته و بحجاب حاجر رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل غائر گشته بسوی سانس برآمده و شعبه ای آن بسوی عضل مشترک میان
سر و گردن می رود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل منکسه
راس و عضل مشترک سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتف می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبه ای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ای در یکدگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و ازان جا تجاوز نموده و بعضی ازان بر مرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعضد رسیده و ازان جا تجاوز نموده و بعضی ازان بعضلات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجلد ساعد آمده باعصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دگر کلان ترست و پس از برآمدن از سوراخ جابد
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم شود و شاخهای مؤخر از مابین اجنحه فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخهای متوزع
میگرد و شاخهای درونی بجانب شواک ارج شده زیرین جلد عنق و شاخهای برونی و عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

سه زوج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطباء یونان سی و یک جفت اند
و نزد مشرین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که اعصاب الصد نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی شش جفت اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از مابین عظم القحوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
آخر فقره عنقی و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصناعه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیره آورده که زوج اول و عضلات
راس پراکنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتف می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده و عضلات ازین می رسد و شاخ دوم بعضله ای عریضه
کتف می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سیاتی متگشته و بحجاب حاذر رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل غائر گشته بسوی سانس برآمده و شعبه ای آن بسوی عضل مشترک میان
سر و گردن می رود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل منکسه
راس و عضل مشترک سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتف می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبه ای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ای در یکدگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و ازان جا تجاوز نموده و بعضی ازان بر مرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعضد رسیده و ازان جا تجاوز نموده و بعضی ازان بعضلات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجلد ساعد آمده باعصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دگر کلان ترست و پس از برآمدن از سوراخ جابد
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم شود و شاخهای مؤخر از مابین اجنحه فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخهای متوزع
میگرد و شاخهای درونی بجانب شواک اوج شده زیرین جلد عنق و شاخهای برونی و عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

[illegible]

[illegible]

سه زوج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطباء یونان سی و یک جفت اند
و نزد مشرین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که اعصاب الصدر نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی شش جفت اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از مابین عظم القحوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
آخر فقره عنقی و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصناعه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیره آورده که زوج اول و عضلات
راس پراکنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتف می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده و در عضلات ازین می رسد و شاخ دوم بعضله ای عریضه
کتف می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سیاتی متگشته و بحجاب حاذر رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل غائر گشته بسوی سانس برآمده و شعبه ای آن بسوی عضل مشترک میان
سر و گردن می رود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل منکسه
راس و عضل مشترک سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتف می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبه ای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ای در یکدگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعضد رسیده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بعضلات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجلد ساعد آمده باعصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دگر کلان ترست و پس از برآمدن از سوراخ جابد
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم شود و شاخهای مؤخر از مابین اجنحه فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخهای متوزع
میگرد و شاخهای درونی بجانب شواک اوج شده زیرین جلد عنق و شاخهای برونی و عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

سوم و چهارم و پنجم و ششم و هفتم و هشتم و نهم و دهم و یازدهم و پانزدهم و شانزدهم و هیجدهم و بیستم و یکمین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و زود هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که عصباب الصد نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی منتهی به اعصاب الحلق اینست هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از این عظم القصد و فقره اول عنق می برآید و زوج هشتم از این
آخر فقره عنق و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبیین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصنانه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیرها آورده که زوج اول و عضلات
راس پرانگنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده حس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضلهای عریضه کتفی می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده در عضلات اذنین میرسد و شاخ دوم بعضیهای عریضه
کتفی می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سباتی ممتد گشته و بحجاب حاجز رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عنق عضل فائز گشته بسوی سانس برآمده و شعبهای آن بسوی عضل مشترکه میان
سر و گردن میرود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل نشکسه
راس و عضل مشترکه سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتفی می آید و پارچه از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبهای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبهادر یکدیگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و ازان جا تجاوز نکرده و بعضی ازان بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعض رسیده و ازان جا تجاوز نکرده و بعضی ازان بعضیات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجمله ساعد آمده با عصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دیگر کلان ترست سپس از برآمدن از سور اخا بدو
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم میشود و شاخهای مؤخر از این جهت فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخهای متفرق
میگردند و شاخهای درونی بجانب شواک رج شده زیرین جلد عنق و شاخهای برونی در عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

سه زوج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطباء یونان سی و یک جفت اند
و نزد مشرین انگلستان سی و یک جفت اند و فرنیست و نزدیک به اتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحرق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که عصب الصد نیز گویند
و پنج زوج عصب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی تخمین این اعصاب الحرق را بیست و پنج زوج آنها با اتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از این عظم القصد و فقره اول غنقی می برآید و زوج هشتم از این
آخر فقره غنق و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی غنقی از ثقبیین که فیما بین فقرتین واقع اند می آید
و در قانون و کامل الصانع و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیر ما آورده که زوج اول و عضلات
راس پرانگنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتف می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل غنق بسوی هر دو گوش آمده در عضلات اذنین میرسد و شاخ دوم بعضیهای عریضه
کتفی می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که از این شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سباتی متداخلة و بحجاب حاجز رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل فائز گشته بسوی سانس برآمده و شعبهای آن بسوی عضل مشترک میان
سر گردن میرود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل نشکس
راس و عضل مشترک سر گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتف می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبهای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبها در یکدیگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و از ان جا تجاوز نکرده و بعضی از ان بمركز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعض رسیده و از ان جا تجاوز نکرده و بعضی از ان بعضیات سر گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و با شعبه
خامس صاحب شده و زوج نهم تا من بجمله ساعد آمده با عصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دیگر کان ترست سپس از برآمدن از سور اخا بدو
و فروغ مقدم و مؤخر تقسیم میشود و شاخهای مؤخر از این جهت فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخها متنوع
میگردند و شاخهای درونی بجانب شوک ارجح شده زیرین جلد غنق و شاخهای برونی در عضلات جنبین غنق متفرق میشوند

[illegible]

[illegible]

سه زوج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطباء یونانی سی و یک جفت اند
و نزد مشرین انگلستان سی و یک جفت اند و فرقیست در هر دو فرق بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که عصب الصد نیز گویند
و پنج زوج عصب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی منتهین این اعصاب الحلق است که با اتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از این عظم التحدیه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از این
آخر فقره عنق و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبیین که فیما بین فقرتین واقع اند می آید
و در قانون و کامل الصنائع و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیر ما آورده که زوج اول در عضلات
راس پراکنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتف می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده در عضلات ازین می رسد و شاخ دوم بعضیهای عریضه
کتف می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سباتی متداخلة و بحجاب حاجز رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عنق عضل غائر گشته بسوی ستاسن برآمده و شعبای آن بسوی عضل مشترکه میان
سر گردن می رود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خذین و عضل نشکس
راس و عضل مشترکه سر گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتف می آید و پاره از
زوج سادس و سابین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبای زوج خامس و سادس و سابین آمیخته در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبها در یکدیگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و ازان جا تجاوز نکرده و بعضی ازان بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابین
بعض رسیده و ازان جا تجاوز نکرده و بعضی ازان بعضی سر گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و با شعبه
خامس صاحب شده و زوج نهم با عصب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دیگر کلان ترست سپس از برآمدن از سو را خوابد و
و فروع مقدم و مؤخر منقسم میشود و شاخهای مؤخر از این جهت فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخها متنوع
میگردند و شاخهای درونی بجانب تنواک رج شده زیرین جلع عنق و شاخهای برونی در عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

سده نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطباء بیرون سی و یک جفت اند
و نزدیکترین انگلستان سی و یک جفت اند و فرنیست و زرد هر دو فرق بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که عصب الصد نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی منتهیین این اعصاب الحلق را هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از این عظم التحدوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
آخر فقره عنق و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبیتین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
در قانون و کامل الصنانه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیر ما آورده که زوج اول در عضلات
راس پرانگنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثابت نموده جس جلد سر قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتف می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده در عضلات اذنین میرسد و شاخ دوم بعضی های عریضه
کتفی آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که از این شاخ شعبه مانند نسج غلیبوت برآمده بر عروق سباتی متداکشته و بحجاب حاجز رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل فائز گشته بسوی سناسن برآمده و شعبهای آن بسوی عضل مشترکه میان
سر گردن میرود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل نشکسه
راس و عضل مشترکه سر گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتفی آید و پارّه از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبهای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته دور
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبها در یکدیگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و از ان جا تجاوز نکرده و بعضی از ان بمركز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعض رسیده و از ان جا تجاوز نکرده و بعضی از ان بعضات سرگردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجمله ساعد آمده با عصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دیگر کلان ترست سپس از برآمدن از سو راجا بدو
و فروغ مقدم و مؤخر تقسیم میشود و شاخهای مؤخر از مابین جهته فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخها متنوع
میگردند و شاخهای درونی بجانب شو اک رج شده زیرین جلده عنق و شاخهای برونی در عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

[illegible]

سوم و چهارم و پنجم و ششم و هفتم و هشتم و نهم و دهم و یازدهم و پانزدهم و شانزدهم و هیجدهم و بیستم و یکمین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فریق بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که عصب الصد نیز گویند
و پنج زوج عصب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی تخمین میکنند اینها را با اتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از این عظم القصد و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از این
آخر فقره عنق و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبیین که فیما بین فقرتین واقع اند می آید
و در قانون و کامل الصنانه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیر ما آورده که زوج اول و عضلات
راس پرانگنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتفی می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده در عضلات اذنین میرسد و شاخ دوم بعضیهای عریضه
کتفی می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که از این شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سباتی ممتد گشته و بحجاب حاجز رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل فائز گشته بسوی سانس برآمده و شعبهای آن بسوی عضل مشترکه میان
سر و گردن میرود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل نشکسه
راس و عضل مشترکه سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتفی می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبهای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ها در یکدیگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و از ان جا تجاوز نکرده و بعضی از ان بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعض رسیده و از ان جا تجاوز نکرده و بعضی از ان بعضیات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و با شعبه
خامس صاحب شده و زوج نهم بجلد ساعد آمده با عصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دیگر کلان ترست سپس از برآمدن از سو را خواب و
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم میشود و شاخهای مؤخر از این جهت فقرات پسین گذشته برونی و برونی و دو شاخها متوزع
میگردند و شاخهای درونی بجانب شواک رج شده زیرین جلد عنق و شاخهای برونی در عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

[illegible]

[illegible]

سوم و چهارم و پنجم و ششم و هفتم و هشتم و نهم و دهم و یازدهم و پانزدهم و شانزدهم و هیجدهم و بیستم و یکمین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و زود هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که عصب الصد نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی تخمین میکنند این اعصاب الحلق را هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از این عظم القصد و فقره اول عنق می برآید و زوج هشتم از این
آخر فقره عنق و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبیین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصنانه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیر ما آورده که زوج اول و عضلات
راس پرانگنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده حس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتفی می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده در عضلات اذنین میرسد و شاخ دوم بعضیهای عریضه
کتفی می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که از این شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سباتی ممتد گشته و بحجاب حاجز رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل فائز گشته بسوی سناسن برآمده و شعبهای آن بسوی عضل مشترکه میان
سر و گردن میرود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل نشکسه
راس و عضل مشترکه سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتفی می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبهای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبها در یکدیگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و از ان جا تجاوز نکرده و بعضی از ان بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعض رسیده و از ان جا تجاوز نکرده و بعضی از ان بعضیات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجمله ساعد آمده با عصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دیگر کلان ترست سپس از برآمدن از سو را خوابد و
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم میشود و شاخهای مؤخر از این جهت فقرات پسین گذشته برونی و برونی و دو شاخها متوزع
میگردند و شاخهای درونی بجانب شواک رج شده زیرین جلد عنق و شاخهای برونی در عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

سه زوج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطباء یونان سی و یک جفت اند
و نزد مشرین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که اعصاب الصدر نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی شش جفت اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از مابین عظم القفوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
آخر فقره عنقی و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبستین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصناعه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیره آورده که زوج اول و عضلات
راس پراکنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتف می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده و عضلات ازین می رسد و شاخ دوم بعضله ای عریضه
کتف می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سیاتی متگشته و بحجاب حاذر رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل غائر گشته بسوی سانس برآمده و شعبه ای آن بسوی عضل مشترک میان
سر و گردن می رود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل منکسه
راس و عضل مشترک سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتف می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبه ای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ای در یکدگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعضد رسیده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بعضلات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجلد ساعد آمده باعصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دگر کلان ترست و پس از برآمدن از سوراخ جابد
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم شود و شاخهای مؤخر از مابین اجنحه فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخهای متوزع
میگرد و شاخهای درونی بجانب شواک اوج شده زیرین جلد عنق و شاخهای برونی و عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

سه زوج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطباء یونان سی و یک جفت اند
و نزد مشرین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که اعصاب الصدر نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی شش جفت اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از مابین عظم القحوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
آخر فقره عنقی و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصناعه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیره آورده که زوج اول و عضلات
راس پراکنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتف می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده و در عضلات ازین می رسد و شاخ دوم بعضله ای عریضه
کتف می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سیاتی متگشته و بحجاب حاذر رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل غائر گشته بسوی سانس برآمده و شعبه ای آن بسوی عضل مشترک میان
سر و گردن می رود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل منکسه
راس و عضل مشترک سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتف می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبه ای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ای در یکدگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعضد رسیده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بعضلات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجلد ساعد آمده باعصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دگر کلان ترست و پس از برآمدن از سوراخ جابد
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم شود و شاخهای مؤخر از مابین اجنحه فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخهای متوزع
میگرد و شاخهای درونی بجانب شواک اوج شده زیرین جلد عنق و شاخهای برونی و عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

[illegible]

سه زوج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطباء یونان سی و یک جفت اند
و نزد مشرین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که اعصاب الصدر نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی شش جفت اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از مابین عظم القفوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
آخر فقره عنقی و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصناعه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیره آورده که زوج اول و عضلات
راس پراکنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتف می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده و عضلات ازین می رسد و شاخ دوم بعضله ای عریضه
کتف می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سیاتی متدگشته و بحجاب حاذر رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل غائر گشته بسوی سانس برآمده و شعبه ای آن بسوی عضل مشترک میان
سر و گردن می رود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل منکسه
راس و عضل مشترک سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتف می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبه ای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ای در یکدگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعضد رسیده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بعضلات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجلد ساعد آمده باعصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دگر کلان ترست و پس از برآمدن از سوراخ جابد
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم شود و شاخهای مؤخر از مابین اجنحه فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخهای متوزع
میگرد و شاخهای درونی بجانب شواک ارج شده زیرین جلد عنق و شاخهای برونی و عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

سه زوج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطباء یونان سی و یک جفت اند
و نزد مشرین انگلستان سی و یک جفت اند و فرنیست و نزدیک به اتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحرق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که اعصاب الصدر نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی تخمین این اعصاب الحرق را بیست و پنج زوج آنها با اتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از این عظم القصد و فقره اول غنقی می برآید و زوج هشتم از این
آخر فقره غنق و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی غنقی از ثقبیین که فیما بین فقرتین واقع اند می آید
و در قانون و کامل الصانع و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیر ما آورده که زوج اول و عضلات
راس پرانگنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضلهای عریضه کتف می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل غنق بسوی هر دو گوش آمده در عضلات اذنین میرسد و شاخ دوم بعضلهای عریضه
کتفی می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که از این شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سباتی متداخلة و بحجاب حاجز رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل فائز گشته بسوی سانس برآمده و شعبهای آن بسوی عضل مشترک میان
سر گردن می رود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل نشکس
راس و عضل مشترک سر گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتف می آید و پاره از
زوج سادس و سابج باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبهای زوج خامس و سادس و سابج آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبها در یکدیگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و از ان جا تجاوز نکرده و بعضی از ان بمركز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابج
بعض رسیده و از ان جا تجاوز نکرده و بعضی از ان بعضلات سر گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و با شعبه
خامس صاحب شده و زوج نهم تا من بجمله ساعد آمده با اعصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دیگر کلان ترست و پس از برآمدن از سو را خواب و
و فروغ مقدم و مؤخر تقسیم میشود و شاخهای مؤخر از این جهت فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخها متنوع
میگردند و شاخهای درونی بجانب شوک ارجح شده زیرین جلد غنق و شاخهای برونی در عضلات جنبین غنق متفرق میشوند

[illegible]

سه زوج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطباء یونان سی و یک جفت اند
و نزد مشرین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که اعصاب الصد نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی شش جفت اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از مابین عظم القحوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
آخر فقره عنقی و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصناعه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیره آورده که زوج اول و عضلات
راس پراکنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتفی می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنقی بسوی هر دو گوش آمده و در عضلات ازین می رسد و شاخ دوم بعضله ای عریضه
کتفی می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سیاتی متگشته و بحجاب حاجر رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل غائر گشته بسوی سانس برآمده و شعبه ای آن بسوی عضل مشترک میان
سر و گردن می رود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل منکسه
راس و عضل مشترک سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتفی می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبه ای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ای در یکدگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعضد رسیده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بعضلات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجلد ساعد آمده باعصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دگر کلان ترست و پس از برآمدن از سوراخ پدید
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم شود و شاخهای مؤخر از مابین اجنحه فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخهای متوزع
میگرد و شاخهای درونی بجانب شواک ارج شده زیرین جلد عنقی و شاخهای برونی و عضلات جنبین عنقی متفرق میشوند

[illegible]

سه زوج نهم و دهم و يازدهم دانسته اما اعصاب نخاعي نزدي پيروان اطباي يونان سي و يك جفت اند
 و نزدي شصت و پنج انگستان سي و يك جفت اند و فرديست و نزدي هر دو فريق بالاتفاق از جمله سي و يك
 اعصاب نخاعي هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب كه اعصاب الصدر و بزرگوتيد
 و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضي شصت و پنج اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
 يونانيان و انگستانيان زوج اول از مابين عظم القهوه و فقره اول عنقي مي برآيد و زوج هشتم از مابين
 آخر فقره عنق و اول فقره صلب باقي بگي زوج نخاعي عنقي از ثلثين كه فيما بين فقرتين واقع اند مي برآيد
 و در قانون و كامل الصانع و تشریح الابرار و دانش نامه جهان و غير ما آورده كه زوج اول و عضلات
 راس پراگنده شده و زوج دوم ميان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف كردن
 و قوت عضلهاي عريضه كتف مي دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده يك شاخ آن پس از
 متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوي هر دو گوش آمده و عضلات از مابين ميرسد و شاخ دوم بعضلهاي عريضه
 كتف مي آيد و زوج چهارم نيز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آيخته
 و گفته اند كه از اين شاخ شعبه مانند نسج عنكبوت برآمده بر عروق سباتي ممتد گشته و بحجاب عاجز رسیده
 و شاخ مؤخر بسوي خلف در عمق عضل غائر گشته بسوي سانس برآمده و شعبهاي آن بسوي عضل مشترك ميان
 سر و گردن ميرود و زوج پنجم بستر نيز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوي عضلات خدين و عضل منكسه
 راس و عضل مشترك سر و گردن مي رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گرديده يك شعبه بالاي كتف مي آيد و پاره از
 زوج سادس و سابع اين شعبه آيخته شده و شعبه دوم باشعبهاي زوج خامس و سادس و سابع آيخته و در
 وسط حجاب نافذ ميشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبها در يك گرديده و اختلاط است ليكن اكثر شعب زوج
 سادس بسوي سطح كتف آمده و از ان جا تجاوز نكرده و بعضي از ان بمرکز حجاب رسیده و اكثر شعب زوج سابع
 بعضد رسیده و از ان جا تجاوز نكرده و بعضي از ان بعضلات سر و گردن و صلب و مركز حجاب رسیده و باشعبه
 خامس صاحب شده و زوج ثامن بجلد ساعد آمده باعصاب نخستين فقار صدر مختلط شده است اما انگستانيان
 تشریح کرده كه اين هشت زوج از اعلى تا اسفل سلسله وار از يك دگر كلان ترست و پس از برآمدن از سوراخايد و
 دو فروغ مقدم و مؤخر منقسم ميشود و شاخهاي مؤخر از مابين اجنحه فقرات پسین گذشته بروني و بروني دو و شاخها متنوع
 ميگرد و شاخهاي دروني بجانب شوك اوج شده زيرين جلد عنق و شاخهاي بروني و عضلات جنبين عنق متفرق ميشوند

سه زوج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطباء یونان سی و یک جفت اند
و نزد مشرین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که اعصاب الصدر نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی شش جفت اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از مابین عظم القفوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
آخر فقره عنقی و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصناعه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیره آورده که زوج اول و عضلات
راس پراکنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتفی دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنقی بسوی هر دو گوش آمده و عضلات ازین می رسد و شاخ دوم بعضله ای عریضه
کتفی می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سیاتی متگشته و بحجاب حاذر رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل غائر گشته بسوی سانس برآمده و شعبه ای آن بسوی عضل مشترک میان
سر و گردن می رود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل منکسه
راس و عضل مشترک سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتفی می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبه ای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ای در یکدگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و ازان جا تجاوز نموده و بعضی ازان بر مرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعضد رسیده و ازان جا تجاوز نموده و بعضی ازان بعضلات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجلد ساعد آمده باعصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دگر کلان ترست و پس از برآمدن از سوراخ جاذبه
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم شود و شاخهای مؤخر از مابین اجنحه فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخهای متوزع
میگرد و شاخهای درونی بجانب شواک اوج شده زیرین جلد عنقی و شاخهای برونی و عضلات جنبین عنقی متفرق میشوند

[illegible]

[illegible]

سه زوج نهم و دهم و يازدهم دانسته اما اعصاب نخاعي نزدي پيروان اطباي يونان سي و يك جفت اند
 و نزدي شصت و پنج انگستان سي و يك جفت اند و فرديست و نزدي هر دو فريق بالاتفاق از جمله سي و يك
 اعصاب نخاعي هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب كه اعصاب الصدر و بزرگوتيد
 و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضي شصت و پنج اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
 يونانيان و انگستانيان زوج اول از مابين عظم القهوه و فقره اول عنقي مي برآيد و زوج هشتم از مابين
 آخر فقره عنق و اول فقره صلب باقي بگي زوج نخاعي عنقي از ثلثين كه فيما بين فقرتين واقع اند مي برآيد
 و در قانون و كامل الصانع و تشریح الابرار و دانش نامه جهان و غير ما آورده كه زوج اول و عضلات
 راس پراگنده شده و زوج دوم ميان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف كردن
 و قوت عضلهاي عريضه كتف مي دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده يك شاخ آن پس از
 متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوي هر دو گوش آمده و در عضلات اذنين ميرسد و شاخ دوم بعضلهاي عريضه
 كتف مي آيد و زوج چهارم نيز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آيخته
 و گفته اند كه از اين شاخ شعبه مانند نسج عنكبوت برآمده بر عروق سباتي ممتد گشته و بحجاب عاجز رسیده
 و شاخ مؤخر بسوي خلف در عمق عضل غائر گشته بسوي سانس برآمده و شعبهاي آن بسوي عضل مشترك ميان
 سر و گردن ميرود و زوج پنجم بستر نيز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوي عضلات خدين و عضل منكسه
 راس و عضل مشترك سر و گردن مي رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گرديده يك شعبه بالاي كتف مي آيد و پاره از
 زوج سادس و سابع اين شعبه آيخته شده و شعبه دوم باشعبهاي زوج خامس و سادس و سابع آيخته و در
 وسط حجاب نافذ ميشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبها در يك گرديده و اختلاط است ليكن اكثر شعب زوج
 سادس بسوي سطح كتف آمده و ازان جا تجاوز نكرده و بعضي ازان بمرکز حجاب رسیده و اكثر شعب زوج سابع
 بعضد رسیده و ازان جا تجاوز نكرده و بعضي ازان بعضلات سر و گردن و صلب و مركز حجاب رسیده و باشعبه
 خامس صاحب شده و زوج ثامن بجلد ساعد آمده باعصاب نخستين فقار صدر مختلط شده است اما انگستانيان
 تشریح کرده كه اين هشت زوج از اعلى تا اسفل سلسله وار از يك دگر كلان ترست و پس از برآمدن از سوراخايد و
 دو فروغ مقدم و مؤخر منقسم ميشود و شاخهاي مؤخر از مابين اجنه فقرات پسین گذشته بروني و بروني دو و شاخها متنوع
 ميگرد و شاخهاي دروني بجانب شوك اوج شده زيرين جلد عنق و شاخهاي بروني و عضلات جنبين عنق متفرق ميشوند

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

سوم و چهارم و پنجم و ششم و هفتم و هشتم و نهم و دهم و یازدهم و پانزدهم و شانزدهم و هیجدهم و بیستم و یکمین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و زود هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی بهشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که عصب الصد نیز گویند
و پنج زوج عصب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی تخمین میکنند اینها را با اتفاق آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از این عظم القهوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از این
آخر فقره عنق و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبیین که فیما بین فقرتین واقع اند می آید
و در قانون و کامل الصنانه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیره آورده که زوج اول و عضلات
راس پرانگنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتفی می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده در عضلات اذنین میرسد و شاخ دوم بعضیهای عریضه
کتفی می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که از این شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سباتی ممتد گشته و بحجاب حاجز رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل فائز گشته بسوی سانس برآمده و شعبهای آن بسوی عضل مشترکه میان
سر و گردن میرود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل نشکسه
راس و عضل مشترکه سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتفی می آید و پارچه از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبهای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ها در یکدیگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و از ان جا تجاوز نکرده و بعضی از ان بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعض رسیده و از ان جا تجاوز نکرده و بعضی از ان بعضیات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجمله ساعد آمده با عصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این بهشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دیگر کلان ترست سپس از برآمدن از سو را خواب و
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم میشود و شاخهای مؤخر از این جهت فقرات پسین گذشته برونی و برونی و دو شاخها متوزع
میگردند و شاخهای درونی بجانب شواک رج شده زیرین جلد عنق و شاخهای برونی در عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

سه زوج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطباء یونان سی و یک جفت اند
و نزد مشرین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که اعصاب الصدر نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی شش جفت اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از مابین عظم القحوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
آخر فقره عنقی و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصناعه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیره آورده که زوج اول و عضلات
راس پراکنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتف می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده و عضلات ازین می رسد و شاخ دوم بعضله ای عریضه
کتف می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سیاتی متگشته و بحجاب حاذر رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل غائر گشته بسوی سانس برآمده و شعبه ای آن بسوی عضل مشترک میان
سر و گردن می رود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل منکسه
راس و عضل مشترک سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتف می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبه ای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ای در یکدگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعض رسیده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بعضلات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجلد ساعد آمده باعصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دگر کلان ترست و پس از برآمدن از سوراخ پدید
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم شود و شاخهای مؤخر از مابین اجنحه فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخهای متوزع
میگرد و شاخهای درونی بجانب شواک اوج شده زیرین جلد عنق و شاخهای برونی و عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

سه زوج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطباء یونان سی و یک جفت اند
و نزد مشرین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که اعصاب الصدر نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی شش جفت اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از مابین عظم القحوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
آخر فقره عنقی و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصناعه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیره آورده که زوج اول و عضلات
راس پراکنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتف می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده و عضلات ازین می رسد و شاخ دوم بعضی عریضه
کتف می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سیاتی متدگشته و بحجاب حاذر رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل غائر گشته بسوی سانس برآمده و شعبه ای آن بسوی عضل مشترک میان
سر و گردن می رود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل منکسه
راس و عضل مشترک سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتف می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبه ای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ای در یکدگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعضد رسیده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بعضی سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجلد ساعد آمده باعصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دگر کلان ترست و پس از برآمدن از سوراخ جابد
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم شود و شاخهای مؤخر از مابین اجنحه فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخهای متوزع
میگرد و شاخهای درونی بجانب شواک اوج شده زیرین جلد عنق و شاخهای برونی و عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

[illegible]

سه زوج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطباء یونان سی و یک جفت اند
و نزد مشرین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که اعصاب الصدر نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی شش جفت اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از مابین عظم القحوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
آخر فقره عنق و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصناعه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیره آورده که زوج اول و عضلات
راس پراکنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتف می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده و در عضلات ازین می رسد و شاخ دوم بعضله ای عریضه
کتف می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سیاتی متگشته و بحجاب حاذر رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل غائر گشته بسوی سانس برآمده و شعبه ای آن بسوی عضل مشترک میان
سر و گردن می رود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل منکسه
راس و عضل مشترک سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتف می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبه ای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ای در یکدگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعضد رسیده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بعضلات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجلد ساعد آمده باعصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دگر کلان ترست و پس از برآمدن از سوراخ جاذبه
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم شود و شاخهای مؤخر از مابین اجنحه فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخهای متوزع
میگرد و شاخهای درونی بجانب شواک ارج شده زیرین جلد عنق و شاخهای برونی و عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

سوم و چهارم و پنجم و ششم و هفتم و هشتم و نهم و دهم و یازدهم و پانزدهم و شانزدهم و هیجدهم و بیستم و یکمین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فریق بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که عصب الصد نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی منتهین به اعصاب الحلق اینست هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از این عظم القصد و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از این
آخر فقره عنق و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبیین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصنانه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیرها آورده که زوج اول و عضلات
راس پرانگنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتفی می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده در عضلات ازین میرسد و شاخ دوم بعضیهای عریضه
کتفی می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سباتی ممتد گشته و بحجاب حاجز رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عنق عضل فائز گشته بسوی سانس برآمده و شعبهای آن بسوی عضل مشترکه میان
سر و گردن میرود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل نشکسه
راس و عضل مشترکه سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتفی می آید و پارچه از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبهای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ها در یکدیگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و ازان جا تجاوز نکرده و بعضی ازان بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعض رسیده و ازان جا تجاوز نکرده و بعضی ازان بعضیات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجمله ساعد آمده با عصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دیگر کلان ترست سپس از برآمدن از سو را خواب و
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم میشود و شاخهای مؤخر از این جهت فقرات پسین گذشته برونی و برونی و دو شاخها متوزع
میگردند و شاخهای درونی بجانب شواک رج شده زیرین جلد عنق و شاخهای برونی در عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

سودوزج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطبای یونان سی و یک جفت اند
و نزد مشر حین انگلستان سی و یک جفت اند و فریست و نزد هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب اعناق و دو از ده زوج اعصاب اصلب که اعصاب الصدر نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی از این اعصاب اعناق اینست که هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از این عظم القهوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از این
آخر فقره عنقی و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصنائع و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیره آورده که زوج اول و عضلات
راس پراکنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتف می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنقی بسوی هر دو گوش آمده در عضلات ازین می رسد و شاخ دوم بعضی از عضله
کتف می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سباتی ممتد گشته و بحجاب حاذر رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عنق عضل فائز گشته بسوی سانس برآمده و شعبه ای آن بسوی عضل مشترک میان
سر و گردن می رود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل نشکسه
راس و عضل مشترک سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتف می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم با شعبه ای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه در یکدگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و از ان جا تجاوز نکرده و بعضی از ان بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعضد رسیده و از ان جا تجاوز نکرده و بعضی از ان بعضی از عضلات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و با شعبه
خامس صاحب شده و زوج نهم بجلد ساعد آمده با اعصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دگر گلان ترست و پس از برآمدن از سوراخ باده
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم میشود و شاخهای مؤخر از این جهت فقرات پسین گذشته برونی و برونی و دو شاخها متفرع
میگرد و شاخهای درونی بجانب شواک ارج شده زیرین جلد عنق و شاخهای برونی در عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

[illegible]

[illegible]

[illegible]

سه زوج نهم و دهم و یازدهم دانسته اما اعصاب نخاعی نزد پیروان اطباء یونان سی و یک جفت اند
و نزد مشرین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و نزد هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که اعصاب الصدر نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی شش جفت اعصاب الحلق از هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از مابین عظم القفوه و فقره اول عنقی می برآید و زوج هشتم از مابین
آخر فقره عنقی و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبستین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصناعه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیره آورده که زوج اول و عضلات
راس پراکنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده جس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضلهای عریضه کتفی دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنقی بسوی هر دو گوش آمده و عضلات ازین می رسد و شاخ دوم بعضلهای عریضه
کتفی می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سیاتی متگشته و بحجاب حاذر رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل غائر گشته بسوی سانس برآمده و شعبهای آن بسوی عضل مشترک میان
سر و گردن می رود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل منکسه
راس و عضل مشترک سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتفی می آید و پاره از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبهای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبها در یکدگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعضد رسیده و از آن جا تجاوز نکرده و بعضی از آن بعضلات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و باشعبه
خامس صاحب شده و زوج ثامن بجلد ساعد آمده باعصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دگر کلان ترست و پس از برآمدن از سوراخا بدو
دو فروغ مقدم و مؤخر منقسم شود و شاخهای مؤخر از مابین اجنحه فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخها متنوع
میگرد و شاخهای درونی بجانب شواک ارج شده زیرین جلد عنقی و شاخهای برونی و عضلات جنبین عنقی متفرق میشوند

[illegible]

[illegible]

سوم و چهارم و پنجم و ششم و هفتم و هشتم و نهم و دهم و یازدهم و پانزدهم و شانزدهم و هیجدهم و بیستم و یکمین انگلستان سی و یک جفت اند و فرد نیست و زود هر دو فرقی بالاتفاق از جمله سی و یک
اعصاب نخاعی هشت زوج اعصاب الحلق و دو از ده زوج اعصاب الصلب که عصب الصد نیز گویند
و پنج زوج اعصاب القطن و شش زوج اعصاب العجز و بعضی تخمین میکنند این اعصاب الحلق را هشت زوج آنها بالاتفاق
یونانیان و انگلستانیان زوج اول از این عظم القصد و فقره اول عنق می برآید و زوج هشتم از مابین
آخر فقره عنق و اول فقره صلب باقی بگی زوج نخاعی عنقی از ثقبیین که فیما بین فقرتین واقع اند می برآید
و در قانون و کامل الصنانه و تشریح الابدان و دانش نامه جهان و غیرها آورده که زوج اول و عضلات
راس پرانگنده شده و زوج دوم میان دو گوش ثبات نموده حس جلد سر و قوت عضلات خلف کردن
و قوت عضله ای عریضه کتفی می دهند و زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده یک شاخ آن پس از
متفرق شدن در عمق عضل عنق بسوی هر دو گوش آمده در عضلات اذنین میرسد و شاخ دوم بعضیهای عریضه
کتفی می آید و زوج چهارم نیز همچو زوج سوم هر فرد آن دو شاخ شده شاخ مقدم بزوج ثالث آمیخته
و گفته اند که ازین شاخ شعبه مانند نسج عنکبوت برآمده بر عروق سباتی متداخلة و بحجاب حاجز رسیده
و شاخ مؤخر بسوی خلف در عمق عضل فائز گشته بسوی سانس برآمده و شعبهای آن بسوی عضل مشترکه میان
سر و گردن میرود و زوج پنجم بستور نیز دو شاخ شده شاخ مقدم بسوی عضلات خدین و عضل نشکسه
راس و عضل مشترکه سر و گردن می رسد و شاخ مؤخر دو شعبه گردیده یک شعبه بالای کتفی می آید و پارچه از
زوج سادس و سابع باین شعبه آمیخته شده و شعبه دوم باشعبهای زوج خامس و سادس و سابع آمیخته و در
وسط حجاب نافذ میشود و زوج ششم و هفتم و هشتم را شعبه ها در یکدیگر شدید الاختلاط است لیکن اکثر شعب زوج
سادس بسوی سطح کتف آمده و ازان جا تجاوز نکرده و بعضی ازان بمرکز حجاب رسیده و اکثر شعب زوج سابع
بعض رسیده و ازان جا تجاوز نکرده و بعضی ازان بعضیات سر و گردن و صلب و مرکز حجاب رسیده و با شعبه
خامس صاحب شده و زوج نهم بجلد ساعد آمده با عصاب نخستین فقار صدر مختلط شده است اما انگلستانیان
تشریح کرده که این هشت زوج از اعلی تا اسفل سلسله وار از یک دیگر کلان ترست سپس از برآمدن از سو را خواب و
و فروغ مقدم و مؤخر منقسم میشود و شاخهای مؤخر از مابین جهته فقرات پسین گذشته برونی و برونی دو و شاخهای متفرق
میگردند و شاخهای درونی بجانب شواک رج شده زیرین جلد عنق و شاخهای برونی در عضلات جنبین عنق متفرق میشوند

[illegible]

بی ان رفاده

این جراحت پنجه گفته دارند تا زرد

بعد از یاب روزی کشاوه باشد بحسب حاجت و جراحت

در رم زفاوه را بمر که و گلاب تر کرده سر و کنند و بحالی جراحت نهند تا آماس یازد

که گذاشتن حصیه بالای آن ضروری بود باید که هر دو طرف جراحت رفاده نهند و بالا

که جراحت او نیست نرسد و مرهم در آن توان آورد و دریم و زرواب از آن تواند برآمد پس

تا ذباب و موم ای گرم و سرد و جراحت نرسد ششم در عمل کسر که شظایای استخوان

آنجا که استخوان بشکند و شاخها از وی برخیزد اما جلد را بشکافند بیرون نیامده باشد و تحت جلد بود پس سر

و غیر وی است که نخستین برفق و تدبیر از دست شظایای استخوان را بجای خود نشاند و بعد تر مهند

پاره استخوان برخیزد و در دشت آرد و با صلاح دست بجائی نشیند باید که آن محل را بشکافند پس اگر شاخ مذکور از عظم

جدا باشد کشیده برون کنند و اگر پوسته باشد قطع نمایند و اگر ریزه ریزه شده باشد بگی ریزه برون آرد و طریق قطع

شظایای عظم مکسره است که مذکور را سوراخ کنند با نازک شطیه و بروی گذاشته شطیه از سوراخ نهد بر آرد پس پستی

از جلو و هم بران خط بالای نهد بر گذارد و شطیه ازین نیز بر آرد و دست نهاده برفق فرو نشاند چنانچه فشار باطل خطیه

برسد پس شطیه را از اهل قطع کنند و فشار این کاری باید که با رنگ تیر و لطیف تر از فشار شانه سازان باشد و بعضی

جبران استخوان را بقتیب سوراخ کرده می برند و این خطی از خط نیست هفتم در شرح مدت متجاوز بخار

اعضای مکسره و امورات متعلقه آن باید دانست که اینجا هر عضو مکسور را معادلی ندارد

چنانچه اینجا بینی شکسته در ده روز و اینجا استخوان پیاورد و دست روز و اینجا استخوان ساعد و استخوان درسی روز

بی ان رفاده

این جراحت پنجه گفته دارند تا زرد

بعد از پاپ روزی کمی کشاده باشد بحسب حاجت و جراحت

در رم زقاده را بمر که و گلاب تر کرده سر و کنند و بحالی جراحت نهند تا آماس یازد

که گذاشتن حصیه بالای آن ضروری بود باید که هر دو طرف جراحت رفاده نهند و بالا

که جراحت او نیست نرسد و مری هم در آن توان آورد و دریم و زرواب از آن تواند برآمد پس

تا ذباب و موی گرم و سرد و جراحت نرسد ششم در عمل کسر که شظایای استخوان

آنجا که استخوان بشکند و شاخها از وی برخیزد اما جلد را بشکافند بیرون نیامده باشد و تحت جلد بود پس سر

و غیر وی است که نخستین برفق و تدبیر از دست شظایای استخوان را بجای خود نشاند و بعد تر مری نهند

پاره استخوان برخیزد و در دشت آرد و با صلاح دست بجائی نه نشیند باید که آن محل را بشکافند پس اگر شاخ مذکور از عظم

جدا باشد کشیده بیرون کنند و اگر پوسته باشد قطع نمایند و اگر ریزه ریزه شده باشد همگی ریزه بیرون آرد و طریق قطع

شظایای عظم مکسره است که مذکور را سوراخ کنند با نازک شطیه و بروی گذاشته شطیه از سوراخ نهد بر آرد پس پوستی

از جلو و هم بر آن خط بالای نهد بر گذارد و شطیه ازین نیز بر آرد و دست نهاده برفق فرو نشاند چنانچه فشار باطل خطیه

برسد پس شطیه را از اهل قطع کنند و فشار این کاری باید که باریک تیر و لطیف تر از تیر شانه سازان باشد و بعضی

جبران استخوان را بقتیب سوراخ کرده می برند و این خطی از خط نیست هفتم در شرح مدت معاینه و بخار

اعضای مکسره و امورات متعلقه آن باید دانست که آنجا که هر عضو مکسور را معاینه می نمایند

چنانچه آنجا که بینی شکسته در ده روز و آنجا که استخوان پیاوردیست در ده روز و آنجا که استخوان در ده روز

بی ان رفاده

این جراحت پنجه گفته دارند تا زرد

بعد از پاپ روزی کمی کشاده باشد بحسب حاجت و جراحت

در رم زقاده را بمر که و گلاب تر کرده سر و کنند و بحالی جراحت نهند تا آماس یازد

که گذاشتن حصیه بالای آن ضروری بود باید که هر دو طرف جراحت رفاده نهند و بالا

که جراحت او نیست نرسد و مرهم در آن توان آورد و دریم و زرداب از آن تواند برآمد پس

تا زباب و هم ای گرم و سرد و جراحت نرسد ششم در عمل کسر که شظایای استخوان

آنجا که استخوان بشکند و شاخها از وی برخیزد اما جلد را بشکافند بیرون نیامده باشد و تحت جلد بود پس سر

و غیر وی است که نخستین برفق و تدبیر از دست شظایای استخوان را بجای خود نشاند و بعد تر مهند

پاره استخوان برخیزد و در دشت آرد و با صلاح دست بجائی نشیند باید که آن محل را بشکافند پس اگر شاخ مذکور از عظم

جدا باشد کشیده برون کنند و اگر پوسته باشد قطع نمایند و اگر ریزه ریزه شده باشد همگی ریزه برون آرد و طریق قطع

شظایای عظم مکسره است که مذکور را سوراخ کنند با نازک شطیه و بروی گذاشته شطیه از سوراخ نهد بر آرد پس پستی

از جلو و هم بران خط بالای نهد بر گذارد و شطیه ازین نیز بر آرد و دست نهاده برفق فرو نشاند چنانچه فشار باطل خطیه

برسد پس شطیه را از اهل قطع کنند و فشار این کاری باید که باریک تیر و لطیف تر از تیر شانه سازان باشد و بعضی

چیران استخوان را بقتب سوراخ کرده می برند و این خطی از خط نیست هفتم در شرح مدت متجاوز بخار

اعضای مکسره و امورات متعلقه آن باید دانست که اینجا هر عضو مکسور را معادلی نماید

چنانچه اینجا بینی شکسته در ده روز و اینجا استخوان پیاورد و دست روز و اینجا استخوان ساعد و استخوان درسی روز

بی ان رفاده

این جراحت پنجه گفته دارند تا زرد

بعد از یاب روزی کمی کشاده باشد بحسب حاجت و جراحت

در رم زقاده را بمر که و گلاب تر کرده سر و کنند و بحالی جراحت نهند تا آماس یازد

که گذاشتن حصیه بالای آن ضروری بود باید که هر دو طرف جراحت رفاده نهند و بالا

که جراحت او نیست نرسد و مرهم در آن توان آورد و دریم و زرداب از آن تواند برآمد پس

تا ذباب و موم ای گرم و سرد و جراحت نرسد ششم در عمل کسر که شظایای استخوان

آنجا که استخوان بشکند و شاخها از وی برخیزد اما جلد را بشکافند بیرون نیامده باشد و تحت جلد بود پس سر

و غیر وی است که نخستین برفق و تدبیر از دست شظایای استخوان را بجای خود نشاند و بعد تر مهند

پاره استخوان برخیزد و در دشت آرد و با صلاح دست بجائی نشیند باید که آن محل را بشکافند پس اگر شاخ مذکور از عظم

جدا باشد کشیده برون کنند و اگر پوسته باشد قطع نمایند و اگر ریزه ریزه شده باشد همگی ریزه برون آرد و طریق قطع

شظایای عظم مکسره است که مذکور را سوراخ کنند با نازک شطیه و بروی گذشته شطیه از سوراخ نهد بر آرد پس پستی

از جلو و هم بران خط بالای نهد بر گذارد و شطیه ازین نیز بر آرد و دست نهاده برفق فرو نشاند چنانچه فشار باطل خطیه

برسد پس شطیه را از اهل قطع کنند و فشار این کاری باید که باریک تیر و لطیف تر از تیار شانه سازان باشد و بعضی

جبران استخوان را بقتب سوراخ کرده می برند و این خطی از خط نیست هفتم در شرح مدت متجاوز بخار

اعضای مکسره و امورات متعلقه آن باید دانست که اینجا هر عضو مکسور را معادلی نماید

چنانچه اینجا بینی شکسته در ده روز و اینجا استخوان پیاورد و دست روز و اینجا استخوان ساعد و استخوان درسی روز